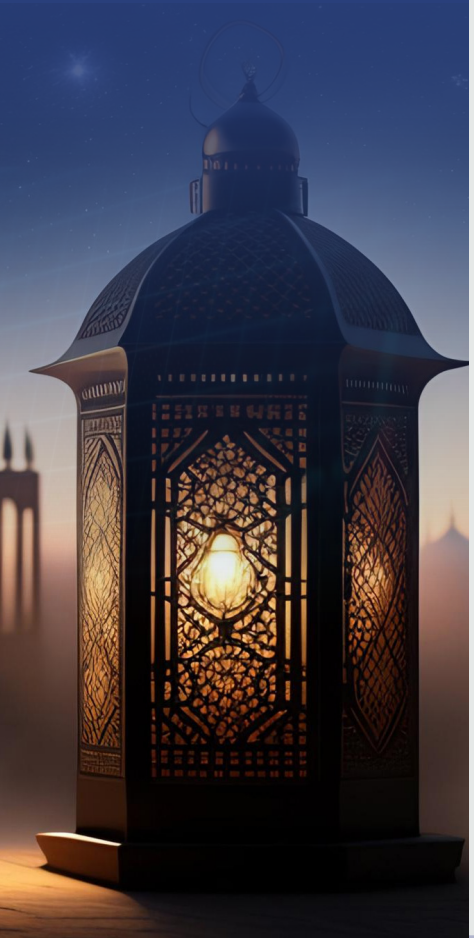
د افغانستان اسلامي امارت
د مالیې وزارت
د اړیکو او عامه پوهاوي ریاست

شتمني

د مالیې وزارت اقتصادي، علمي او معلوماتي مهالنۍ مجله



شپږمه گڼه | ۱۴۴۸هـ.ق | ۱۴۰۵ هـ.ل
محرم الحرام - سرطان



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ [سورة النساء: «٥٨»]

ژباړه:بېشکه الله تعالى تاسو ته امر کوي، چې امانتونه د هغوي مستحقينو ته وسپارئ او کله چې د خلکو ترمنځ فيصله کوئ نو په عدل سره فيصله وکړئ. بېشکه الله تعالى تاسو ته ډېر ښه نصيحت کوي. يقيناً الله تعالى اورېدونکى او ليدونکى دى.

عَنْ عبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رضي الله عنهما أن رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ : ألا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ [صحيح البخاري:«٧١٣٨»]

ژباړه: له عبدالله بن عمر رضي الله عنهما څخه روايت دى، چې رسول الله ﷺ وفرمايل: خبردار تاسو ټول مسؤلين ياست او تاسو به هر يو د خپل رعيت په اړه پوښتل کېږئ .

شتمني

د مالیې وزارت اقتصادي، علمي او معلوماتي مهالنۍ مجله

شپږمه گڼه

(۱۴۴۸هـ.ق- ۱۴۰۵هـ.ل) - محرم الحرام - سرطان)



د امتیاز خښتن

د مالیې وزارت

مسئول مدیر

عبدالقیوم نصیر

مرستیال

صدیق الله وفا

کتنپلاوي

استاد عبدالجبار وحدت

مولوي سید احمد هائد

عبدالولي نوري

پوهندوی غلام عمر عبدالله

سیدا جان احمدزی

ډیزاین

محمد نسیم ظهوري

داود نظري

د چاپ کال

۱۴۰۵هـ.ل

د چاپ شمېر

۱۰۰۰ ټوکه

پته

پښتونستان واټ - د مالیې وزارت

کابل - افغانستان

www.mof.gov.af

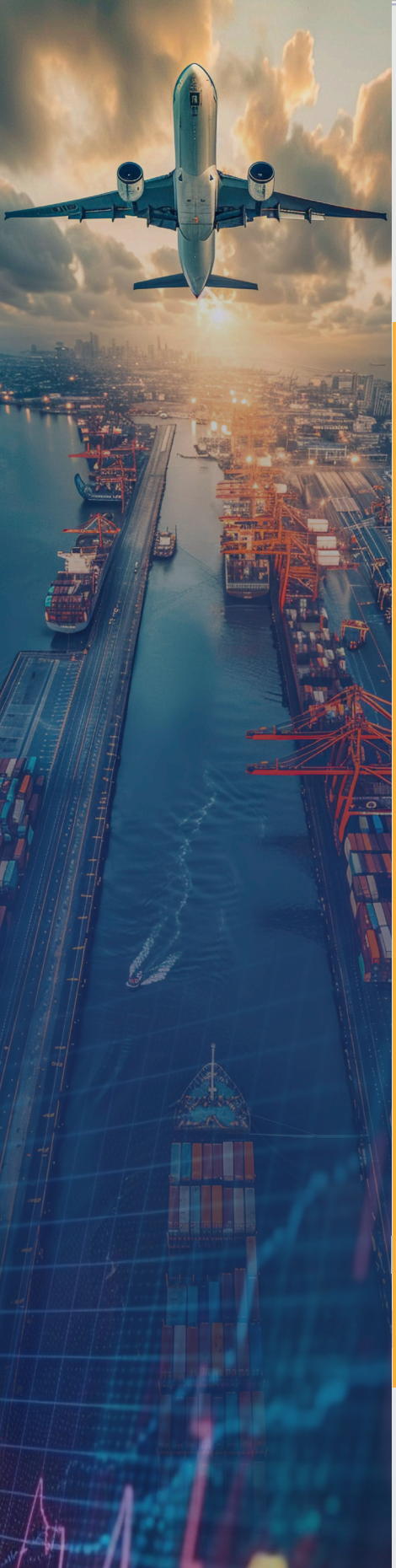
Afghanistanmof

Afghanistanmof

+93(0) 20 29 24 273

خو اړیني یادونې

- شتمني مجله د مجلې د ټاکلې لیکنې له معیار سره سم د لیکنو په اصلاح کې د لاسوهنې حق لري؛
- را استول شوي لیکنې بیرته نه ورکول کېږي؛
- هره لیکنه د لیکوال خپل شخصي نظر څرګندوي او مسئولیت یې د هغه په غاړه دی؛
- د مجلې له مقالو، خبرونو تبصرو او انفوګرافیکونو څخه ګټه اخیستنه د سرچینې په یادولو سره جواز لري.



گڼه	سرليکونه	مخ
۱	سرمقاله	۱
	خبري معلومـاتي او څېړنيزه برخه	
۲	تحقيق و تحليل کريدور واخان افغانستان	۳
۳	د کارکونکو د معاش د اجراء پروسه (د حاضرۍ د ترتيبولو څخه تر بانکه پورې	۱۴
۴	مصاحبه اختصاصی با پوهنیار محمد سالم اورياخيل ، رئیس سیستم های ریاست عمومی گمرکات در برنامه حکومتداری الکترونیکی	۱۶
	علمي مقالې	
۵	حکم شرعی مالیات	۲۲
۶	حکمیت تجارتی	۲۵
۷	په ملي اقتصاد کې د حکومت او خصوصي سکتور ونډه	۳۳
۸	د افغانستان - روسيې ترمنځ د غنمو تجارت او د مالي تبادلې بديله لاره؛ د روبل رول او حدود	۳۶
۹	راهکارهای اقتصادی برای بازسازی و توسعه پایدار پس از جنگ	۳۹
۱۰	تأثیر فقر و بیکاری بر سلامت روان جوانان	۴۷
۱۱	گام‌های ضروری برای توسعه اقتصادی در افغانستان	۵۲
	نړيوالي تبصرې	
۱۲	د منځنۍ اسيا او افغانستان له پاره د اُورګاډي پټلۍ ته يوه کتنه	۵۸
۱۳	د «ترانس ــ افغان» اورګاډي پټلۍ د امکان سنجونې د مطالعې له پاره ۳ ــ اړخيز ټرون لاسليک سو	۵۹
۱۴	شوکت ميرضيايف: د «چين ــ قيرغيزستان ــ اوزبکستان» پټلۍ به له «ترانس ـ افغان» دهلېز سره وصل شي	۶۰
۱۵	افغان او اوزبک سوداګرو د شل ميليونو ډالرو په ارزښت سوداګريز ټرونونه لاسليک کړل	۶۱
۱۶	اوزبکستان او افغانستان د سوداګرۍ او زېربنايي همکاريو په اړه خبرا ډېر بحث وکړ	۶۲
۱۷	د ترمز سوداګريز زون اصلاحاتو په درشل کې له افغانستان څخه اوزبکستان ته سوداګريز سفرونه زيات شوي دي	۶۳
۱۸	تُرکمنستان او افغانستان د تورغونډۍ بندر د پراختيا له پاره ټرون لاسليک کړ	۶۳
۱۹	افغانستان اروپايي بازارونو ته د رسېدو له پاره له «منځني دهلېز» څخه د کار اخيستلو اراده کړې ده	۶۴
	انفوګرافيکونه	
۲۰	طی مراحل روند استخدام	۶۶
۲۱	د نوې ګمارنې لپاره د توزيع فورم شعبې لارښوونې	۶۶
۲۲	آمریت انکشاف اداره	۶۷
۲۳	آمریت ارتباط با کارکنان	۶۷

سرمقاله

تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پیش‌نیازی برای سیاست های پایدار و کارآمد

در دنیایی که هر تصمیم ا شتبا ه می‌تواند میلیو ن ها افغانی هزینه داشته باشد و هر تصمیم درست می‌تواند مسیر یک اداره را تغییر دهد، وزارت مالیه به یک بازوی فکری و علمی نیاز دارد؛ بازویی که بتواند فراتر از گزارش‌های معمول، تصویر واقعی اقتصاد و اجتماع کشور را نشان دهد. اینجاست که یک واحد تحقیقات اقتصادی و اجتماعی نیاز است. تحقیقات اقتصادی و اجتماعی که بتواند مشکلات و چالش های موجود در جامعه مانند فقر، بیکاری و نابرابری، توسعه سیاست های مؤثر با تجزیه و تحلیل داده ها،



افزایش آگاهی عمومی و مشارکت آنها در تصمیم گیری، ترویج استراتیژی های توسعه پایدار کمک کند تا کیفیت زندگی و حفاظت از منابع طبیعی بهبود یابد.

همچنان این تحقیقات بتواند از طریق تبادل اطلاعات و تجربیات به تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حل مسائل مشترک کمک کرده و در نهایت به رونق اجتماعی و اقتصادی جوامع کمک کند و آینده‌ای بهتر برای نسل‌های آینده رقم بزند.

وزارت مالیه با درک عمیق این نیازمندی، آمریت طرح و تحقیقات اقتصادی و اجتماعی را زیر چتر ریاست تحلیل و انکشاف پالیسی ها و برنامه های اقتصادی معینیت پالیسی ایجاد کرده است که ماموریتش نه تنها ارائه گزارش های معمولی، بلکه کمک به ساختن یک آینده بهتر بر اساس شواهد و شناخت عمیق از واقعیت هاست. این آمریت، تصمیمات وزارت مالیه را از مالیات گرفته تا بودجه سازی، از سیاست های حمایوی تا برنامه های اقتصادی، بی طرفانه تحلیل و طرح های قابل تطبیق ارائه میکند. البته بدون تحقیق، پالیسی‌ها بیشتر شبیه پیش‌فرض‌ها و حدس‌ها می‌شوند؛ اما با تحقیق، تصمیم‌گیری به یک روند علمی و هدفمند تبدیل می‌گردد.

آمریت تحقیقات در ساختار وزارت مالیه موقعیت استراتیژیک داشته و به گونه مستقیم با پروسه سیاست‌سازی در ارتباط است. به زبان ساده‌تر، این آمریت همان جایی است که مشکلات اقتصادی و اجتماعی شناسایی، داده‌ها جمع آوری، واقعیت‌ها تحلیل و در نهایت راه‌حل‌ها در اختیار رهبری و ادارات سکتوری قرار می‌گیرد.

برای اینکه جایگاه و ضرورت آمریت بهتر درک شود، خوب است به دو تحقیق مهم یکی تحقیق در مورد کتمان و فرار مالیاتی و دیگری تحقیق در مورد اهمیت دهلیز واخان برای افغانستان اشاره کنیم که در ماه‌های اخیر انجام شده است. مورد اول پدیده‌ای که سبب کاهش عواید دولت و افزایش فشار بالای تاجران قانون‌مدار می‌شود. آمریت تحقیق با جمع آوری داده‌ها از گمرکات، اداره مالیات و سکتور خصوصی توانست نوعیت‌های رایج فرار مالیاتی را شناسایی کند، عوامل آن را تحلیل و پیشنهادهای عملی برای جلوگیری از کتمان مالیاتی ارائه دهد. مورد دوم اهمیت اقتصادی، ترانزیتی و جیوپولیتیک دهلیز واخان را روشن ساخته که می‌تواند افغانستان را به بازارهای آسیای میانه و چین وصل کند؛ توسعه آن می‌تواند درازمدت به تجارت، گردشگری و رشد اقتصادی مناطق محروم کمک و چگونه احیای این دهلیز می‌تواند به یک ابتکار مهم ملی تبدیل شود.

آمریت تحقیقات از سه نگاه عمده : ۱) از نقطه نظر تصمیم گیری بر اساس شواهد نه احساسات ، ۲) از نظر افزایش کیفیت پالیسی ها و اصلاحات و ۳) از نظر ایجاد هماهنگی میان اقتصاد و اجتماع برای وزارت مالیه ارزش حیاتی داشته و به عنوان یک مرکز فکر است که اگر درست حمایت شود، می‌تواند به یکی از مهم‌ترین نقاط اتکا برای تصمیمات کلان اقتصادی کشور تبدیل شود.

وجود چنین مرکز تحقیقاتی نه یک امتیاز، بلکه یک ضرورت حیاتی است. تحلیل دقیق، تحقیق علمی و ارائه راهکارهای معقول این‌ها ابزارهایی‌اند که آینده وزارت مالیه را متفاوت می‌سازند. و امروز این وظیفه مهم بر دوش آمریت تحقیقات اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است.

خبري معلوماتي
او
څېړنيزه برخه




1404
1403
1402
1401
1400
1401
1402
1403
1404

تحقیق و تحلیل کریدور واخان افغانستان

مقدمه

شکل گیری واخان افغانستان به لحاظ تاریخی از حایل بودن این منطقه میان روسیه تزاری و بریتانیای کبیر می آید. این منطقه در طول سال های مدید، مزیت حایل بودن خویش را به لطف جغرافیای صعب العبور، سرد و محصور در سلسله کوه های بلند دنیا نظیر هندوکش، پامیر و قراقروم حفظ کرده است. در صورت سرمایه گذاری کشورهای همجوار، باریکه حایل واخان می تواند امروزه به عنوان یک کریدور اقتصادی مورد بهره برداری برسد. واخان از انقلاب ها و تحولات سیاسی چند دهه اخیر افغانستان و جهان به دور مانده و مردمان این سرزمین شیوه زندگی طبیعی و سنتی شان را حفظ کرده است. این سرزمین بکر و دست نخورده، مثل نگین در گوشه شمال شرق افغانستان می درخشد و هر سال پای جهان گردان زیادی را به طرف خود می کشاند. در این مقاله از روش تحلیلی و توصیفی با استفاده از مقالات علمی، پژوهشی، مطالعات و معلومات نویسندگان استفاده گردیده است تا در نهایت بتواند دید سیاست های اقتصادی کشور های همجوار و ذینفع واخان را مورد بررسی قراردهد. علاوه بر اهمیت تاریخی، جغرافیایی و استراتژیکی که واخان دارد، اهمیت و نقش اقتصادی واخان هر روز برجسته تر از قبل می شود و نمی توان این نقش را در انکشاف اقتصادی و ترانزیتی افغانستان آینده، نادیده گرفت. اگر امکانات سیاسی، اقتصادی و فنی کشورهای همجوار واخان به مبنی و منافع مشترک بُرد-بُرد برسد، می شود از این سرزمین به عنوان یک دهلیز یا کریدور مشترک اقتصادی- ترانزیتی یاکریدور مشترک المنافع با اهمیت در منطقه استفاده کرد. ما در ادامه به تفصیل روی علاقمندی، وابستگی و منافع کشورهای ذیدخل کریدور واخان صحبت خواهیم کرد.



چیستی طرح اقتصادی

طرح اقتصادی یک سند رسمی است که برای ارزیابی توجیه اقتصادی یک سرمایه گذاری یا پروژه تجاری تهیه می شود. سند طرح اقتصادی شامل اطلاعات جامعی در مورد جنبه های مالی، فنی وقانونی پروژه است. هدف از طرح اقتصادی این است که به سرمایه گذاران یا تصمیم گیرندگان کمک کند که آیا پروژه ارزش سرمایه گذاری را دارد یا خیر. طرح اقتصادی ابزار ارزشمند برای سرمایه گذاران و تصمیم گیرندگان است و به آنها کمک می کند تا تصمیمات آگاهانه در مورد سرمایه گذاری های خود بگیرند. طرح اقتصادی می توانند برای انواع مختلفی از پروژه ها توسط شرکت ها، سازمان های غیر انتفاعی و دولت ها استفاده شوند.

طرح اقتصادی به صورت عموم شامل موارد ذیل است:



معرفی جغرافیایی واخان

واخان یک نوار باریک در رشته کوه‌های پامیر و در خاک افغانستان است که چین، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان در آن مرز مشترک دارند. کریدور واخان از شمال شرق از سرزمین اصلی افغانستان به مرز چین منتهی می‌شود. در جنوب این نوار، افغانستان با کشور پاکستان و در شمال با تاجیکستان مرز مشترک دارد. طول این نوار ۳۵۰ کیلومتر و عرض آن ۱۳ تا ۶۵ کیلومتر است. مساحت کل این نوار ۱۰۳۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت ساکن در آن بین ۱۰۰۰۰ - ۱۵۰۰۰ نفر است. این مکان جایی است که سه سلسله از بلندترین سلسله کوه‌های جهان به نام‌های قراقروم، هندوکش و پامیر در آن به هم نزدیک می‌شوند. واخان امروز کوتاه‌ترین مرز بین افغانستان و چین است. چین با ۱۳ کشور دیگر نیز مرز مشترک دارد، اما مرز میان چین و افغانستان با حدود تقریبی ۷۶ کیلومتر، کوتاه‌ترین مرز است. این مرز از سال ۱۸۹۵، زمانی که امپراتوری‌های بریتانیا و روسیه، مرزهای افغانستان را تغییر دادند تا به امروز به عنوان یک منطقه حایل میان این دو امپراتوری و کشورهای امروزی عمل کرده است.

میان افغانستان و چین، گردنه «وخجیر» تنها نقطه قابل دسترس و قابل استفاده در انتهای جنوب شرقی این دالان یا کریدور است. بقیه مرز، رشته کوهی غیر قابل عبور و پوشیده از برف است. در واقع این گردنه، کم ارتفاع‌ترین و پست‌ترین نقطه در طول کل مرز است. این منطقه برای چین حکم کلید ورود به معادن افغانستان را دارد. چین در حال توسعه پروژه‌هایی در کریدور واخان است که از نظر تاریخی در جاده ابریشم قرار دارد و گذرگاه

«وخجیر» ساده‌ترین مسیر برای افزایش تجارت بین آسیای مرکزی و چین است.

خلاصه واخان سرزمین کوه، برف، یخچال، دره و دریا و بام دنیا است که سال ها است او را برای یک کریدور اقتصادی غیر قابل دسترس کرده است. واخان سردترین نقطه‌ی مسکونی افغانستان است که در ۳۰۰ روز سال، دمای هوا در این مناطق زیر صفر می‌باشد و مردم آن خیلی زندگی ابتدایی دارند. به این دلیل هر ساخت و سازی در این سرزمین هزینه های هنگفتی خواهد داشت. طوریکه هزینه ساخت یک کیلومتر سرک جغلی در این سرزمین به یک صد هزار دالر امریکایی می رسد. باید توجه داشته باشیم که هزینه های مراقبت و مرمت و سایر هزینه ها شامل این محاسبه نیست. در این جاست که پای انواع امکان سنجی در میان می آید. نباید هیچ کاری در بام دنیا خود سرانه و بدون امکان سنجی تخصصی صورت گیرند.

تاریخچه شکل گیری واخان

در زمینه شکل‌گیری کریدور واخان باید به تحولات قرن نوزدهم و رقابت‌های استعماری روس و انگلیس توجه کرد. در این قرن بریتانیا و امپراتوری روسیه برای نفوذ بیشتر در آسیای مرکزی، شبه قاره هند و قفقاز به شدت افزایش یافت. روسیه تلاش داشت با دسترسی به ایران و حتی شبه قاره، به آب‌های گرم خلیج فارس نفوذ پیدا کرده و با این اقدام، رقیب استعماری خود را در اروپا به زانو در آورد. اما در سوی دیگر، بریتانیایی‌ها نیز با علم بر این نیات، اقدامات و سیاست‌هایی را برای خنثی‌سازی سیاست‌های روسیه در پیش گرفتند که در تاریخ به بازی بزرگ معروف شده است.

در این بازی بزرگ، ایران و افغانستان به دلیل اهمیت ژیوپولیتیکی (یکی حایل میان آب‌های گرم خلیج فارس و دیگری حایل میان آسیای مرکزی و هندوستان بود.) به مناطق اصلی منازعات این دو کشور تبدیل شده و فصل جدیدی از دخالت‌های این دولت‌ها در اموراین‌سرزمین‌هافراهم‌شد.

در همین سال‌ها، افزایش رقابت‌های روسیه با بریتانیا برای نفوذ در قلمرو یکدیگر در هند و آسیای مرکزی در جریان بود و این مسئله زمینه را برای انعقاد معاهده‌ای میان این دو امپراتوری در سال ۱۸۹۵ فراهم نمود. روسیه مدعی تصاحب بر روشان، شغنان و واخان به عنوان جانشین حاکمیت خانات خوقند شد. امیر عبدالرحمان به روشان و شغنان علاقه داشت. اما انگلیسی‌ها امیر را متقاعد کردند که روشان و شغنان را با واخان مبادله کند. در جولای ۱۸۹۵، تعیین مرزها بین روسیه، امپراتوری هند بریتانیا و افغانستان انجام شد. کمیسیون موافقت کرد که تمام زمین‌های شمال آمودریا به روسیه و تمام زمین‌های جنوب آمودریا به افغانستان داده شود. این قرارداد کریدور واخان را ایجاد کرد که شامل منطقه واخان تا قلمرو چین در سین‌کیانگ می‌شد. این کریدور عملاً هند بریتانیا را از تماس مستقیم با روسیه‌جدامی‌کرد.در جون ۱۹۸۱، واخان با توافق ببرک کارمل و برژنف رسماً به روسیه واگذار شد. پس از اشغال واخان، روس‌ها ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ قرغیز را از منطقه اخراج کردند. پس از خروج شوروی بار دیگر واخان در اختیار حاکمیت افغانستان قرار گرفت. به نظر می‌رسد امروزه این



منطقه بار دیگر در محور توجه همکاری‌ها و تحولات اقتصادی منطقه‌ای قرار گرفته است؛ روندی که پس از ساخت بزرگراه قراقروم و با آغاز پروژه CPEC (کریدور اقتصادی چین ــ پاکستان) بیشتر برجسته شده است. این کریدور به‌عنوان یک برنامه درازمدت برای تقویت همکاری‌های اقتصادی میان چین و پاکستان، بخش‌هایی چون توسعه بندر گوادر، انرژی، زیربناهای ترانسپورتی و همکاری‌های صنعتی را در بر می‌گیرد. بررسی علایق چین و پاکستان به کریدور واخان

کریدور واخان در شمال شرق افغانستان، پتانسیل اقتصادی و استراتژیک عظیمی برای پاکستان داشته و می‌تواند برای اسلام آباد به عنوان یک معبر مهم ترانزیتی معجزه ایجاد کند. پیوند جمهوری‌های آسیای مرکزی، چین، افغانستان و پاکستان از طریق یک کریدور استراتژیک می‌تواند تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای را برای پاکستان ایجاد کند. از دیدگاه مقامات پاکستانی، افزایش تجارت از طریق کریدور واخان به بندر گوادر باعث افزایش روابط سه جانبه بین پاکستان، افغانستان

کریدورواخان ومنافع پاکستان وتاجکستان

کریدور واخان در یک نقطه، فاصله بین پاکستان و آسیای مرکزی را به (۱۳) کیلومتر کاهش می‌دهد. این کریدور پتانسیل اقتصادی و استراتژیک عظیمی برای پاکستان داشته و می‌تواند برای اسلام آباد به عنوان یک معبر مهم ترانزیتی معجزه ایجاد کند؛ هزاران شغل ایجاد کند، درآمد فراوانی داشته باشد و مهم‌تر از همه با توسعه زیرساخت‌ها، ارتباط منطقه‌ای پاکستان را تقویت کند. یک مطالعه نشان می‌دهد که جمهوری‌های آسیای مرکزی و آذربایجان ۷,۵ تریلیون متر مکعب گاز، قزاقستان ۲۲ میلیارد بشکه نفت و ترکمنستان به تنهایی ۳۷ میلیارد بشکه نفت و ۶۰ تا ۸۰ میلیارد متر مکعب گاز دارند. علاوه بر این، افغانستان در زمره بزرگترین دارندگان ذخایر مس مطرح است. بنابراین، پیوند جمهوری‌های آسیای مرکزی، چین، افغانستان و پاکستان از طریق یک کریدور استراتژیک می‌تواندتأثیرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای را برای پاکستان ایجاد کند. جنبه‌های مختلف ثروت پنهان مرتبط با کریدور واخان که می‌تواند تحول‌اقتصادی، تجاری،اجتماعی و استراتژیک برای پاکستان ایجاد کند.از دیدگاه مقامات پاکستانی، افزایش تجارت از طریق کریدور واخان به بندر گوادر باعث افزایش روابط سه جانبه بین پاکستان،افغانستان و چین خواهد شد. به هر حال توسعه کریدور واخان می‌تواند نمونه‌ای از یکپارچگی گسترده منطقه‌ای و همکاری اقتصادی پاکستان، با کمترین هزینه باشد.





هند و کریدور واخان

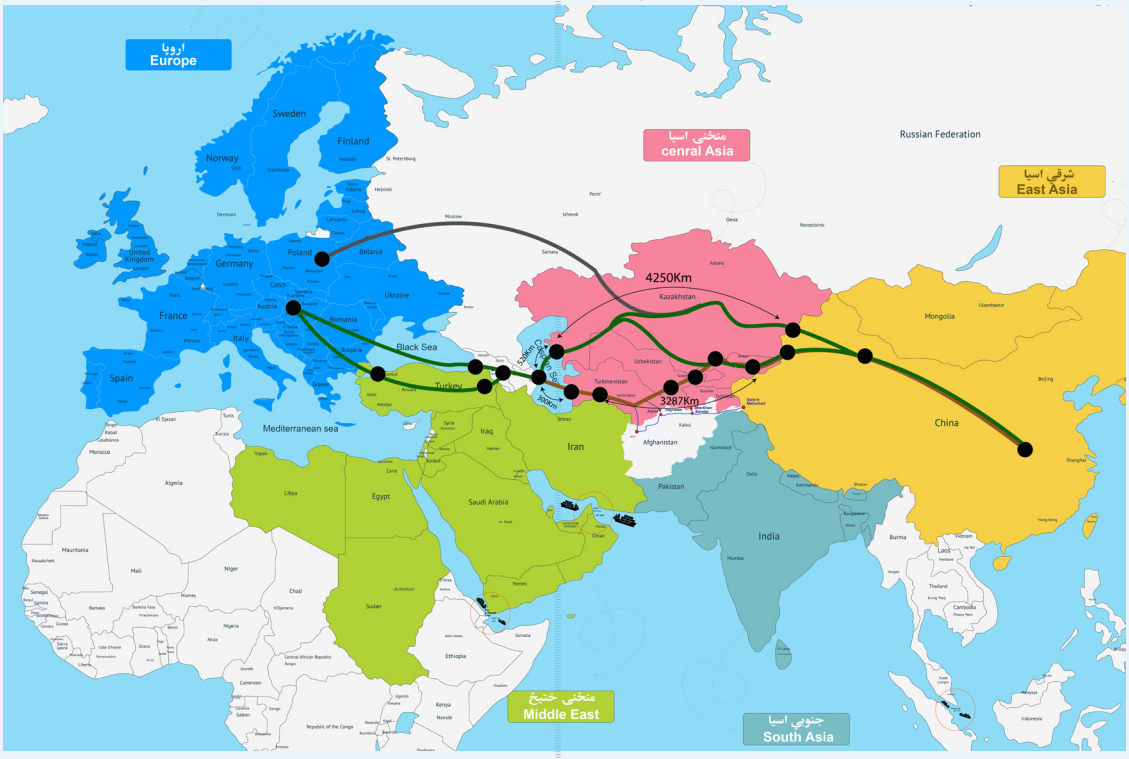
هند نگران توسعه کریدور واخان و پروژه بزرگراه قراقروم است که از بخش پاکستانی کشمیر می‌گذرد. تصور می‌شود که پروژه‌های چین می‌تواند هند را منزوی کرده و نفوذ دهلی نو را در منطقه تضعیف کند، به خصوص اینکه بعد از تحولات سیاسی اخیر، افغانستان با پاکستان نزدیک شود. هر چند مقامات امارت اسلامی در ماه‌های اخیر، همواره بر افزایش مناسبات با همه کشورها از جمله هند تأکید کرده‌اند. اما به هر صورت، افزایش تجارت در بندر گوادر، پاکستان را قادر می‌سازد تا در برابر هند دستاوردهای تجاری و دیپلماتیک کسب کند. افزایش روابط چین و پاکستان باعث می‌شود که هند در سیاست‌های نفوذ منطقه‌ای خود از چین عقب بماند. هند با چین مشکلات تاریخي و مرزي دارد، بخش عظیم جمعیت چین بودایی است و مرکز بوداییان، تبت است، اما مردم تبت به طور طبیعی هند را دوست دارند و نفوذ هند بر بوداييها برای چین یك تهدید بالقوه به حساب مي‌آید. همین تیرگی رابطه چین با هند، سبب گرایش چین به سوي پاکستان است، یعنی پاکستان دوست و متحد قدیمی چین به حساب می‌آید. به این ترتیب هند که فضای ژیوپلیتیکی دشواری در مرز خود با چین دارد، به احتمال زیاد پس از افزایش مشارکت پاکستان، افغانستان و چین، فضای ژیواستراتژیک خود را محدود بیابد.

افغانستان و کریدور واخان

افغانستان یکی از کشورهای مسیر جاده ابریشم وصاحب واخان بوده و آرزویش این است که روزی این جاده یا نظیرآن دراین منطقه دوباره فعال شود. واخان معبر جاده ابریشم قدیم، می تواند در آینده به یک کریدور اقتصادی مهم تبدیل شود. تلاش های وقفه یی در حکومت های گذشته وجود داشته است اما متأسفانه در نبود ثبات افغانستان هیچ وقت جامه عمل نپوشیده است و در حد یک طرح، تفاهم نامه و آرزو باقی مانده است. تنها کار عملی سرک سازی که از جانب افغانستان در واخان انجام شده است، ساخت سرک جغلی ۵۰ کیلومتری شوسه است و خوشبختانه بعد از تحول کار ساخت سرک این مسیر اغاز وتا حد زیاد پیش رفته است.

افغانستان و چین در سال ۲۰۰۹ تفاهم نامه‌ای را برای ساخت جاده‌ای از طریق گذرگاه «وخجیر» از کریدور واخان امضا کردند که آن را به شاهراه قراقروم چین - پاکستان متصل می‌کند. این سرک ارزان‌ترین مسیری است که CPEC را به آسیای مرکزی وصل می‌کند و در عین حال به گوادر دسترسی دارد. علاوه بر این، این جاده از طریق گذرگاه وخجیر قطعا راه را برای مسیرهای خطوط انترنت، لوله های انرژی کوتاه‌تر بین آسیای مرکزی و چین باز می‌کند. بنابراین امنیت منابع انرژی افزایش می‌یابد و در عین حال به نفع اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی به شمول افغانستان است.

کریدور واخان یک گذرگاه کوهستانی در شمال شرق است که افغانستان را به چین وصل می کند. این کریدور از اهمیت اقتصادی بالا برای افغانستان برخوردار است و نقش مهم در توسعه اقتصادی آینده کشور دارد. از جمله مزایای اقتصادی کریدور واخان برای افغانستان می توان به موارد زیر اشاره کرد:



• **افزایش تجارت؛**

• **ایجاد فرصت های شغلی؛و**

• **جذب سرمایه گذاری خارجی.**

براساس گزارش بانک جهانی، توسعه کریدور واخان منجر به افزایش تولید نا خالص داخلی افغانستان به میزان ۱۰ فیصد می شود و به کاهش فقر وبیکاری در این کشور کمک کند.

علاقه روزافزون چین به واخان و ژیوپلیتیک این منطقه

چین کریدور واخان را فرصتی برای به دست آوردن نفوذ منطقه‌ای از طریق مشارکت‌های اقتصادی و واقعیت‌های ژیوپلیتیکی می‌داند. افزایش سطح تعاملات تجاری با کشورهای آسیای مرکزی در چارچوب سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی - توسعه ای، می‌تواند ثبات و امنیت این منطقه را فراهم کرده و در عین حال فضای مانور ژئوپلیتیک بیشتری را برای چین ایجاد کند. اگر چه این کریدور می‌تواند تهدید و نگرانی‌های ژیواستراتژیک هند را افزایش دهد. پکن تلاش دارد فضاهای اقتصادی و سیاسی جدید برای خود در منطقه ایجاد کند و به بازیگری فعال در این منطقه تبدیل شود؛ اما برخی تحولات و گرایش‌های استقلال‌خواهانه در بخش‌هایی از مناطق غربی، به‌ویژه سنکیانگ، در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از موضوعات قابل توجه در محاسبات امنیتی و راهبردی چین مطرح بوده و بر نگرش این کشور نسبت به پروژه‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای تأثیر گذاشته است.

باید گفت که یکی از عوامل مهم در رویکرد محتاطانه چین نسبت به واخان، حساسیت‌های مرتبط با مدیریت مرزها و تحولات منطقه‌ای است. از دیدگاه چین، ثبات و هماهنگی در مناطق همجوار می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد همکاری‌های اقتصادی و اتصال منطقه‌ای داشته باشد. به همین دلیل، واخان در سال‌های اخیر در محاسبات راهبردی و ژئوپولیتیکی چین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده و به‌عنوان یکی از مناطق مورد توجه در سیاست‌های منطقه‌ای این کشور مطرح است. پس از تحولات سیاسی اخیر در افغانستان، نقش و توجه قدرت‌های منطقه‌ای نسبت به این کشور وارد مرحله تازه‌ای شده است. در این میان، چین نیز تلاش کرده است رویکرد خود را متناسب با شرایط جدید منطقه تنظیم نماید. گسترش تعاملات میان چین و مقامات امارت اسلامی نشان می‌دهد که دو طرف در پی توسعه همکاری‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی، ترانزیتی و زیربنایی هستند.

افغانستان با برخورداری از منابع طبیعی قابل توجه مانند مس، طلا و لیتیوم، ظرفیت بالقوه‌ای برای جلب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و انکشافی دارد. همچنان موقعیت جغرافیایی افغانستان می‌تواند زمینه اتصال بهتر بازارهای منطقه‌ای، به‌ویژه میان آسیای مرکزی و جنوب آسیا را فراهم سازد. در چنین شرایطی، همکاری‌های اقتصادی و تجارتی میان افغانستان و چین می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای را برای توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری در زیربناها و گسترش روابط اقتصادی منطقه‌ای ایجاد نماید.

از دیدگاه راهبردی نیز، توسعه همکاری‌های اقتصادی و زیربنایی می‌تواند به تقویت پیوندهای منطقه‌ای و تسهیل دسترسی چین به بازارهای آسیای مرکزی کمک کند. به همین دلیل، انتظار می‌رود در آینده تعاملات دو کشور در حوزه‌هایی مانند معادن، ترانزیت، زیربنا و تجارت منطقه‌ای بیشتر

مورد توجه قرار گیرد و همکاری‌های دوجانبه به‌تدریج گسترش یابد.

چالش ها و فرصت های کریدور واخان

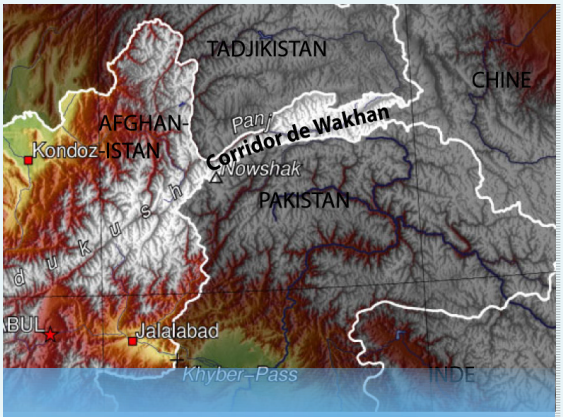
چالش های مختلفی در زمینه احیای کریدور واخان وجود دارد. اولا ناهمواری زمین و سردی هوا در توسعه زیرساخت های جاده ای بسیارشدید است و نیاز به سرمایه گذاری هنگفتی دارد. دوما، چین چندان مایل به باز شدن و ساخت کریدور واخان به دلیل موضوع اویغورها و مسأله ترکستان شرقی نیست. سوم هند طبق روال قبلی خود در مخالفت با کریدور اقتصادی پاکستان و چین ممکن است نگران باشد زیرا باز شدن کریدور واخان، افغانستان را با چین و پاکستان بیشتر وصل و وابسته خواهد کرد. قابل یادآوری است که اصلی ترین چالش فرا راه کریدور واخان این است که چین از واخان نگرانی امنیتی دارد و کمتر از خود علاقه اقتصادی نشان می دهد. این نگرانی ارتباط مستقیم با استقلال طلبی سنکیانگ دارند.

به عقیده کارشناسان با توجه به جغرافیای کوه های پامیر و سردی هوا ایجاد زیرساخت این سیستم مشکل و پرهزینه خواهد بود. با این حال نمونه های زیادی از پروژه هایی وجود دارند که در مناطق مشابه و حتی سخت تر از لحاظ جغرافیایی در منطقه تکمیل شده اند. به عنوان مثال در کوه های ناهموار و خشن قراقروم با استفاده از تکنولوژی های مدرن شاهراه قراقروم ساخته شده است، از این رو پیچیدگی جغرافیایی را نمی توان به عنوان یک مانع برای ایجاد اتصال از طریق زیر ساخت های حمل و نقل در نظر گرفت. اگر این کریدورساخته شود می تواند کم هزینه ترین مسیر تجاری بین چین، افغانستان، تاجیکستان و پاکستان در مقایسه با گزینه های موجود باشد. ارزش استراتژیک کریدور واخان بر اقتصاد چهار کشور همسایه چین، پاکستان، تاجیکستان و افغانستان تأثیر مستقیمی دارد زیرا این کشورها از نظر سیاسی به کریدور واخان متصل هستند، از این رو استفاده از این مسیر تجاری-باستانی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه ضروری به نظر می رسد. از طرفی افغانستان به بازار دومین قدرت اقتصادی جهان و بازار جهانی وصل می شود. از جانب دیگر کشور از وابستگی اقتصادی بیشتر به همسایه های جنوبی و غربی خویش رها می شود.

اگر چه فعلا افغانستان هم به صورت غیر مستقیم از طریق پاکستان و ازبکستان به شاهراه یک کمر بند و یک راه یا جاده ابریشم جدید چین وصل است اما چین و افغانستان به دلیل کوتاه بودن مسیر واخان به بازارهای مختلف منطقه و جهان علاقمند ساخت کریدور واخان است. بنأ واضح است که یک راه جدید، یک فرصت جدید خلق می کند و باید زمینه عملی شدن این فرصت فراهم و مهیا شود.

یافته‌ها و راه حل‌ها

با مطالعه مقالات و تحقیقات انجام‌شده درباره واخان، می‌توان دریافت که کشورهای همجوار این منطقه، به‌شمول افغانستان، علاقه‌مندی قابل توجهی به توسعه و فعال‌سازی کریدور اقتصادی واخان دارند. همچنان بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر یک از کشورهای منطقه، این کریدور را دارای ظرفیت‌های مهم اقتصادی، ترانزیتی و تجارتی می‌دانند و از آن به‌عنوان مسیری مؤثر برای





تقویت اتصال منطقه‌ای یاد می‌کنند.

با وجود این ظرفیت‌ها و علاقه‌مندی‌ها، این پرسش مطرح می‌شود که چرا روند عملی‌شدن این کریدور تاکنون به‌صورت کامل تحقق نیافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مختلف سیاسی، حقوقی و بین‌المللی در سال‌های گذشته بر سرعت پیشرفت این پروژه تأثیر گذاشته‌اند. در شرایط کنونی نیز، موضوع گسترش تعاملات رسمی و به‌رسمیت‌شناسی سیاسی افغانستان از سوی جامعه جهانی، یکی از عوامل مهم در جلب سرمایه‌گذاری‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی پنداشته می‌شود.

بر این اساس، هر اندازه سطح تعاملات سیاسی و اقتصادی افغانستان با کشورهای منطقه و جهان توسعه یابد و زمینه همکاری‌های رسمی و اعتماد متقابل بیشتر فراهم گردد، فرصت برای جذب سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی مانند کریدور واخان نیز تقویت خواهد شد.

همچنان، تمرکز حکومت افغانستان بر ایجاد تسهیلات، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، توسعه زیربناها و فراهم‌سازی محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری می‌تواند نقش مهمی در تسریع عملی‌شدن این کریدور ایفا کند. در چنین صورتی، کشورهای منطقه نیز با توجه به منافع مشترک اقتصادی و ترانزیتی، می‌توانند سهم فعال‌تری در توسعه این مسیر داشته باشند.

در مجموع، واخان ظرفیت آن را دارد که در آینده به یکی از دهلیزهای مهم اقتصادی و ترانزیتی منطقه تبدیل شود و جایگاه تاریخی خود را به‌عنوان پل اتصال آسیای مرکزی، جنوب آسیا و چین بیش از پیش احیا نماید.

نتیجه‌گیری

اولا در این تحقیق به دنبال جواب این سوال هستیم که کریدور واخان در ملاحظات استراتژی اقتصادی چین چگونه ایفای نقش می کنند؟ طبق این سوال فرضیه ای به این صورت شکل می گیرد که با توجه به فضای امنیتی حاکم بر کشمیر پاکستان و ناامنی جنوب تاجیکستان به دلیل تحرکات گروه های استقلال طلبانه، چین گزینه کریدور واخان را علی رغم تحت تاثیر قرار گرفتن از عوامل و عناصر جغرافیایی به خصوص توپوگرافی خشن آن به منظور نزدیکی به خاور نزدیک بزرگ)کانون انرژی جهان(و اروپا همچنین آب های آزاد در برنامه ریزی بلندمدت خود در نظر قرار می دهد که نسبت به سایر کشورهای پیرامونی از نظر کنترول و نظارت بهتر و متوازن برای برقراری و اجرای استراتژی اقتصادی-تجاری چین در قالب یک کمربند- یک راه مهم ارزیابی می شود.

دوماً با مطالعات و تحلیل های انجام شده در مورد کریدور اقتصادی واخان به این نتیجه می رسیم که خوشبختانه کریدور واخان مخالفان زیادی ندارد و یا دسترسی شان به واخان محدود و غیر مستقیم است تا چالش‌زا شود. کشورهای همجوار واخان نظیر چین، تاجکستان، پاکستان و افغانستان همگی خواهان ساخت کریدور اقتصادی واخان است و در واخان منافع دارد. تنها هند به دلیل اینکه کریدور واخان منافع‌اش را تهدید می کند و گویا افغانستان و پاکستان در کام چین می رود، علاقمندی چندانی به این پروژه ندارد. اما چالش در هند نیست بلکه چالش اصلی در این سوال است که آیا افغانستان می تواند به ثباتی دست پیدا کند که قناعت و اعتماد کشورهای ذینفع واخان را به دست بیاورد که واقعا برای واخان بودجه اختصاص دهد و عملا دست به کار شود؟ نگرانی چین در این زمینه قابل توجه است. به این دلیل است که دیدگاه چین به واخان امنیتی بوده و دید اقتصادی بلند مدت دارد. آینده واخان بستگی به آینده افغانستان دارد. طبعا افغانستان با ثبات جایی است که در آن کریدور های نظیر واخان شکل خواهد گرفت. از یاد نبریم که افغانستان صاحب واخان است پس این خواست و تصمیم ما است که آنرا به منطقه صلح آمیز اقتصادی تبدیل می کنیم و یا به یک منطقه متخاصم نظامی.

آمریت ارایه طرح و تحقیق‌های اقتصادی و اجتماعی، ریاست تحلیل و انکشاف پالیسی‌ها
خزان ۱۴۰۲

منابع و ماخذ:

۱ - (Afghanistan a cultural and political history by Thomas Barfield)
۲ - (Energy information administration reports)
۳ - (Central Asia Energy Profile)

د کارکوونکو د معاش د اجراء پروسه د حاضرۍ د ترتیبولو څخه تر بانکه پورې

مالیې وزارت د هېواد پر مالي سرچینو د مدیریت او خارنې د مسئولې ادارې په توګه، تل هڅه کړې ده، چې مالي او اداري پروسو ته وده ورکړي او په ټولو اړوندو فعالیتونو کې شفافیت تضمین کړي. د دې وزارت یو له اساسي دندو څخه د امارتي کارکوونکو د معاشونو د ورکړې مدیریت دی، چې د هغوی په هوساینه کې مهم رول لوبوي. د مالیې وزارت په دې برخه کې د کارکوونکو د معاشونو د اجراء لپاره یوه جامع او دقیقه پروسه طرحه کړې ده، چې د لومړنیو معلوماتو له ثبت څخه نیولې د کارکوونکو بانکي حساب ته تر اضافه کېدو پورې غځېږي. دا پروسه، چې لاندې تشرېح شوې ده، په داسي ډول طرحه شوې ده، چې ټولې مرحلې په دقت سره کنټرول او خارل کېږي؛ ترڅو د هر ډول غلطیو او ستونزو مخه ونیول شي. کله چې یو کارکوونکی په یوه اداره کې وګومارل شي، د هغه د معاش او امتیازاتو اړوند ټول معلومات او جزئیات ثبتېږي. په دې معلوماتو کې نوم، د بانکي حساب شمېره او د ګومارنې شرایط شامل وي. د کارکوونکي د معاش د ورکړې له پاره، لومړی د نوموړي اړوند معلومات او معاش جمع کېږي. په دې معلوماتو کې د کارکوونکي د حاضرۍ حالت (حاضر، غیر حاضر، رخصت، ناروغ یا ضروري) شامل دي، چې په سیستم کې له ثبتېدلو وروسته، لومړی خېړل کېږي او له تائیدۍ سره سم یې راپور د معاشونو شعبې یا څانګې ته لېږل کېږي.

کله چې د حاضرۍ حالت تائید او راپور یې ورکړل شي؛ نور بیا د بدلون وړ نه وي، مګر دا چې د کوم کارکوونکي د حاضرۍ حالت پاتې وي او نوي کولو ته اړتیا ولري او یا دا، چې یو کارکوونکی وغواړي خپله حاضري وځنډوي یا یې بیخي حذف کړي، یا هم دا چې یو کارکوونکی هېڅ حاضري ونلري او موږ غواړو هغه اضافه کړو، په دې حالت کې موږ باید حاضري بیاځلې رامنځته کړو.

د کارکوونکي امتیازات (امتیازات، باقیات، کسرات، د حاضرۍ حالت) باید د (م -٤١ فورم یا د معاشونو استحقاق) له ترتیبولو مخکې په بشپړ ډول بررسي او ثبت شي؛ ترڅو د کارکوونکي کوم امتیاز پاتې نه شي. کله، چې ډاډ ترلاسه شو، چې د کارکوونکي ټول امتیازات او باقیات ثبت شوي دي او هېڅ ډول ستونزه نه لري، د معاشونو مدیریت د معاش استحقاق چمتو او تأییدوي. که چېرې د یوه کارکوونکي امتیاز پاتې وي، یا د هر یو بل کارکوونکي امتیاز ولېږل شي، د معاش استحقاق باید بیا څلې ترتیب شي.

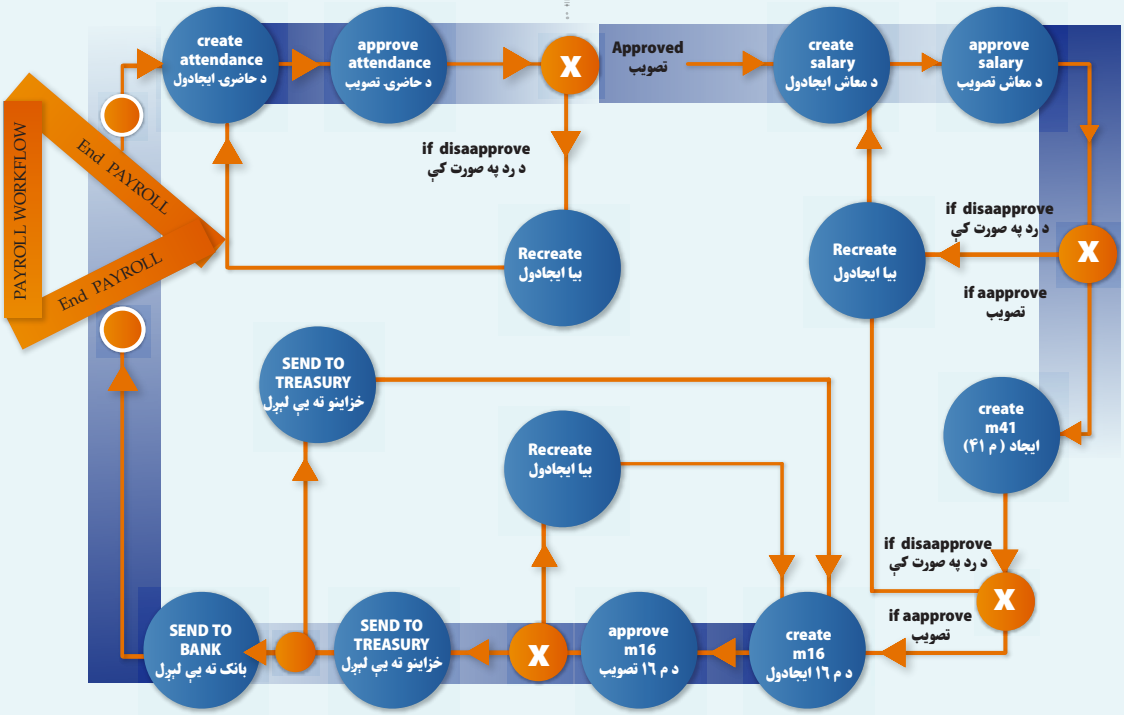
د (م-٤١) فورم له ترتیبولو وروسته، په مستقیم ډول د (م-١٦ فورم یا د تادیاتو یا د معاشونو د استحقاق توحید شوی جدول) ترتیب او د کنټرول مدیریت ته راجع کېږي. د کنټرول مدیریت د معاشونو له محاسبې او هر کارکوونکي له پاره د دقیق مقدار له ډاډ ترلاسه کولو وروسته هغه تأیید او بیاځلې یې د معاشونو شعبې ته لېږي. د کومې ستونزې

په صورت کې لکه د تصنیف کوډ، د فعالیت کوډ، د تشکیل کوډ او د کسراتو ویندر، د (م – ١٦) فورم باید حذف او بیاځلې رامنځته شي.

کله چې (م-١٦) کومه ستونزه ونلري، اداري کارکوونکی یې خزاینو ته استوي، چې له دې مرحلې وروسته اداري کارکوونکي (م -١٦) فورم ته لاسرسی نه لري؛ تر هغو چې د خزاینو کارکوونکي یې ور واستوي.

که چیرته په (م-١٦) کې کومه ستونزه وي، چې د اداري کارکوونکي لخوا اصلاح ته اړتیا ولري، د خزاینو لوی ریاست هغه مستردوي؛ ترڅو اداري کارکوونکی وکولی شي (م-١٦) اصلاح کړي. که چیرې هغه (م -١٦) چې د اداري له لوري لېږل شوی، کومه ستونزه ونه لري، د خزاینو د کارکوونکو له لوري له تأییدی وروسته بانک ته د تادیې له پاره یوه حواله، چې د هر کارکوونکي د معاش ورکړې جزیات پکې شامل وي ترتیب او بانک ته یې استوي. بانک باید حواله تائید کړي، که چېرې یې تأیید نه کړي؛ پروسه بیاځلې د حوالې د ترتیب او بانک ته د لېږلو مرحلې ته ور ګرځي، چې ښایي اصلاحاتو ته پکې اړتیا وي.

د بانک له تائیدی وروسته، ټاکلې پیسې د کارکوونکي حساب ته ور اضافه کېږي، چې دغه مرحله د معاش ورکړې د پروسې د پای ته رسېدو په مانا ده، د معاش ورکړې له ترسره کېدو وروسته یو مالي راپور چمتو او ټول اسناد او رسیدونه آرشیف کېږي.





مصاحبه اختصاصی با

پوهنیار محمد سالم اوریاخیل

رئیس سیستم های ریاست عمومی گمرکات در برنامه حکومتداری الکترونیکی

در این مصاحبه با رئیس سیستم های ریاست عمومی گمرکات، وزارت مالیه محترم پوهنیار محمد سالم اوریاخیل، معلومات همه جانبه در مورد سیستم اسیکودا ارائه می گردد.

محترم پوهنیار محمد سالم اوریاخیل، رئیس سیستم های ریاست عمومی گمرکات قبل از همه شما را به برنامه حکومتداری الکترونیکی خوش آمدید می گوییم و از شما بخاطر حضور تان و اختصاص وقت گرانبهای تان سپاس و قدردانی می کنیم.

سوال اول: سیستم اسیکودا چه نوع سیستم است و چه کاربردی در گمرکات دارد؟

جواب : الحمد لله والصلاة و السلام علی رسول الله (ص)، اما بعد از شما هم بخاطر که آمدید تا فعالیت ها و دستآورد های ما را با مردم شریک بسازدید، اظهار امتنان می نمایم. در جواب شما باید بگویم که گمرک به عنوان دروازه تجاری نقش بسزایی در تجارت خارجی و به‌تبع آن، اقتصاد کشورها دارد. بنابر این با گسترش روزافزون تجارت، ایجاد زمینه‌های مناسب جهت گسترش تجارت جهانی، امری اجتناب‌ناپذیر است و این خود نیازمند وجود گمرکاتی مناسب با این حجم عظیم مبادلات کالا می‌باشد. اهمیت نقش گمرک تا حدی است که میزان سرعت و کارآیی آن به عنوان معیاری برای ارزیابی فعالیت‌های تجارت خارجی هر کشور و یا حتی اقتصاد کلان آن کشور در نظر گرفته می‌شود به همین دلیل عصری سازی گمرکات با استفاده از سیستم های دیجیتلی جزء حیاتی هر گونه برنامه تسهیل تجارت می‌باشد. گمرک الکترونیکی در حقیقت از طریق کوتاه‌تر کردن مدت زمان لازم برای صادرات و واردات و کم کردن تعداد اسناد و هزینه‌های صادرات و واردات، سبب بهبود وضعیت تسهیل تجاری خواهد شد. به همین خاطر سازمان تجارت و انکشاف ملل متحد (UNC-TAD) برای کشور های جهان بالخصوص کشور های در حال توسعه استفاده از سیستم خودکار مدیریت اطلاعات گمرکی (Automated System for Customs Data) ASYCUDA را پیشنهاد نمود که کشور عزیز ما افغانستان نیز از این سیستم استفاده می کند. اسیکودا یک سیستم الکترونیکی مدیریت گمرکات است که برای ثبت، کنترل، تحلیل، و مدیریت تمام پروسه‌های گمرکی استفاده می‌شود. این سیستم فعالیت‌های دستی را دیجیتال ساخته و سرعت و دقت را بالا می‌برد .پوشش دادن به تمام مراحل خروج اموال اعم از واردات و صادرات، اظهار اموال قبل از ورود، اجرای کنترل مختلف، ثبت و ارزیابی اظهارنامه، محاسبات و مقایسه اطلاعات اظهار شده با جداول کنترلی تعرفه و اسعار کشورها از جمله مشخصات این سیستم است.

سوال دوم: این سیستم در کدام سال معرفی شد و هدف آن چه بود؟

جواب: سیستم اسیکودا از طرف کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد، در سال (1981)م به جامعه جهانی و صنایع حمل و نقل معرفی شد تا پروسه های گمرکی و تجارت بین المللی

بهبود بیابد. این سیستم به عنوان یک ابزار پیشرفته برای اتوماسیون و مدیریت الکترونیکی عملیات گمرکی طراحی شده است. در طول سال ها، اسیکودا به کشورهای مختلف جهان کمک کرده است تا کارایی و شفافیت در مدیریت گمرک را افزایش دهند و از پیچیدگی ها و هزینه های مرتبط با پروسه های گمرکی بکاهند.

اقتصادی تولید می‌کند. سیستم اسیکودا قابلیت عیارشدن با قانون، تعرفه، کد و مشخصات فرعی گمرک هر کشور را دارد.

سوال چهارم: چگونه سیستم اسیکودا به افزایش کارایی در فعالیت‌های گمرکی کمک میکند؟

جواب: اسیکودا با خود کار (دیجیتل سازی) اسناد، کاهش



سوال سوم: سیستم اسیکودا در چند بخش فعالیت می کند؟

جواب: این سیستم الکترونیکی در بخش های مختلف گمرکی شامل واردات، صادرات، ترانزیت، تعرفه حمایوی، معافیت های گمرکی، گزارشدهی و مدیریت اسناد فعالیت می کند. آسیکودا اظهارنامه، محاسبه محصول، ترانزیت و تعلیق اموال گمرکی را نیز در بر می‌گیرد و در ضمن اطلاعات تجارتی را برای تحلیل مسائل

تعاملات فزیکی، دقت و سرعت بخشیدن به پروسه‌ها، کاهش پروسه ها و صرفه‌جویی در زمان به کارایی فعالیت گمرکی کمک میکند. همچنان با گزارش دهی و تجزیه و تحلیل دقیق، به مسئولین کمک می کند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. در کل ساده و کارآمد بودن، امکان دسترسی آسان به اطلاعات، قابل دسترس در

هر زمان و مکان، پشتیبانی از زبان های مختلف و ارسال هشدار ها و اطلاع رسانی های فوری به کاربران برای آگاهی از تغییرات و نیاز های جدید و کاهش زمان انجام کار ها از ویژگی های این سیستم بوده که مؤثریت و کارایی فعالیت در گمرک را میسر می سازند.

سوال پنجم: کدام پروسه‌های گمرکی از طریق سیستم اسیکودا قابل پروسس است؟

جواب: ثبت و پروسس اظهار نامه های گمرکی برای ورود و خروج کالا (واردات و صادرات)، ترخیص اموال شامل بررسی و تأیید مدارک، تصفیه حساب، پیگیری و مدیریت حمل نقل اموال در مراحل مختلف از جمله ترانزیت، ثبت اطلاعات مربوط به بازرسی های گمرکی و نتایج آن، پروسس جواز های مربوط به واردات و صادرات شامل مجوز های صحی و استندرد، اسناد معافیت، بررسی کالا، تصفیه حساب، پرداخت‌های مالی، و گزارش‌گیری عوایدي و احصایوي از طریق سیستم اسیکودا پروسس می شود.

سوال ششم: آیا سیستم اسیکودا در روند افزایش عواید ملی نقش دارد؟

جواب : بلی سیستم اسیکودا با بهبود پروسه های گمرکی و تسهیل تجارت، تأثیرات مثبتی بر عواید ملی و اقتصاد کشور دارد. افزایش کارایی و تسریع روند، بهبود جمع آوری مالیات و محصول گمرکی، افزایش شفافیت و نظارت دقیق بر پروسه های گمرکی که منجر به کاهش فساد میشود، جلوگیری از فرار دین گمرکی، به شکل مستقیم در افزایش عواید ملی کمک می کند.

سوال هفتم: این سیستم در تأمین شفافیت و جلوگیری از فساد تا چه حد مؤثر است؟

جوال: این سیستم به خاطر ویژگی های خاص خود به بهبود پروسه های کمرکی از جمله اوتومات سازی پروسه ها یعنی کاهش دخالت نیروی انسانی در مراحل مختلف، ثبت و مستند سازی (امکان ثبت دقیق و مستقیم اطلاعات) که قابل ردیابی است، نظارت و کنترل، گزارش دهی شفاف و دقیق، تسهیل ارتباطات، بیشترین موثریت را در تامین شفافیت و جلوگیرِی از فساد دارد ، زیرا تمام معلومات در سیستم ثبت میگردد و قابل ردیابی است و قوانین و مقررات واضح نقش حیاتی در تأمین شفافیت و جلوگیری از فساد در فعالیت های گمرکی دارد.

سوال هشتم: مزایای استفاده از اسیکودا برای کسب و کارها چیست؟

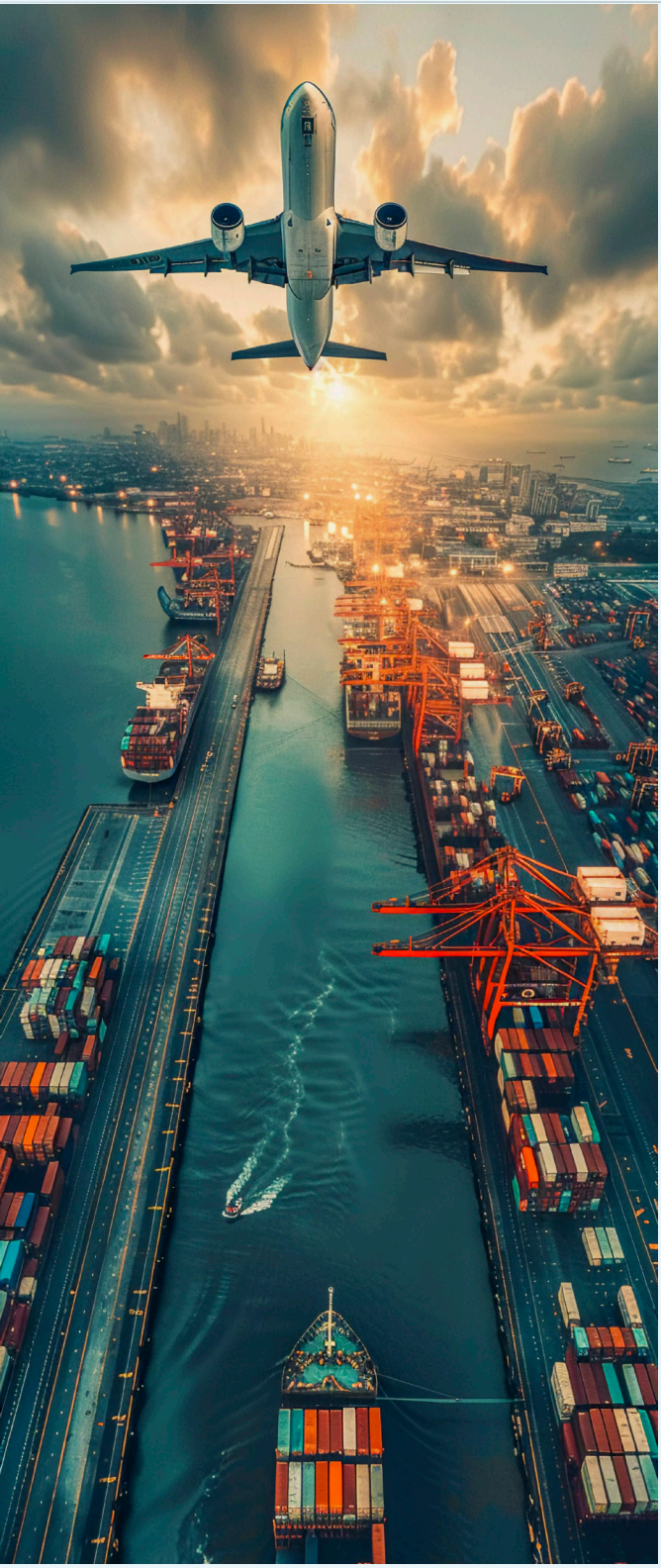
جواب: صدور جواز گمرکی با استفاده از تکنالوژی جدید، سرعت بخشیدن و کاهش زمان در پروسه تشریفات ترخیص اموال، دسترسی آسان به خدمات گمرکی و حذف نسخه های اضافی اظهارنامه، انجام محاسبات دقیق و سریع عواید گمرکی کشور، سادگی در پیگیری اسناد، احصایه گیرِی دقیق و کاهش هزینه‌های اضافی، ایجاد هماهنگی بین نهاد های مختلف، پشتیبانی از قوانین گمرکی، بهبود مدیریت اطلاعات و افزایش امنیت اطلاعات را می توان از مزایای استفاده از اسیکودا برای کسب و کار ها حساب کرد.

سوال نهم: آیا اسیکودا با دیگر سیستم‌ها در دوایر امارتی مانند افمس، سگتاس ... وصل است؟

جواب: بلی، سیستم اسیکودا توانایِی وصل شدن را با سیستم های امارتی مانند سیستم تادیات افغانستان(ATS) (APS) همچنان به سیستم های دیگر به اساس ضرورت و تفاهم، توان وصل نمودن آن موجود میباشد.

سوال دهم: تا چه اندازه این سیستم به رعایت توافقات تجارت بین‌المللی کمک می‌کند؟

جواب : اسیکودا برای هموار کردن تجارت شکل گرفت و تا به امروز بیش از (80) کشور دنیا از این سیستم قدرتمند استفاده می کنند و روز به روز تعداد کشورهای فعال در این سیستم اضافه می شود اسیکودا ابزار مهمی برای تسهیل تجارت بین المللی و رعایت توافقات



تجاری محسوب می شود این سیستم به کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته کمک می‌کند تا پروسه های گمرکی را بهبود بخشند و تبادل اطلاعات را تسهیل کنند. سیستم اسیکودا با کاهش زمان انتظار در مرزها و کنترل های مرزی، اداره اطلاعات دقیق به صورت الکترونیکی که باعث کاهش خطا ها و افزایش شفافیت در پروسه گمرکی می شود، رعایت مقررات بین المللی مثل کنوانسیون های تجارتی و استندرد های سازمان تجارت جهانی (WTO)، تبادل اطلاعات میان کشور ها به تسهیل تجارت و همکاری های بین المللی کمک می کند.

سوال یازدهم: سیستم اسیکودا برای تجار چه سهولت‌هایی را فراهم می‌کند؟

جواب : اسیکودا برای تجار مزایای متعدد به همراه دارد که فرایند تجارت آن ها را تسهیل می کند. پروسس سریع اسناد، تکمیل اسناد بصورت آنلاین، عرضه خدمات 24/7 و کاهش هزینه ها به این معنی که با کاهش زمان انتظار و بهبود پروسه ها، هزینه های مربوط به حمل و نقل و انبارداری کاهش می یابد، ارائه اطلاعات دقیق از مراحل گمرکی و هزینه ها که شفافیت را تأمین و از فساد جلوگیری میکند، کاهش فساد، و خدمات سریعتر برای ترخیص کالا، پیگیری روند از خانه یا دفتر که تجار به راحتی از وضعیت و محل اموال آگاهی می یابند، مزایا و سهولت های اند که تجار بتوانند به طور مؤثر تر و کارآمد تر در بازار های بین المللی فعالیت کنند.

سوال دوازدهم: سیستم اسیکودا در بخش ترانزیت محموله‌های تجاری چه رول دارد؟

جواب: سیستم اسیکودا پروسه ترانزیت را از نقطه گمرک مبداء سرحدی ورودی الی گمرک خروج مقصد مدیریت میکند، امکان ثبت و مدیریت دقیق اطلاعات مربوط به محموله ها و

مراحل ترانزیت را فراهم می آورد که شفافیت و دقت در پروسس کمک می کند، و از انتقال غیرقانونی جلوگیری مینماید.

سوال سیزدهم: اسیکودا از چند زبان پشتیبانی میکند؟

جواب: این سیستم از چندین زبان بین المللی پشتیبانی میکند، از ان جمله انگلیسی، دری و پشتو در افغانستان استفاده میکند.

سوال چهاردهم: چالش‌های رایج در پیاده‌سازی اسیکودا چیست؟

جواب: چالش های رایج فرا راهی پیاده سازی اسیکودا می تواند نبود زیرساخت های مناسب تکنالوژی ارتباطی و معلوماتی، آموزش و مهارت کارمندان، تأمین امنیت اطلاعات، عدم هماهنگی و همکاری میان نهاد های مختلف امارتی و خصوصی ، محدودیت های مالی و عدم وجود قوانین و مقررات حمایتی و شفاف برای تجارت و گمرک، باشد.

سوال پانزدهم: مهمترین ویژگی‌های فنی اسیکودا چیست؟

جواب : مهمترین ویژی های فنی اسیکودا موارد زیر می باشند:

- مبتنی بر سرور (Server-based-application)
- چند زبانه
- مادیولها (قابل توسعه در بخش‌های مختلف)
- امنیت بلند و گزارش‌گیری دقیق
- مطابق با اصول گمرکی بین‌المللی و تطبیق با معیارهای (WCO)
- قابل اتصال به سیستم IRU در بخش (TIREPD)

سوال شانزدهم: ریاست سیستم‌های گمرکات در بخش سیستم‌سازی کدام فعالیت‌ها را انجام داده است؟

جواب : پیاده‌سازی سیستم در تمام گمرکات، وصل‌سازی دوربین‌های امنیتی، توسعه مادیول های جدید (مانند تعرفه ترجیحی، محصولی، ترانزیتی، تعرفه و قیمت گذاري، معافیت، ترازو، و راپورها) آموزش کارمندان، و هماهنگی با سیستم‌های دیگر.

سوال هفدهم: پلان‌های آینده ریاست سیستم‌های گمرکات برای تطبیق اصل حکومتداری الکترونیکی چیست؟

جواب:

- گسترش اسیکودا به تمام گمرکات سرحدی و محصولی
- یک پارچه‌سازی با سیستم‌های امارتی دیگر
- توسعه خدمات آنلاین برای کارمندان مربوط سیستم و تجار
- ارتقای امنیت معلومات
- تقویت ظرفیت‌های تخنیکی و بشری

علمي مقالي



حکم شرعی مالیات



ریاست دعوت و ارشاد
وزارت مالیه

الله تعالی در هر عصر و زمانی مؤلفین مجدد را جهت تدوین مسایل شرعی برگزیده اند، که کتابها را در مورد مالیات عصر خود شان نوشتند، از جمله کسانی که در مورد مالیات اولین کتاب را تحریر نموده امام ابو یوسف رحمه الله بنام (کتاب الاستخراج للا حکام الخراج). ابوجعفر بلخی می گوید: (آن مالیاتی را که پادشاه بر رعیت به خاطر مصلحت شان وضع میکند، همچون خراج بر مردم، دین واجب وحق مستحق میگردد. مشایخ ما گفتند: هر آنچه را که امام به خاطر مصلحت بر مردم وضع میکند جواب همین است، که آن دین واجب بر مردم میباشد. حتی اُجرت پاسبانان راه از دزدان و اُجرت نصب دروازه های کوچه ها. بنابراین آنچه در خوارزم از عموم مردم به خاطر اصلاح بند جیحون یا ربض و مانند آن از مصالح عمومی گرفته میشود ظلم نیست بلکه دین واجبی است، که امتناع از آن جواز ندارد. ولی این جواب به خاطر عمل به آن نگاه داشتن زبان از طعن سلطان و عمال آن دانسته شود اما برای اشاعه و نشر نیست تا اینکه حکام بر افزودن بر قدر مستحق جسارت نورزند). علامه ابن عابدین، پس از نقل سخن مذکور از ابو جعفر بلخی و تائید ضمنی آن علاوه میکند: (من گویم واجب است که حکم به جواز وضع مالیات برای مصالح عمومی مقید به حالتی شود که در بیت المال چیزی یافت نگردد، که برای رفع نیازها کفایت کند). علامه مفتی محمدتقی عثمانی در مورد وضع مالیات مینویسد: شریعت اسلامی وضع مالیات را بر رعیت در عموم احوال ظلم وستم می پندارد و متعلق به آن هشدارهای سختی وارد گردیده است و این به خاطر اکتفا به آنچه است، که در شریعت اسلامی برای بیت المال موارد خاصی مانند زکات، صدقات، خراج، جزیه و امثال آن مقرر گردیده است، که از این طریق اموال فراهم میگردد. ولی اگر مسلمانان د چار حوادث گردیدند و بر حکومت اسلامی حالت اضطراری پیش آمد و اموال دولت به نیازهای مسلمانان و مصالح اجتماعی شان کفایت نمی کرد، در چنین حالت استثنایی خاص برای ضرورت ملموس است. حکومت اسلامی و فقها با احتیاط بسیار زیاد فقط در حد ضروریات و حوایج دولت، فتوی بر وضع مالیات بر رعیت دادند، با رعایت کمال، رفق و نرمی به شهروندان و دوری کامل از زیاد گرفتن و در تنگنا واقع کردن و بالاتر از توان شان تکلیف دادن. این در اصطلاح فقها به (ضریبه نائبه) مسمی گردیده است و در اول و آخر برای آن شرط شده است، که آن برای ضرورت باشد و در حد ضرورت مقدر شود و پس از آن ملت به پرداختش مکلف گردند، که

حکام از زندگی مرفه وخشوگذارانی دوری جویند و با شرط آنکه با اراده نیک و نیت سالم به آن اقدام کرده باشند). خلاصه اقوال فقها احناف، که برای تان در فوق ذکر گردید جواز گرفتن مالیات شاروالی و یا ارگان های دیگر مقید به شرایط زیر مشروعیت دارد.

ا ـ اول اینکه بیت المال خالی باشد و مورد شرعی دیگری وجود نداشته باشد که از راه حاجت و ضرورت مالی رفع شود (لم یکن فی بیت المال شیء.)

۲ـ دوم اینکه ضرورت یا حاجت واقعی برای دولت پیش آید که آنرا به مال محتاج ساخته است.

۳ـ مالیات با طرز عادلانه و منصفانه وضع گردد؛ نه گمر شکن و میان دو نفری که کار و شغل همسان دارند اما تفاوت مالیات داشته باشند.

۴ـ مالیات بر اصل دارایی های مردم وضع نگردد، بلکه بر عایدات حاصلات و فواید آنها وضع گردد.

۵ـ وضع مالیات فقط بر کسانی صورت گیرد، که عایدات شان در حدی باشد که توان پرداخت مالیات را داشته باشند.

٦ـ مالیات جمع شده فقط در همان مصالح عمومی که حاجت و نیاز به آن تعلق میگیرد صرف شود نه در موارد دیگری، و اعتماد کامل حاصل شود که حکومت در آن دست اسراف و تبذیر دراز نمی کنند.

۷ـ مالیات دایمی نباشد؛ هرگاه در بیت المال راه قانونی و شرعی مالی فراهم شد مالیات برداشته شود.

۸ ـ امام و امیری که مالیات را وضع مینماید واجب الاطاعة باشد.

۹ـ در وضع مالیات برای تشخیص مصلحت؛ موافقت اهل شوری و صاحبان رای و کارشناسان امور اقتصادی حاصل شده باشد. اطمینان صحیح حاصل شود، که اخذ مالیات سبب گسترش فقر و کاهش رشد اقتصاد جامعه نمی گردد، و پیامدها و دست اوردهای آن خالی از ضرر میباشد و عموم مردم را در سختی و تنگنا نمی اندازد، یا حد اقل مصالح آن نسبت به ضرر و اسیب که به جامعه میزند بسیار چشم گیر وگسترده و بزرگتر باشد. در فراهم شدن شرایط فوق وضع مالیات وگرداوری جایز میباشد و این در اصطلاح فقها (ضرائب نائبه) گفته میشود که مشعر به موقتی بودن آن مبنی به حالات اضطراری می باشد، که به رفع آن حالات این مالیات نیز برداشته میشود، حاصل آنچه گذشت این میشود زمانی که نیازها در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که متعلق به مصالح عمومی است و در بیت المال برای رفع آن نیازهای مالی نباشد برای حکومت اسلامی جایز است، که به همان پیمانه که نیازها رفع میشود و به اشخاص توانمند مالیات مقطعی را وضع کند و بر آنان به خاطر وجوب اطاعت از ولی واجب میشود که آن مالیات را بپردازند و پس از رفع نیازها به گرفتن آن ادامه داده نشود.

فتاوی علمای مالکیه و شافعیه و ظاهریه؛ در رابطه به جواز مالیات امام قرطبی مالکی در تفسیر (ش ج. ۲.ص ۲۴۲ تحت ایه ۱۷۷ سورة بقره) اتفاق علماء بر مشروعیت وضع مالیات را چنین نقل کرده و فرموده است (واتفق العلماء علی انه اذا نزلت بالمسلمین حاجة بعد اداء الزکاة فانه یجب صرف المال الیها ، قال مالك رحمه الله: یجب علی الناس فداء اسراهم وان استغرق ذلك اموالهم ، وهذا اجماع ایضا وهو یقوی مااخترناه والموفق الاله ، امام غزالی رحمه الله میفرماید: (اگر دست های لشکریان از اموال خالی گردید و از مال متعلق به مصالح چیزی نبود، که به معاشات عساکر وفایی نماید اگر لشکریان پراکنده میشدند و به کسب اشتغال میورزیدند ترس آن میرفت که کفار وارد شهرهای مسلمانان می شوند یا از اهل فساد خطر آن میرفت که فتنه ها را برپا سازند در چنین حالتی برای امام مشروع میباشد که بر ثروتمندان در حد کفایت نیاز لشکریان مالیات وضع کند).

اساس و مبنای مشروعیت وضع مالیات

اساس مشروعیت منابع شرعی بیت المال مانند زکات وجزیه وخمس وغیره دلایل شرعی از قرآن و سنت و عمل صحابه میباشد. چون شارع حکیم که خالق انسان و مالك حقیقی ثروت ودارایی وی میباشد و مال را به عنوان عاریتی برای نفع گرفتن از آن در چند صباحی در دسترس وی قرار داده است. حق دارد که هر دستوری را در صرف آن بدهد، و آنچه بندگان برای دیگران از اموال شان خرچ میکنند در واقع از مال خدا به دستور خدا صرف مینمایند. لذا علت مشروعیت گرفتن زکات و امثال آن از صاحبان اموال ودادن آن به مستحقین همان فرمان خداوند میباشد و دیگر نیاز به پرسش نیست، که چرا این اموال از صاحبانش گرفته شود مسلم است، که تمام احکام خالق حکیم از حکمت های مهمی خالی نیست ولی مبنای مشروعیت احکام شرعی حکمت های انها نبوده بلکه همان دلایل شرعی میباشد ولی سخن در مورد مالیاتی است، که دولت ها علاوه بر موارد شرعی از مردم میگیرند که اگر گرفتن آن در مواقع خاصی مشروع

میگردد بر چه مبنایی است که بر آنان تحمیل میگردد. لذا گرفتن اموال شان در بعضی مواقع نیاز به این دارد که مبنای برای مشروعیت آن وجود گیرد که ذیلاً به آن اشاره میگردد. برای مبنای مشروعیت فرض مالیات دو نظر ذکر شده است: نظریه اول این است، که اساس مشروعیت فرض مالیات قرارداد اجتماعی است به این نحو که افراد جامعه راضی میگردند و حصه های از اموال شان را برای حکومت بپردازند تا اینکه حکومت در مقابل آن باقي مانده اموال شان را در زیر چتر حمایت و حفاظت خود قرار دهد وشهروندان در سایه این حمایت از مال و حقوق شان بهرمند شوند، پس وضع مالیات معاوضه میان افراد و حکومت میباشد که مبنای آن را رضایت جانبین تشکیل میدهد. نظریه دوم این است، که مشروعیت فرض مالیات بر این اساس استوار میباشد که حکومت به مقتضای وظایف خود، ولایتِ عامه را دارا می‌باشد که برایش این صلاحیت را میبخشد تا افراد را ملزم به پرداخت حصه های از اموال شان نماید تا در بدل آن به تامین امنیت و اصلاح راه های مواصلاتی و ابیاری زمین های زراعتی و به هر آنچه را که منافع و مصالح زندگی تقاضا دارد اقدار ورزد. اینکه افراد ملزم به پرداخت مالیات میباشند، اختلاف میان صاحبان این دو رای وجود ندارد بلکه خلاف در منشا این الزام میباشد، که در نزد صاحبان رای اول آن همان التزام افراد و رضایت به پرداخت آن در مقابل اقدام حکومت به مصالح شان و حفظ اموال شان میباشد، و بر اساس رای دوم منشا الزام آن سلطه و صلاحیتی حکومت است از لحاظ آنکه وی مسئول تامین امنیت افراد و تدبیر مصالح شان میباشد. از نظر فقه اسلامی هر دو نظریه میتواند باهم معتبر باشد، چون تصرف امام بر رعیت بر اساس همان سلطه های که دارد منوط به مصلحت میباشد، (تصرف الامام علی الرعیة منوط علی المصلحة) لذا زمانی که امام بر اساس مصالح جامعه چیزی را بر اموال شان به عنوان مالیه وضع میکند طبعاً افراد نیز با ملاحظه‌ی همان مصالح قناعت و رضایت شان برای پرداخت آن حاصل میشود بدین ترتیب در واقع یک قرارداد گروهی نا نوشته های میان حکومت و افراد جامعه به وجود میاید. به تعبیر دیگر می توان مبنای حکم فقه های اسلامی به مشروعیت وضع مالیات بر اموال مردم را به این دو نکته برجسته ساخت. اول: وجود حاجت و ضرورتی در جامعه اسلامی که به مال رفع آن ممکن باشد و در بیت المال چنین مالی موجود نباشد پس بر مسلمانان لازم و واجب می گردد، که حصه ای از مال خود را به جز از زکات برای رفع آن نیاز اختصاص دهند. بر این چیز قرآن و سنت و عمل صحابه رضی الله عنهم دلالت دارد. خداوند متعال فرموده است (وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ امَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَاقَامَ الصَّلَاةَ وَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ اذَا عَاهَدُوا) البقرة. ۱۷۷. در این آیه یکی از اوصاف اهل خیر و این را ذکر می نماید که با دوست داشتن مال آن را برای مستحقین صرف می سازند و پس از آن زکات رامقارن با نماز ذکر می کند. از این چنین نمودار می گردد که آن ایتاء مال غیر از زکات است و اگر مراد از آن نیز زکات باشد تکرار لازم می آید. امام قرطبی رحمه الله می فرماید: (کسانی که می گویند که در مال به جز از زکات دیگر حقی هم است و به آن کمال نیکو کاری حاصل می شود به این گفته خداوند(واتی المال علی حبه) استدلال جستند و این درست ترین نظر می باشد چون فاطمه بنت قیس رضی الله عنها روایت کرده است، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ان فی المال حقا سوی الزکاة) پس از آن جناب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم همین آیه فوق را گویا به عنوان شاهد تلاوت نمودند، علماء بر این اتفاق نظر دارند که هرگاه برای مسلمانان پس از ادای زکات حاجتی پیش شد صرف مال به غیر از زکات واجب می گردد. و بر همین اساس سیدنا عمر رضی الله عنه اسپ مردی را که در جهاد نمی رفت از وی می گرفت و برای مجاهد می داد تا به آن جهاد نماید. دوم: اینکه بر اساس قاعده فقهی (تصرف الامام علی الرعیة منوط علی المصلحة) آنچه را که امام مسلمین به خیر و مصلحت و نفع اسلام و امت مسلمه و کشور اسلامی تشخیص دهد از لحاظ شرعی دستش برای دخل وتصرف باز است و اگر به اجرای آن دستور دهند اطاعت از وی واجب است، چون اطاعت از ولی الامر در آنچه معصیت و گناه نباشد واجب ولازم می باشد (یَا ایُّهَا الَّذِینَ امَنُوا اطِیعُوا اللَّهَ وَاطِیعُوا الرَّسُولَ وَاولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) النساء. ۵۹. عن ابن عمر رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وسلم قال: (السمع والطاعة حق مالم یؤمر بالمعصیة فاذا امر بمعصیة فلا سمع ولاطاعة)

حکمیت تجارتی



عبدالقادر صمدی
کارشناس تبلیغات ریاست ارتباط و آگاهی عامه

چکیده

اختلاف و کشمکش، از اولین پدیدهها و پیآمدهای زندگی گروهی و جمعی انسانهاست. تفاوت استعدادها و توانمندی های انسانها از یک سو و غرایز برتری جویی برخی افراد و سلطه طلبی آنها از سوی دیگر، بستر مشاجرات را در زندگی اجتماعی فراهم می سازد. پیدایش نزاع و اختلاف، اگرچه در ابتدا ناخواسته و در مواردی طبیعی است، اما حل اختلاف امری مطلوب و مورد خواست باطنی عموم انسانهاست. در عرصه اختلاف، آنچه مورد جدال واقع می شود، سرنوشت حق و برخورداری است، و هریک از افراد طرف نزاع، آن حق و امتیاز را از آنِ خویش دانسته و دیگری را غاصب حق می داند. اما در اینکه مسئله باید حل شود، اختلافی نیست.

افراد، گروهها، کشورها، و کسانی که در اطراف اختلاف و درگیری ها قرار گرفته اند، در خاتمه نزاع و بیرون رفت از اختلاف به وجودآمده اتفاق نظر دارند.

حل اختلافات همانند تمامی مسائل بشری می تواند قانون مند و بر اساس نظام انجام پذیرد. کاوش و ارزیابی شیوه های منطقی حل اختلاف، نخستین گام در جهت حل اختلاف به شمار می رود. آنچه در شیوه های حل اختلاف باید مورد توجه قرار گیرد، سرعت پایان دادن به اختلاف است، زیرا آثار، ویرانی ها، ناامنی ها و اضطرابی که شروع جنگ و نزاع به همراه دارد، در ادامه جنگ و اختلاف بیشتر می شود. چنانچه اضطراب و ناامنی تداوم یابد، آثار ویرانگری بر روان انسان، آرامش و امنیت فکری، ذهنی جامعه خواهد گذاشت. این پیامدهای نامطلوب و گسترده، همواره بیش از پیش متفکران و دانشوران را به جستوجوی شیوه های کارآمد حل اختلاف واداشته است. مسئله داوری و حل اختلاف در متن دین، با روشهای صلح آمیز نیز تأکید شده است. برآمد تلاش عقلانی در وضع قوانین حقوقی با هدف حل مخاصمات و رفع منازعات جلوه گر گردیده است. تشکیل دادگاه های قضایی و ایجاد هیئت های داوری در سطوح مختلف، اساسی ترین راه کارهای بشری با هدف برطرف نمودن نزاع و اختلافات است. البته به نظر می رسد داوری و حکمیت در اختلافات تجارتی از جایگاهی ویژه برخوردار بوده و رشد چشمگیری داشته است، به دلیل اینکه معمولاً حل اختلافات در محاکم وقت زیاد را

گرفته و تاجران بیشتر تمایل دارند، تا اختلافات شان در وقت کم و به سرعت حل گردد که داوری در این زمینه جایگزین بهتر برای حل اختلافات تجارتی می باشد.

۱- مفاهیم و کلیات

مفهوم حکمیت

حکمیت یا سلطه به معنای قدرت و اختیار برای اجرای قوانین و تصمیم گیری در یک جامعه است. این مفهوم به طور گسترده‌ای در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و فلسفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نشان دهنده قدرت و تاثیر یک فرد، گروه، یا سازمان در مواقع مختلف است. حکمیت یک شیوه بسیار سنتی حل منازعه به شکل خصوصی بوده و یک طرزالعمل لازم الاجراء می باشد. حکمیت اکثراً، توسط یک نهاد خصوصی مدیریت می گردد. این نهاد لیستی از حَکَم های قابل دسترس را در اختیار دارند و مقرراتی را که به اساس آن حکمیت انجام می شود فراهم میسازد. این چنین مؤسسات میتوانند حکمیت را بصورت کلی و یا قسمتی از آنرا مدیریت نمایند. اکثراً، جوانب ذیدخل در منازعه حَکَم ها را به اساس تخصص ذاتی انتخاب می نمایند. حکمیت یک سیستم مشورتی نه بلکه قضاوتی می باشد؛ زیرا حَکَم ها (معمولاً یک قاضی ویا څارنوال متقاعد) یک حکمی را در ختم استعماع دعوا صادر می نماید و این حکم نهایی و لازم الاجراء بوده و بسیار بطور محدود تحت مرور و بررسی محکمه قرار می گیرد. گاهی حکمیت غیر لازم الاجرا می باشد. این در صورتی است که جوانب دخیل در منازعه به غیر لازم الاجرا بودن آن موافقت نمایند. اما این تصور غلط بوده و لازم الاجرا و قضاوتی بودن آن حتمی می باشد. داوری در علم حقوق، به معنای حل و فصل اختلاف به طریقه غیررسمی توسط شخص غیرقاضی است. داوری، فرایندی از اختلاف‌زدایی است که با اقدام حقوقی طرفین نزاع و انتخاب حَکَم، آغاز و با اقدام داوران در جهت حل مشکل اختلاف با انشای حکم، پایان می‌پذیرد.

مراحل حکمیت

بسیاری از حکمیت ها بر مبنای یک قرارداد قبل از منازعه بوجود میاید که در آن جوانب ذیدخل موافقت می نماید که در صورت بروز کدام منازعه، هرگز به سیستم محکمه رجوع نخواهند کرد. قانون حکمیت تجارتی افغانستان مصوب سال ۲۰۰۷ بطور کلی بر این روند حاکمیت دارد. هرگاه جوانب ذخیل در منازعه یک مقام مدیریت کننده منازعه را مانند مرکز انتخاب نمایند، مقررات حکمیت این اداره بر طرزالعمل که تعقیب خواهد شد حاکمیت دارد. جوانب دخیل در منازعه بعداز توافق درباره حکمیت، حق بنیادی و اساسی خویش را مبنی بر طرح دعوا نزد هیئت منصفه مماثل ساقط می نماید. آنها بعداز آنکه حکمیت را قبول نمودند حق طرح دعوا در محکمه ثانی را ندارد. فیصله حَکَم ها،در صورتیکه کدام توافق مخالف صورت نگرفته باشد، قانوناً لازم الاجرا بوده و غیرقابل مرافعه خواهی می باشد به استثنای شرایط بسیار محدود مانند موردی که کدام فریب ویا تبانی از جانب حَکَم موجود باشد. بصورت کلی، حَکَم یک شخص بیطرف می باشد که توسط جوانب دخیل در منازعه انتخاب می گردد. حَکَم خلاصه دعوا و شواهد مستند را مطالعه نموده، اظهارات شهود را استماع کرده، شواهد را مورد بررسی قرار داده و سپس بعداز استماع دعوا درباره مسئولیت و خسارات به شکل " رای حَکَم" نظرخویش را ابراز میدارد. بعداز تایید رای حَکَم توسط یک محکمه قضایی با صلاحیت، این رای متعاقباً منحیث قضاوت و حکم محسوب می گردد.

مراحل حکمیت ممکن است بسته به موقعیت و محیط مختلفی متغیر باشد، اما به طور کلی می‌توان آنها را به چند مرحله اصلی تقسیم کرد:

۱. بنیادگذاری حکمیت: این مرحله شامل ایجاد یک نظام حکمی و تعیین مبانی و اصول اولیه حکومت است. این اصول می‌توانند از طریق دستورالعمل‌ها، قوانین، قراردادها یا حتی مقدمات فرهنگی و تاریخی به دست آید.

۲. تشکیل ساختار حکمیت: در این مرحله، ساختارها و ابزارهایی مانند دولت، قوه قضاییه، قوه مقننه و نهادهای مختلف دولتی تشکیل می‌شوند. این ساختارها برای اجرای قوانین و مقررات تعیین شده توسط حاکمیت و تأمین امنیت و خدمات برای شهروندان استفاده می‌شوند.

۳. اجرای قوانین و سیاست‌ها: در این مرحله، حاکمیت اقدام به اجرای قوانین و سیاست‌های



تصمیم‌گرفته شده می‌نماید. این شامل تدابیر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی می‌شود.
٤. ارزیابی و تصحیح: حاکمیت باید به صورت مداوم عملکرد خود را ارزیابی و اصلاح کند، زیرا نیازها و شرایط اجتماعی و اقتصادی ممکن است تغییر کنند. این مرحله شامل بازبینی سیاست‌ها و برنامه‌ها، شفافیت و پاسخگویی به شهروندان است.

انواع حکمیت

الف- حکمیت بالا- پایین

حکمیت بالا- پایین به حکمیت برابر (براکیت) نیز معروف است. این نوع حکمیت نوعی از حکمیت است که در آن جوانب ذیدخل در منازعه درباره مقادیر ثابت موافقت می نمایند و مقرر میدارند که حَکم باید حکم خویش را درین محدوده صادر نمایند. در صورتیکه حکم حَکم از رقم ثابت که منحیث حد پایین تعیین گردیده پایین تر باشد، مدعی علیه رقم مورد موافقت در محدوده پایین را پرداخت خواهد کرد؛ و اگر حکم حَکم از رقم ثابتکه منحیث حد ثابت بالا تعیین گردیده بالاتر باشد، مدعی رقم مورد موافقت در محدوده ثابت بالا را پرداخت خواهد کرد؛ هرگاه حکم حَکم در وسط ارقام ثابت باشد، جوانب دخیل در منازعه مکلف به پرداخت آن مبلغ خواهد بود. ارقام بالا و پایین ممکن است برای حَکم افشا گردد ویا همچنان پنهان بماند.

ب- حکمیت بیس بال

حکمیت بیس بال یک نوع از حکمیت است که در آن هریک از جوانب دخیل در منازعه یک شماره را انتخاب مینماید و حَکم یکی از ارقام را بعنوان فیصله و حکم خویش انتخاب نماید. در حکمیت بیس بال فقط دو نتیجهٔ احتمالی وجود دارد.

ج- حکمیت بیس بال شب

حکمیت بیس بال شب مانند حکمیت بیس بال یک نوعی از حکمیت است که در آن جوانب دخیل در منازعه رقمی را که برای حل منازعه انتخاب کرده با همدیگر مبادله می نمایند. این ارقام به حَکم گفته نمیشود. حَکم رقم مشخصی را برای حل منازعه

تعیین می کند و جوانب منازعه موافقت می نماید تا از رقم بالا ویا رقم پایین، رقمی را که نزدیکترین رقم به رقم تعیین شده توسط حَکَم است را قبول نمایند.

د- حکمیت غیر لازم الاجرا

حکمیت غیر لازم الاجرا مانند طرزالعمل لازم الاجرا می باشد با این تفاوت که وقتی حَکَم بعداز استماع دعوا حکم خودرا صادر می نماید، این حکم برای جوانب ذیدخل در منازعه لازم الاجرا نبوده و آنها از حق خود به محضر هیئت منصفه صرف نظر نخواهد کرد. درین صورت، حکم و فیصله حَکَم در مورد منازعه صرفاً یک نظریه مشورتی خواهد بود. بسیاری از قضایا در حکمیت غیر لازم الاجرا حل و فصل می گردد ویا تحت حکمیت لازم الاجرا قرار می گیرد و یا اینکه جوانب ذیدخل میتوانند به محکمه مراجعه نمایند.

شرایط حکمیت

شرایط حکم ها با توجه به ماهیت نوین آن، پژوهشی نوین میطلبد، زیرا ترسیم شرایط پیشین براساس رویکرد قضاوت به حکمیت است. مسئولیت قاضی، تطبیق احکام بر موضوعات خارجی است، از این رو قاضی باید از شرایط و موقعیتی برخوردار باشد که بتواند به درستی اجتهاد نماید، و از سوی دیگر از طریق این شرایط اطمینان حاصل شود که رأی او در موضوعات به درستی شناخته شده و با دقت تطبیق شده است. این در حالی است که داور با رضایت طرفین، در آغاز با انتخاب ابتدایی و در ادامه با رضایت استمراری، و با لحاظ شرایط و حالات طرفین نزاع، رأی خود را صادر کرده و آن رأی و نظر نافذ و اجرا میشود. لحاظ شرایط اختلاف از سوی داوران موجب مشود که در داوری تبدیل و تغییر رأی ممکن شود، در حالی که در قضاوت تبدیل و تغییر رأی، امر نادری است که پذیرفته بودن آن دلیل و شرایط خاص میطلبد. حکم اکنون دیگر تنها حَکَم نیست، و حکم های معرفی شده توسط کمیته های حکمیت، تنها داوران تعریف شده خاص نیستند، بلکه هماهنگ با مسئولیت داوری، نوعی وظیفه مشابه وکالت دارند که در برخی موارد، وظیفه تفویضی گسترده ای دارند و می توانند اعمال نظر کنند، و در برخی موارد با حفظ آن سطح، مسئولیت کارشناسی



را نیز برعهده دارند. این فرایند، محدود به اختلافات بین افراد و کشورها نیست، بلکه عموم اختلافات شرکتها و مؤسسه های اقتصادی و... مشمول این فرایند می شوند.

تغییر شرایط احکام، امری طبیعی است، البته آنچه اظهار فتوا و نظر علمی مستند را در شرایط جدید حکمیت دشوار نموده است، تغییر ماهیت عنوان از ابعاد و زاویه های مختلف است. حکمیت با کارکردهای جدید، بدون تردید پدیدهای مرکب و چند بُعدی است. این گونه عقد در پیشینه فقه، نظری کم نظیر است، اما اینکه این ابعاد همواره تمامی موارد آن را همراهی می کند تا تغییر اصل عنوان ماهوی باشد، یا تنوع از حیث کارکردهای بیرونی است که از ماهیت خارج و در افراد و حالات آن تغییر حاصل گردیده است، مسئله ای است که تحقیق مبنایی را هماهنگ با تحقیق میدانی میطلبد. اصولاً شرطیت شرایط، بستگی به اثرگذاری آنها در رسیدن مشروط به اهداف مورد نظر دارد. تناسب شرایط و اجزاء با مشروط و مرکب، به صورت طبیعی با در نظر گرفتن نقش آنها در دستیابی به اهداف تعریف مشود. به عبارت دیگر، هنگام جعل مرکب، اجزایی که در رسیدن آن مرکب به اهداف جعل آن اثرگذار و نقش آفرین اند لحاظ شده و به عنوان جزء اعتبار می شوند، تا در کنار دیگر اجزای همگون و هماهنگ مرکب پدید آمده و متولد شود و در مسیر اهداف تعیین شده حرکت کند. همچنین در اعتبار شرایط برای شیء مشروط، شرایطی که در رساندن مشروط به اهداف مورد نظر اثرگذارند اعتبار می شود. شرایط اعتبارشده برای قضاوت قاضی، همگون با اهداف قضاوت سنخیت یا همرنگی دارد، اما اینکه آیا همان شرایط با اهداف داوری سنخیت دارد، قابل تأمل و بررسی است. بنابراین نوپژوهی در شرایط نوین، با تغییر رویکرد حکمیت ضرورت میابد. از جمله شرایطی که بایسته است مورد پژوهش مجدد قرار گیرد و نیاز به تأمل جدی دارد، شرط جنسیت است، آیا در صورت واجد بودن شرایط دیگر برای داوری، مردبودن نیز الزامی است؟ داوری که مسئولیت خاصی را از طرفین نزاع پذیرفته است تا با شناخت موقعیت و با شیوهای منطقی و مرضی الطرفین بین افراد متخاصم مصالحه ایجاد کند، شرطیت جنسیت چه خصوصیتی دارد؟ چنانچه ذکوریت در قاضی به اعتبار دلیل خاص پذیرفته شود، دلیل اعتبار آن در داوری نیاز به دلیل مستقل دارد. از شرایط دیگری که نیاز به بررسی دارد، شرطیت اجتهاد است. این شرط با آنچه در واقعیتِ جدید داوری محسوس و غیرقابل انکار است، تفاوت بسیاری دارد. بنابراین هم در حوزه ثبوتیِ شرط باید بررسی نوین صورت پذیرد، و هم در حوزه اثباتی آن. با توجه به گستردگی موضوعات و عرصه های داوری، اجتهاد در کدام حوزه شرطیت دارد؟ نکته لازم اینکه شرطیت اجتهاد نسبت به دانش حقوقِ جدید باید اعتبار شود، زیرا مجامع حقوقی، ارزش و اعتبار خویش را به آن پیوسته میدانند، و با فقدان دانش حقوق و عدم اطلاع از آن، آرای داوران از جهت ارزش علمی و ضمانت اجرایی آسیبپذیر می گردد. با این رویکرد، بخشی از شرایط اظهار شده در داوری قابل بررسی مجدد است، البته شرایطی همانند: بلوغ، عقل، عدالت و علم بدون تردید لازم و معتبر است.

امتیازات حکمیت

احساس عمومی نسبت به داوری و هیئت داوران بسیار مطلوب تر از احساس آنها نسبت به قضاوت است. بنابر این اختلافاتیکه در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قرار دادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع داده می شود.

نقش قدرت و حکومت در نظام و سیستم قضایی از مرحله وضع قانون، تعیین قاضی، عمل قضاوت، زمان و مکان قضاوت تا آداب و مراسم، فرجام، شیوه فرجامخواهی، همه و همه موجب شده است تا جریان قضاوت مطلوبیت متناسب خود را از دست بدهد. اما این زمینه ها غیر از نارضایتی هایی است که از ناحیه نوع و محتوای حکم، ظهور و بروز میابد. زمینه های پذیرش داوری، عموماً با رضایت همراه نیست و معایبی دارد، معایبی مانند ورود مستقیم افراد به تعیین تکلیف خود، و احساس اراده و اختیار در حل مشکلات پدیدآمده. روی کرد عمومی به داوری، مسئله ای جدا از سلطه و قدرت بر داوری است، زیرا اگرچه قدرت بر ورود به داوری در بحث از قلمرو پذیرش شخص در داوری است، زیرا امکان روی آوردن به آن در فرض رجوع شخصی فرد در جهت مسئله خاص است، اما روی کرد قدرت به داوری با ملاک مصلحت است و با این وجهِ ممتاز و برجسته است

که در کل یا با مراجعه خاص به داوری متفاوت است. از نظر فرعی نگری، داوری امتیازات دیگری نیز دارد، مانند سرعت بخشی به حل منازعات و فصل خصومتها، و سرّی بودن داوری ها در عدم جواز انتشار نام اطراف نزاع.
۲- رسیدگی قضائی به حل اختلافات تجاری در صورتیکه طرفین، نتوانند اختلاف قرارداد تجاری بین المللی خود را به روش‌های فوق حل و فصل نمایند ناگزیر از طرح دعوا در دادگاه هستند. دعاوی تجاری بین المللی بر حسب اقامتگاه خوانده، اقامتگاه خواهان، محل انعقاد قرارداد موضوع اختلاف یا محل اجرای آن ممکن است به کشورهای گوناگونی مربوط شود. به طور مثال قراردادی در ارمنستان بین یک تاجر ایرانی و یک تاجر ترکیه ای منعقد می‌شود که به موجب آن کالاهایی از کشور امارات خریداری شده و در پروژه‌ای در افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد اینکه دادگاه کدام کشور برای رسیدگی به اختلاف مورد نظر صالح است به قوانین آیین دادرسی در هر کدام از این کشورها بستگی دارد. و رسیدگی ها نیز بر اساس قانون ملی هر کدام از کشور ها متفاوت است و نیازمند پرداخت هزینه دادرسی و صرف وقت زیادی است. علاوه بر این‌ها خواهان باید مد نظرش باشد که در کشوری طرح دعوا کند که خوانده در آن کشور دارای اموال و دارایی باشد و رای نیز امکان اجرا داشته باشد. در ایران آرا و تصمیمات قضایی خارجی در صورت نبود معامله متقابل باید ابتدا در دادگاه صالح ایرانی مورد شناسایی قرار گیرد و در صورتی که تایید شود دادگاه دستور به اجرا صادر می‌کند.
۳- مقایسه حکمیت با روش قضایی
روش حل اختلافات از طریق محکمه و حکمیت تفاوت های با هم دارند که ذیلاً به آنها اشاره می نمائیم:
۱- قاضی در قضاوت از طرف حاکم منصوب می‌شود، اما داور در داوری از سوی افراد انتخاب می‌شود.
۲- قاضی در عموم اختلافات می تواند قضاوت نموده و حکم صادر کند، اما حکمیت محدود به مواردی است که دو طرف دعوا به داوری رضایت داده و حکم یا داور انتخاب کنند.
۳- در قضاوت، قاضی در هنگام انشاء حکم، با طرفیت نزاع ماوره نمی کند، اما در حکمیت، حکم ها نظر خود را با مشاوره طرفین اختلاف ارائه می دهند.
٤- حکم قاضی اصولاً قابل نقض نیست، مگر در صورتی که خلاف آن ثابت شود، اما رأی داوران با نظر اطراف نزاع هر لحظه قابل تغییر است.
۵- قاضی به اعتبار این که حکم می‌کند و الزام می نماید به او قاضی می‌گویند، اما به اعتبار مجرد اخبار به رأی و نظر بدون الزام و حکم، صاحب فتوا می‌شود، و به اعتبار دانشی که دارد و حکم خدا را می‌داند او را عالم می‌گویند، و به اعتبار دانش، تجربه و قانون تعیین شده که مبنی بر انتخاب طرفین دعوا انتخاب می شوند حکم را صادر می کند داور یا حکم است. تردیدی نیست، قضاوت پدیده‌ای اجتماعی است که با هدف پایان دادن نزاع و درگیری‌های افراد و گروهها با یکدیگر، طراحی و نظام‌مند شده است، اما سخن در این است که آیا داوری هم دقیقاً همانند قضاوت پدیده‌ای صرفاً اجتماعی است یا با قضاوت تفاوت‌هایی دارد.
٦- هزینه داوری با دادگاه متفاوت است. در داوری هر چه مبلغ خواسته بالاتر باشد هزینه به نسبت کمتر می شود ولی در دادگاه هزینه دادرسی ثابت بوده و با افزایش رقم مورد اختلاف هزینه دادرسی بیشتر می شود.
۷- مدت زمان داوری توسط طرفین مشخص می شود ولی در دادگاه زمان رسیدگی بر اساس حجم دوسیه های موجود در شعبه مشخص می شود.
۸- در حکمیت فقط طرفین اختلاف و داور از موضوع اختلاف مطلع و آگاه هستند، اما در محکمه ممکن است هنگام مراجعه اصحاب دعوا، اشخاص دیگری نیز از موضوع اختلاف مطلع شوند.
در ادامه به دیگر تفاوتهای داوری و دادگاه اشاره می شود:

انتخاب روش ابلاغ در داوری

دادگاه طبق قانون اصول محاکمات مدنی ملزم به ابلاغ آراء و اوراق قضایی می باشد در حالی که در حکمیت طرفین می توانند مشخص کنند نحوه دعوت از اصحاب دعوا و ابلاغ رای داور چگونه باشد در صورتی که در مورد نحوه ابلاغ توافق ننمایند رای داوری از طریق محکمه ابلاغ می شود.
انتخاب تعداد افراد رسیدگی کننده در داوری در دادگاه در مرحله بدوی یک قاضی و در مرحله تجدید نظر سه قاضی به اختلاف رسیدگی می کنند ولی در حکمیت محدودیتی در تعداد داوران وجود ندارد بدین معنی که می توان توافق کرد مثلا ۵ داور در موضوع اختلاف نظر داشته باشند.

فوت یکی از طرفین اختلاف در داوری در دادگاه اگر یکی از طرفین اختلاف فوت نماید اصل بر این است که رسیدگی ادامه خواهد یافت ولی داوری چون با توافق طرفین می باشد در صورت فوت یکی از طرفین اختلاف روند داوری از بین می رود.

امکان عزل داور

در دادگاه امکان عزل قاضی توسط طرفین وجود ندارد ولی در داوری طرفین اختلاف می توانند با توافق یکدیگر داور یا داوران را عزل نموده بر داوری شخص دیگری تراضی نمایند.

استناد به اسناد و مدارک نزد ثالث

دادگاه می تواند به مراجع رسمی و سازمانهای دولتی و عمومی دستور دهد اسناد و مدارکی که نزد آنها وجود دارد برای دادگاه ارسال نمایند. این مراجع ملزم به ارسال اسناد و مدارک می باشند ولی در داوری طرفین ملزم می باشند اسناد و مدارک مورد استناد خود را شخصا تهیه کرده و در اختیار داور قرار دهند.

تک مرحله ای بودن رسیدگی در داوری در دادگاه اکثر آرای صادر شده قابلیت تجدیدنظر در مرحله بالاتر را دارند دادگاه تجدیدنظر دوباره به موضوع اختلاف رسیدگی می نماید ولی بعد از رسیدگی داوری امکان رسیدگی مجدد به همان اختلاف وجود ندارد با صدور رای داور، دادگاه نمی تواند مجددا به موضوع اختلاف رسیدگی نموده و فقط در موارد خاص و مقرر در قانون امکان ابطال رای داوری وجود دارد.

انتخاب زبان داوری

در دادگاه روند رسیدگی به زبان های ملی انجام می شود در نتیجه اگر اسناد و مدارک به زبان خارجی باشد باید ترجمه رسمی آنها به دادگاه ارائه شود. در داوری می توانید مشخص کنید داوری به چه زبانی باشد اگر اسناد و مدارک شما به زبان خارجی باشد و شما همان زبان را برای



داوری انتخاب نماید دیگر نیاز به ترجمه اسناد و مدارک و احتمالاً اشتباهات ناشی از ترجمه وجود ندارد. در این نوشته به برخی تفاوتهای داوری با دادگاه اشاره شد. بسته به موضوع تعهدات و اختلافات احتمالی انتخاب روش مناسب جهت مراجعه به داوری یا طرح دعوا در محکمه کمک خواهد نمود با کمترین هزینه اختلافات بین طرفین حل شود.

نتیجه گیری

خوب است به این موضوع توجه شود که انتخاب روش مناسب حل و فصل اختلافات به عوامل متعددی بستگی دارد، و هر یک از شیوه های حل و فصل اختلافات می تواند مزایا و چالش های خود را در بستر رابطه ی مورد نظر و بادر نظر گرفتن ویژگی های آن، به همراه داشته باشد. در این مقاله سعی شد ماهیت، مزایا، چالش ها و تفاوت های رسیدگی به حل و فصل اختلافات به ویژه اختلافات تجارتی از طریق حکمیت و رسیده گی قضایی بررسی شود. داوری و حکمیت به عنوان یکی از روش های حل اختلافات تجارتی بوده که با انعطاف در فرایند رسیدگی و مزیت کارائی اقتصادی نسبت به روش رسیدگی قضایی و همچنان اعطای کنترول و مدیریت فرایند رسیدگی به طرفین نزاع، در طول سال های اخیر رشد چشمگیری داشته است. رسیدگی حل اختلافات از طریق محکمه و با روش قضایی مقتضی زمان بیشتر بوده و قضایا در محاکم در وقت کم حل و فصل نمی گردد، هزینه داوری با دادگاه متفاوت است. در داوری هر چه مبلغ خواسته بالاتر باشد هزینه به نسبت کمتر می شود ولی در دادگاه هزینه دادرسی ثابت بوده و با افزایش رقم مورد اختلاف هزینه دادرسی بیشتر می شود، معمولاً طرفین اختلاف به محاکم مراجعه نمی کنند، چون قسمیکه تذکر داده شد از یک سو وقت زیاد را در بر می گیرد و از سوی دیگر طرفین نزاع محدود بوده و اختیار وضع شرایط را از قبل به قاضی ندارند و همچنان در انتخاب قاضی نیز صلاحیت ندارند. و از آنجائیکه طرفین اختلاف در حکمیت نسبت به محکمه دست شان باز تر بوده و تا حدودی از قبیل انتخاب داور، انتخاب قانون نمونه و وقت و زمان رسیدگی اختیاراتی دارند، و هکذا در مدیریت فرایند حکمیت طرفین نزاع دخیل می باشند. به همین خاطر بیشتر دعاوی تجارتی از طریق حکمیت حل و فصل می گردد، که در سال های اخیر موضوع داوری و حکمیت رشد بسزای داشته است. در حکمیت فقط طرفین اختلاف و داور از موضوع اختلاف مطلع و آگاه هستند، اما در محکمه ممکن است هنگام مراجعه اصحاب دعوا، اشخاص دیگری نیز از موضوع اختلاف مطلع شوند. از آنجائیکه تاجران نمی خواهند راز تجارت شان را همه بدانند ترجیح می دهند که دعاوی از طریق حکمیت حل گردد. قاضی در عموم اختلافات می تواند قضاوت نموده و حکم صادر کند، اما حکمیت محدود به مواردی است که دو طرف دعوا به داوری رضایت داده و حکم یا داور انتخاب کنند. با در نظر داشت مزایا، چالش ها و تفاوت های حکمیت و محکمه، طرفین نزاع بیشتر ترجیح می دهند اختلافات شان را از طریق داوری و حکمیت حل و فصل نمایند.

منابع و مآخذ

• قانون حکمیت تجارتی افغانستان، نمبر مسلسل ۴۰۸، تاریخ نشر: ۱۰ دلو سال ۱۳۸۵ هـ.ش.

•شجاعی, علی رضا، ۱۴۰۱، بررسی داوری در فقه امامیه و حقوق افغانستان.

• داوید رنه، مفهوم و نقش داوری در بازرگانی بین المللی ،ترجمه سید حسین صفایی، مجموعه مقالات راجع به حقوق بین الملل و داوری های بین المللی ،تهران، میزان:۱۳۷۵.

• دو وریز هنری، داوری تجاری بین الملل، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی دفتر خدمات، شماره ۲۱.

• ساکت محمد حسین، نهاد دادرسی در اسلام، مشهد ،آستان قدس رضوی: ۱۳۵۳.

• شمس عبدالله، آیین دادرسی مدنی ،ج۲، میزان ،تهران: ۱۳۸۱.ص

• صباغیان، علی، نقش میانجیگری در حل و فصل اختلافات بین المللی، نشر وزارتخانه، تهران:۱۳۷۶.

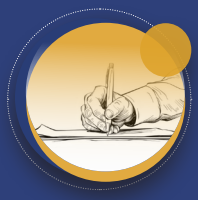
• صدرزاده افشار محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، ماجد، ۱۳۷۹.

• متین دفتری احمد»، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج۱، تهران، مجد:۱۳۷۸.

• محبی محسن، نظام داوری اتاق بازرگانی بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات، شماره ۱۳۷۸۲٤.

• موسی زاده رضا،کلیات حقوق بین الملل عمومی ،ج۲، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه:۱۳۷٦.

په ملي اقتصاد کې د حکومت او خصوصي سکټور ونډه



عبدالحسیب صافی
د پوهنتون استاد او اقتصادي شنوونکی

تر ډېره له اقتصادي پلوه د هیوادونو ښېرازي او سوکالي په خپلواک، غښتلي، عصري ټکنالوژۍ سمبال، سالم حکومت او همداسې د خصوصي سکټور په اقتصادي ونډه پورې تړلې ده. د حکومت او خصوصي سکټور ونډه د یوه هیواد په اقتصاد کې ډېر مهم او ارزښتناک رول لري. اقتصادي پرمختګ او وده په همدغه دوو برخو پورې تړلې ده. دا هغه دوه برخې دي، چې تر ډېره بریده د هیواد په اقتصادي پرمختګ او وده کې رغنده ونډه لري.

د هیواد په اقتصادي وده او پرمختګ کې د دولت ونډه: د یوه هیواد په اقتصادي وده کې د دولت ونډه ډېره مهمه او حیاتي ده. که چېرې په یوه هیواد کې ښه دولتولي وي، امنیت، زده کړو ته لاسرسی، رونټیا او ملت ته د حساب ورکولو هوډ شتون ولري، اقتصادي برخې ته ځانګړې پاملرنه وي، له نړیوالو سره ښه تعامل وي، اداري فساد نه وي، د دولت کارکوونکي خپل مسئولیت په ښه ایمانداری ترسره کړي، کار هغه کسانو ته وسپارل شي، چې هم تعهد ولري او هم تخصص او همداسې ولس له دولت څخه راضي و اوسي نو بیا به تر ډېره دغه هیواد له اقتصادي پلوه پرمختګ وکړي.

• له سیاسي پلوه له هیوادونو سره اړیکې ساتل او د یوه هیواد استازیتوب کول: هر څومره، چې یو هیواد له ګاونډیو، د سیمې له هیوادونو او همداسي د نړۍ له هیوادونو سره ښې ډیپلوماټیکې اړیکې ولري، په هم هغه اندازه اقتصادي روابط ښه کېدلی شي، راکړه ورکړه ډېربېري او د نړۍ په کچه یو هیواد پیژندل کېږي، چې دا ټولې چارې د دولت له لوري پرمخ وړل کېږي.

• **د قانون، پالیسیو او ټګلارو جوړونه او تطبیق:** هیوادونه د اقتصادي چارو د پرمخ وړلو له پاره قانون، پالیسیو او ټګلارو ته اړتیا لري؛ ترڅو چارې په منظم ډول او د قانون په رعایت کولو سره سمې پر مخ ولاړې او اقتصادي موخې ترلاسه شي. د دولت یو له مهمو دندو څخه دا هم ده، چې قوانین جوړوي او بیا یې وروسته وضع کوي؛ ترڅو اقتصادي فعالیتونه روښانه، عادلانه او منظم پر مخ لاړ شي. اقتصاد محوره ټګلارې او پالیسي کولای شي د یوه هیواد له پاره د

اقتصاد په وده او پرمختګ کې رغنده رول ولوبوي او په لویه کچه اقتصادي چارو ته روښانه لاره هواره کړي. لکه؛ د مالکیت حقونه، ملي او نړیواله پانګونه راجذبول، له نړۍ سره راکړه ورکړه او په کور دننه خصوصي سکټور ته د کار کولو زمینه مساعدول.

• پر بنسټیزو پروژو کارکول: د دولت یو له اساسي مسئولیتونو څخه دا دی، چې له پیل څخه نیولې تر پای پورې پر لویو او بنسټیزو پروژو کار وکړي او کنټرول یې کړي. ځکه دولت له امکاناتو څخه برخمن دی، مالي او بشري سرچینې په لاس کې لري.

اقتصادي ثبات راوستل: دا چاره هم د دولتونو پر غاړه ده؛ ترڅو د انفلاسیون، بیکارۍ او اقتصادي رکود د مخنیوي له پاره د دولت مالي او پولي ټګلارې وکاروي او وکولای شي د بهرنیو اسعارو پر وړاندې د افغانیو ارزښت وساتي. دولتونه دنده لري، چې په کافي پیمانه مالي زېرمې ولري او د اړتیا په صورت کې بازارونو ته د قیمتونو د کنټرول له پاره له همدغو زېرمو څخه ګټه واخلي او بازار ته ثبات راولي. همداسې دولت کولای شي په بازارونو کې د احتکار مخه ونیسي او هیوادوالو ته د توکو او خدماتو تر لاسه کولو په موخه مناسب چاپېریال رامنځته کړي.

د عامه خدمتونو چمتو کول: دولت هڅه کوي، چې خپلو وګړو ته هغه اساسي او لومړني خدمتونه برابر کړي، چې د ژوند د ښه کولو له پاره اړین دي. لکه؛ د تعلیم زمینه برابرول، سړکونه جوړول، پاکو اوبو ته لاسرسی، برېښنا، ټرانسپورټ، روغتیایي اسانتیاوې، د امنیت ټینګښت او داسې نور اساسي خدمات. دا خدمات کولای شي خلکو ته د آرام او پرمختللي ژوند زمینه برابره کړي او د همدغو عامه خدماتو له لارې دولت د ټولنې اړتیاوې پوره کوي او ټولنیز عدالت خپله موازنه ساتي.

• بازارونو کې مداخله کول: لکه څنګه مو چې پورته د احتکار د مخنیوي په اړه وویل غواړم لږ په جزیاتو د احتکار په اړه هم تاسو ته معلومات درکړم او په دې برخه کې د دولت مسئولیت درته ووایم. احتکار اقتصادي اصطلاح ده؛ په دې معنا، چې یو کس او یا هم کومه ډله خلک توکي زېرمه کوي او یا یې هم پټوي او بازار ته یې د یو وخت له پاره نه وړاندي کوي، تر هغه پورې چې نرخونه یې اوچت شي او ډېره ګټه تر لاسه کړي. که څه هم دا چاره د اسلام په مبارک دین کې یوه ناروا او غیر اخلاقي کړنه ده. په دې هکله رسول الله (ص) په حدیث شریف کې فرمایلي دي: ژباړه: چا چې احتکار وکړ، هغه ګناهکار دی. ولې سربېره پر دې هم کله نا کله په بازار کې احتکار رامنځته کېږي او هیوادوال د توکو له لوړو بیو څخه سرټکوي نو بیا په داسې حالت کې دولت دنده او مسئولیت لري؛ څو د دغسې نا عادلانه کړنو مخنیوی وکړي.

د اقتصاد په بنیازی کې د خصوصي سکټور ونډه: د اقتصاد په پرمختګ او وده کې د خصوصي سکټور ونډه ډېره مهمه او حیاتي ده. خصوصي سکټور هغه برخه ده، چې د دولت له مستقیم کنټرول څخه پرته کړنې تر سره کوي. خو د دولت د قانون په رعایت کولو سره سم خپلې چارې پر مخ وړلی شي. دولت د خصوصي سکټور له پاره آسانتیاوې راوستلی شي؛ ترڅو دغه برخه پیاوړې کړي. د هیواد د ناخلصو داخلي تولیداتو (GDP) په هره پیمانه چې خصوصي سکټور په یوه هیواد کې په اقتصادي کړنو کې ښکېل وي هغومره به اقتصادي ګټې رامنځته کړي، د هیواد وګړو ته به کاري زمینه مساعده شي، د ژوند کولو اسانتیاوي به رامنځته شي او دولت هم له دغې لارې په کافي اندازه مالیات راټولولی شي؛ ترڅو د دولتي ادارو چارې پرې روانې وساتي. خصوصي سکټور په لاندې برخو کې د هیوادونو په اقتصادي پیاوړتیا کې ونډه لرلی شي.

• د کار زمینه مساعدول: هر انسان اړتیا لري، چې د ښه ژوند کولو له پاره بوختیا او دنده ولري، په لویه کچه دغه بوختیا د هیوادونو د وګړو له پاره د خصوصي سکټور له لارې ممکنه

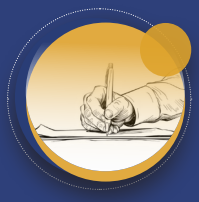
ده، څکه؛ بازار ته نوي فرصتونه او نوښتونه په بېلابېلو اقتصادي برخو کې رامنځته کوي؛ ترڅو بشري ځواک په دندو وګومارې او بوخت يې وساتي او خصوصي سکټور هغه موخه چې د ځان له پاره ګټه لاسته راوړل دي تر لاسه کړي. هیوادونه کوښښ کوي، چې د فقر د کچې راټیټېدو له پاره خصوصي سکټور ته وده ورکړي او داسې چاپېریال ورته رامنځته کړي، چې خصوصي سکټور وکولای شي خپلو کړنو ته پرمختګ ورکړي او له دې لارې ځخه د ملي او نړیوالو پانګوالو پام را واړوي، چې په ترڅ کې به يې اقتصادي وده رامنځته شي. څېړنو څرګنده کړې ده، چې د وګړو لپاره د کاري زمینې ډېره سلنه همدغه خصوصي سکټور برابره کړې ده او د هیوادونو په اقتصادي وده او پرمختګ کې په مستقیمه توګه ونډه لري.

• **پانګونه:** پانګونه یو له هغې برخې څخه ده، چې له اقتصادي پلوه ارزښتناکه ده او پرته له پانګونې څخه د هیواد اقتصادي وده ناشونې ده. د خصوصي سکټور په برخه کې چې هرڅومره د پانګونې په برخه کې زیاتوالی راشي په هم هغه اندازه د تولیداتو او خدماتو کچه لوړېږي، د صادراتو برخه پیاوړې کېږي، ولس ته اسانتیاوې برابرېږي، له هیوادونو سره تعاملات ښه کېږي.

• **نوښت او ټکنالوژي:** د هیوادونو له پاره دغه برخه خانګړې ارزښت او ځای لري، چې په اقتصادي، نظامي او ټولنیزه برخه کې ورڅخه ګټه پورته کولای شي. دغې برخې ته لاسرسی د خصوصي سکټور له لارې کېداي شي، څکه خصوصي سکټور ډېره هڅه کوي، چې د نوي ټکنالوژۍ پر مټ خپلې چارې پر مخ یوسي. له نوي او عصري ټکنالوژۍ سره بلدتیا ډېره اړینه ده. څکه دې اوسني عصر کې هیوادونه په دغه برخه کې ډېر پرمختګ کړی او اقتصاد ته يې خورا ډېره ګټه رسولې ده. که چېرې اقتصادي برخه کې له نوي ټکنالوژۍ څخه ګټه پورته کړو په چارو کې به مو اغېزمنتیا رامنځته شي.



د افغانستان - روسیې ترمنځ د غنمو تجارت او د مالي تبادلې بدیله لاره؛ د روبل رول او حدود



محمد عیسی مبارز
داقتصادي چارو کارپوه

مقدمه

روسیه د غنمو د تولیدوونکي او صادروونکي نړۍ له سترو هیوادونو څخه شمېرل کیږي، چې هر کال میلیونونه ټنه غنم نړیوالو بازارونو ته وړاندې کوي. له بلې خوا، افغانستان له کرنیزو ظرفیتونو سره سره لا هم نشي کولای خپلې داخلي اړتیاوي پوره کړي او د خوراکي توکو په ځانګړي توګه د غنمو واردولو ته اړ پاتې شوی دی.

د (۲۰۲۲)ز کال له فبروري وروسته، کله چې د روسیې او اوکراین ترمنځ جګړه پیل شوه، لوېدیځو هیوادونو پراخ اقتصادي بندیزونه پر روسیې ولګول. د دغو بندیزونو په غبرګون کې مسکو هڅه وکړه، چې د نړیوالو مالي محدودیتونو د حل له پاره له خپلو شریکانو سره د ډالر او یورو پر ځای د روسې روبل (₽) یا د تبادلې یې سیستم له لارې تجارت پراخ کړي.

په دې حالت کې افغانستان له دوو لویو واقعیتونو سره مخ دی، یو یې د غنمو جدي کمښت او بل یې د نړیوال بانکي سیستم څخه منزوی پاتې کېدل. له همدې املې دا مهمه پوښتنه را ولاړېږي، چې آیا افغانستان کولای شي له روسیې سره د غنمو واردات د روسې روبل پر بنسټ تنظیم کړي؟ که دا امکان وي، نو کومې اقتصادي، مالي، حقوقي او تخنیکي ننګونې یې پر وړاندې پرتې دي.

په دې مقاله کې هڅه شوې ده، چې د دغې احتمالي معاملې حقوقي، اقتصادي او تخنیکي ابعاد وڅېړل شي، د دواړو هیوادونو د مالي وضعیت ارزونه وکړي او د متقابل تجارت امکانات او محدودیتونه تحلیل شي.

۱. د افغانستان اړتیاوي او بازار

افغانستان یو کرنیز هیواد بلل کېږي؛ خو د اقلیم د محدودو سرچینو او کمو تخنیکي وسایلو له املې لا هم نه شي کولای د غنمو خپل کورنۍ تقاضا پوره کړي. د احصایو له مخې د افغانستان د غنمو کلنۍ اړتیا شاوخوا (۷.۵ څخه تر ۸) میلیونه ټنه اټکل شوې ده، حال دا چې د هیواد کورنۍ تولید زیاتره وخت له (۴ څخه تر ۵) میلیونه ټنه پورې محدود پاتې کېږي.

د دې واقعیت له مخې، هر کال افغانستان اړ دی، چې له (۲ تر ۳) میلیونه ټنه غنمو وارداتو له لارې دغه تشه ډکه کړي. دا واردات زیاتره له ګاونډیو هیوادونو لکه؛ (قزاقستان، ازبکستان، پاکستان او روسیې) څخه

ترسره کېږي.

په تېرو شلو کلونو کې بېثباته امنیتي، سیاسي او اقتصادي وضعیت د وارداتو پر لارو اغېز کړی دی، چې له املې بې د خوراکي توکو نرخونه لوړ شوي او بازار له بېثباتۍ سره مخ شوی دی. له همدې املې د غنمو واردات نه یوازې یو اقتصادي ضرورت، بلکې یوه ستراتیژیکه اړتیا هم بلل کېږي. له نړیوال انحصار څخه د وارداتو خلاصون او له بدیلو سرچینو لکه روسیې سره مستقیم یا غیر مستقیم تجارت، یو حیاتي بحث ګرځېدلی دی.

۲. عمده وارداتي هیوادونه او د اسلامي امارت سیاست

افغانستان د اسلامي امارت تر واکمنۍ لاندې، د کرنې او اقتصادي خودکفایۍ په برخه کې پراخ اقدامات پیل کړي، خو د غنمو په څېر اساسي توکو کې لا هم د وارداتو اړتیا لري. په اوسني وضعیت کې قزاقستان، روسیه، ازبکستان او پاکستان د غنمو هغه عمده صادروونکي هیوادونه دي، چې د افغانستان بازار ته لاسرسی لري.

د اسلامي امارت د فعالې اقتصادي او سیاسي دیپلوماسۍ له برکته، افغانستان له روسیې سره د متقابل احترام او سوداګرۍ پر بنسټ اړیکې پراخې کړې دي. د دې له املې، هیواد کولای شي د روسي غنمو له پاره یو باوري، اوږدمهاله او ستراتیژیک بازار واوسي.

د افغانستان نفوس ورځ تر بلې زیاتېږي او خوراکي اړتیاوي هم لوړېږي. اسلامي امارت د اسعارو د ثبات، د فساد د مخنیوي او د مالي نظم د رامنځته کولو له لارې یې هڅه کړې ده، چې د وارداتو مسیر با ثباته کړي. که څه هم د نړیوال بانکي سیستم محدودیتونه یو شمېر تخنیکي ننګونې را ولاړوي، خو د اسلامي امارت ابتکار او سیاسي اراده دا امکان زیاتوي، چې بدیل مالي میکانیزم – لکه د روبل پر اساس تجارت – پلی شي.

۳. له روسیې سره د روبل پر اساس تجارت، فرصتونه او ننګونې

روسیه، چې د لوېدیځو بندیزونو له املې د بدیلو مالي لارو لټولو ته اړ سوې ده، هڅه کوي له خپلو ستراتیژیکو شریکانو سره د روبل پر اساس تجارت پراخ کړي. افغانستان له یوې خوا د غنمو بازار دی او له بلې خوا له روسیې سره سیاسي تعامل لري. دا دواړه هیوادونه کولای شي د روبل پر بنسټ د غنمو واردات تنظیم کړي.

د روبل ارزښت کې نوسانات، افغانستان ته ممکن د وارداتي توکو قیمتونه د ډالر په پرتله ارزانه کړي. همداراز افغانستان کولای شي له روسیې سره د تبادلهیي تجارت له لارې خپلو صادراتو ته بازار پیدا کړي، لکه؛ غالۍ، زعفران، وچه میوه، درملیز نباتات او نور خام مواد. خو دغه ډول تجارت له یو لړ تخنیکي، حقوقي او سیاسي ننګونو سره هم مخ دی. افغانستان د نړیوالو مالي سیستمونو لکه؛ (SWIFT) برخه نه ده، د روبل رسمي حسابونه نه لري او د روبل - افغانیو تبادله هم ناپېژانده ده، چې دا کار تجارتي ریسک زیاتوي. همدا شان، تر هغو چې نړیوال مشروعیت پوره نشي، بهرني بانکونه له مستقیمو اړیکو ډډه کوي، چې دا خپله یوه سترې ستونزه ده.

۴. حلاري او سپارښتني

د منځګړي هیواد له لارې واردات: افغانستان کولای شي د قزاقستان، ازبکستان یا تاجکستان له لارې د روبل پر اساس غنم وارد کړي او له هغوی سره د ملي اسعارو یا نورو میکانیزمونو له مخې حساب وکړي.

تبادلهیي تجارت: (Barter system) افغانستان کولای شي د غنمو په مقابل کې روسیې ته غالۍ، زعفران، قیمتي ډبرې یا درملیز بوټي صادر کړي.

_**سیمهییز بانک یا مالي تفاهملیک**: د اسلامي امارت او روسیې ترمنځ د یوه ځانګړي بانک یا مالي مرکز پر جوړېدو خبرې؛ ترڅو د روبل حسابونه فعال سي.

_**خصوصي سکټور ته آسانتیاوې**: د سوداګرۍ خوندي چاپېریال، قانوني اسانتیاوې او د تخنیکي روزنې زمینه برابره شي، څو افغان خصوصي سکټور مستقیماً یا غیرمستقیماً له روسي شرکتونو سره کار وکړي.

پایله

د افغانستان او روسیې ترمنځ د روبل پر اساس د غنمو واردات نه یوازې یو اقتصادي ابتکار دی؛ بلکې یوه ستراتیژیکه اړتیا هم ګڼل کېدای شي. افغانستان، چې هر کال د غنمو د میلیونونو ټنو

وارداتو ته اړتیا لري، له نړیوالو بندیزونو او مالي منزوي‌توب سره سره کولی شي دا اړتیا له بدیلو لارو یې پوره کړي. روسیه له سیاسي اړخه یو همکار هیواد دی او د لوبدیځ له بندیزونو وروسته پخپله هم بدیلو مالي میکانیزمونو ته لېواله دی. د اسلامي امارت له لوري د اقتصادي نظم، فساد ضد تګلارو او د وارداتي انحصار د ماتولو هڅې دا فرصت نور هم عملي کوي.

خو له دې سره، د روبل پر اساس تجارت یوازې هغه مهال نتیجه ورکولای شي، چې له تخنیکي، مالي او حقوقي پلوه ورته مشخص چوکاټ جوړ شي. د روبل – افغانیو تبادلې نشتون، د (SWIFT) سیستم نشتون او د نړیوال مشروعیت محدودیتونه هغه ننګونې دي، چې د دې معاملې مخه نیولی شي. له همدې امله، د منځګړو هیوادونو لکه؛ (قزاقستان یا ازبکستان) له لارې واردات، د تبادلې‌یي تجارت سیستم، او د سیمه‌ییزو مالي تفاهم‌لیکونو ایجاد، هغه واقعي حللارې دي، چې د دې ستراتېژۍ پلي کېدل ممکن کوي.

په موازي ډول باید افغان خصوصي سکتور ته لازم حقوقي مصئونیت، بازار ته لاس‌رسی او تخنیکي اسانتیاوي برابري شي؛ ترڅو دا نوي تجارتي لاره مؤثره وکارول شي. په پایله کې د روبل پر اساس وارداتو نه یوازې د افغانستان د خوړو امنیت ته اوږدمهاله حل‌لاره برابروي؛ بلکې له سیاسي فشارونو خلاص سیمه‌ییز اقتصاد ته د هیواد یو هوښیار او خپلواک ګام ګڼل کېږي.





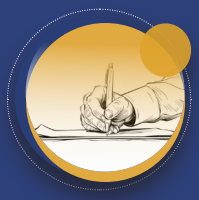
ماخذونه

۱. احمدي، عبدالبصیر. اقتصاد افغانستان در یک نگاه. کابل: انتشارات صدیقي، ۱۳۹۸.

۲. قریشی، محمدامین. بازارهای منطقه‌ای و اقتصاد مقاومتی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی، ۱۴۰۰.

۳. نعمت‌الله، عبدالرؤوف. افغانستان و اقتصاد بین‌الملل. مزارشریف: چاپخانه بلخ، ۱۳۹۷.

راهکارهای اقتصادی برای بازسازی و توسعه پایدار پس از جنگ



استاد عبدالظهور "مدبر"
استاد پوهنتون و آگاه مسایل اقتصادی

چکیده

بازسازی اقتصادی پس از جنگ، فرآیندی چند بعدی و تدریجی است که موفقیت آن تنها با بازسازی زیرساخت‌ها یا تخصیص منابع مالی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند اصلاحات نهادی، عدالت اجتماعی، آزادی اقتصادی و استقلالیت تصمیم‌گیری ملی است. این پژوهش با رویکرد کیفی- تحلیلی و مرور نظام‌مند منابع علمی، راهکارهای مؤثر در توسعه پایدار پس از جنگ را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هماهنگی میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، همراه با ثبات مالی، نهادهای شفاف، سرمایه‌گذاری مؤثر، تربیه کادرهای متخصص و متعهد و حفظ استقلالیت اقتصادی و سیاسی، از عوامل کلیدی موفقیت‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تقویت نهادهای بومی، خودکفایی، آزادی عمل اقتصادی و استقلال تصمیم‌گیری ملی، پایه‌های اعتماد عمومی و احیای تولید را استوار می‌سازد. در نتیجه، بازسازی پایدار بدون عدالت اجتماعی، آزادی، حاکمیت قانون و مشارکت مردم تحقق نمی‌یابد و باید با اهداف توسعه پایدار معیار های جهانی هم‌سو گردد.

واژه‌های کلیدی: بازسازی اقتصادی، توسعه پایدار، پساجنگ، سرمایه انسانی، حکمرانی شفاف

مقدمه

جنگ و منازعه، تأثیرات عمیق و چند بعدی بر حوزه اقتصادی کشورها دارند؛ نه تنها زیرساخت‌های فیزیکی را نابود می‌کنند، بلکه اعتماد اجتماعی، انسجام نهادی، و ظرفیت تولید ملی را نیز تضعیف می‌نمایند (دوگینتس و کولودکو، ۲۰۲۳). پایان درگیری مسلحانه به‌خودی‌خود به معنای ورود به دوره توسعه نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای پیچیده با عنوان «بازسازی و توسعه پساجنگ» است که در آن، بازگرداندن ثبات، احیای سرمایه انسانی و اجتماعی، و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی نوین از

اولویت‌های اصلی به شمار می‌آیند (گوناواردانا، تنتریگودا و کومارا، ۲۰۱۸).

بازسازی اقتصادی در جوامع پس از جنگ صرفاً بازگرداندن وضع پیشین نیست؛ بلکه هدف آن ایجاد ظرفیت‌های پایدار، تقویت بنیه داخلی و هدایت کشور به سمت مسیر توسعه پایدار است (جنسن، ۲۰۲۲). در این مسیر، سیاست‌های اقتصادی، شامل تحریک تولید، اشتغال‌زایی، جذب سرمایه خارجی مستقیم، بازسازی زیرساخت‌ها و توانمندسازی نیروی انسانی، نقش تعیین‌کننده دارند. به‌عنوان مثال، مطالعه‌ای نشان داده است، که جذب سرمایه خارجی مستقیم پس از جنگ می‌تواند باعث تقویت فرایند بازسازی اقتصادی و کاهش احتمال برگشت بحران شود (بک، لی و بیگلیزر، ۲۰۲۴).

توسعه پایدار پس از جنگ مستلزم آن است، که نه فقط رشد اقتصادی کوتاه‌مدت، بلکه ابعاد اجتماعی، محیطی و نهادی توسعه نیز مورد توجه قرار گیرد (سیمانگان، ۲۰۲۴). تجربیات کشورهای موفق در بازسازی پس از جنگ نشان می‌دهند که ایجاد توازن میان توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و ثبات سیاسی، مشارکت فعال مردم، شفافیت مدیریتی، حمایت از بخش خصوصی و همکاری بین‌المللی، از عوامل تسهیل‌کننده هستند. (ابوشاله و حاج اسماعیل، ۲۰۲۲).

با توجه به این مبنا، این پژوهش در نظر دارد تا راهکارهای اقتصادی مؤثر برای بازسازی و توسعه پایدار پس از جنگ را از منظر نظری و تجربی نمایان کند و الگویی کاربردی برای کشورهایی که از تبعات جنگ رنج‌برده‌اند، ارائه دهد.

فریضه تحقیق

فرضیه اصلی

بازسازی اقتصادی موفق و توسعه پایدار پس از جنگ تنها زمانی امکان‌پذیر است که سه بُعد اصلی توسعه، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به صورت هماهنگ و یکپارچه با موجودیت آزادی و استقلالیت مورد توجه قرار گیرند و سیاست‌های اقتصادی با اصلاحات نهادی، تقویت سرمایه انسانی و مشارکت جامعه همراه باشد.

فرضیه‌های فرعی

- وجود نهادهای کارآمد و شفافیت در حکمرانی، باعث تسریع فرآیند بازسازی اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود.
- سرمایه‌گذاری در آموزش، اشتغال و توسعه انسانی، نقش کلیدی در پایداری اقتصادی و اجتماعی پس از جنگ دارد.
- رعایت اصول توسعه پایدار و مدیریت منابع طبیعی، از باز تولید نابرابری و بحران‌های محیط‌زیستی جلوگیری می‌کند.
- هماهنگی برنامه‌های بازسازی با اهداف توسعه پایدار مطابق معیار های جهانی با داشتن آزادی و استقلالیت، باعث ارتقای صلح پایدار و رشد بلندمدت اقتصادی می شود.

مرور ادبیات یا پیشینه پژوهش

بازسازی اقتصادی پس از جنگ یکی از چالش‌برانگیزترین مراحل در فرآیند گذار از منازعه به صلح پایدار است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که موفقیت این فرآیند وابسته به تعامل متوازن میان سیاست‌های اقتصادی، ثبات نهادی و توسعه انسانی است (جنسن، ۲۰۲۲). در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران از صرف بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی به سمت تقویت ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی



معطوف شده است (سیمانگان، ۲۰۲۴).

مطالعه دوگینتس و کولودکو (۲۰۲۳) درباره بازسازی اقتصادی اوکراین پس از جنگ نشان می‌دهد که بازسازی پایدار نیازمند رویکردی چندسطحی است که شامل مدیریت کارآمد منابع، شفافیت مالی و اصلاحات ساختاری در نظام حکمرانی می‌باشد. این پژوهش بر اهمیت پیوند میان سیاست‌های اقتصادی و ثبات اجتماعی تأکید دارد. به‌طور مشابه، ابوشاله و حاج اسماعیل (۲۰۲۲) با بررسی تجربه سوریه، به این نتیجه رسیده‌اند که بازسازی مؤثر بدون تقویت تاب‌آوری روستایی و مشارکت جامعه محلی در فرآیند تصمیم‌گیری امکان‌پذیر نیست. در مطالعات جدیدتر، تأکید ویژه‌ای بر نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در بهبود شرایط اقتصادی پس از جنگ دیده می‌شود. پژوهش بک، لی و بیگلیزر (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که ورود سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند به افزایش اشتغال، انتقال فناوری و تقویت صلح پایدار کمک کند، به شرطی که چارچوب‌های نهادی شفاف و امنیت اقتصادی برقرار باشد. از سوی دیگر، گوناواردانا، تنتریگودا و کومارا (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند

که بازسازی پس از جنگ باید بر اصول توسعه پایدار متکی باشد؛ یعنی علاوه بر رشد اقتصادی، باید ملاحظات زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی نیز رعایت شود. آن‌ها در مطالعه‌ای درباره سریلانکا نشان دادند که بی‌توجهی به پایداری منابع طبیعی می‌تواند منجر به بازتولید منازعات در آینده گردد.

پژوهش‌های اخیر همچنین به اهمیت «صلح مثبت» در برابر «صلح منفی» اشاره دارند؛ به این معنا که بازسازی واقعی زمانی تحقق می‌یابد که نهادهای اقتصادی، آموزشی و اجتماعی توانایی پیشگیری از بروز مجدد خشونت را داشته باشند (سیمانگان، ۲۰۲۴). این دیدگاه با یافته‌های جنسن (۲۰۲۲) همسو است که در تحلیل خود از داده‌های چند کشور پسادرگیری نشان داد ثبات اقتصادی در بلندمدت بدون اصلاح ساختارهای نهادی و مقابله با فساد دوام نخواهد داشت.

جمع‌بندی مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ادبیات علمی پس از (۲۰۱۵) بر چند محور کلیدی در بازسازی اقتصادی پس از جنگ تأکید دارد:

- ایجاد نهادهای کارآمد و شفاف برای مدیریت منابع و بازسازی؛
- تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی برای بازگشت اعتماد عمومی؛
- جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای احیای تولید؛
- تلفیق اصول توسعه پایدار در سیاست‌های بازسازی؛
- مشارکت مردم و جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌های بازسازی.

این مباحث پایه نظری و تجربی پژوهش حاضر را شکل می‌دهند و نشان می‌دهند که بازسازی اقتصادی مؤثر مستلزم نگرشی جامع، چندبعدی و پایدار است که فراتر از رویکردهای صرفاً فنی یا کوتاه‌مدت می‌رود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل راهکارهای اقتصادی مؤثر در بازسازی و توسعه پایدار پس از جنگ انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع، این تحقیق از نوع کیفی - تحلیلی بوده و بر اساس مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

۴.۱ رویکرد و طرح پژوهش

این پژوهش از رویکرد توصیفی- تحلیلی پیروی می‌کند. به این معنا که نخست داده‌ها و شواهد مرتبط از پژوهش‌های علمی، گزارش‌های رسمی و اسناد بین‌المللی گردآوری شده و سپس از طریق تحلیل تطبیقی میان تجربه‌های کشورهای مختلف پساجنگ، به استنتاج راهکارهای اقتصادی مناسب پرداخته می‌شود.

۴.۲ جامعه و منابع ارقام

جامعه پژوهش شامل مطالعات و گزارش‌های علمی منتشرشده بین سال‌های (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴) در حوزه‌های بازسازی اقتصادی، توسعه پایدار و سیاست‌گذاری پساجنگ است. منابع داده شامل موارد زیر هستند:

- مقالات علمی منتشرشده در پایگاه‌های معتبر مانند ScienceDirect, Taylor & Francis, SpringerLink, JSTOR)؛
- گزارش‌های توسعه‌ای سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)؛
- مطالعات موردی کشورهای افغانستان، اوکراین، سوریه، روآندا و بوسنیا که در دوران پساجنگ سیاست‌های اقتصادی بازسازی را تجربه کرده‌اند.

۴.۳ ابزار گردآوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مرور نظام‌مند منابع (Systematic Literature Review) استفاده شده است. در این روش، منابع مرتبط بر اساس کلیدواژه‌هایی مانند (post-war reconstruction, economic recovery, sustainable development, و peacebuilding economics) جستجو و غربال شدند. تنها مقالات دارای داوری علمی (peer-reviewed) و منتشرشده پس از سال (۲۰۱۵) انتخاب شدند تا اعتبار یافته‌ها تضمین گردد.

۴.۴ روش تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) بررسی شدند. در این فرآیند، مضامین کلیدی مرتبط با راهکارهای اقتصادی در سه محور اصلی استخراج شدند:

- سیاست‌های کلان اقتصادی و مالی در بازسازی؛
- نقش نهادها و ساختارهای حکمرانی در توسعه پایدار؛
- نقش سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی و توسعه انسانی در تثبیت صلح اقتصادی.

این مضامین سپس با مطالعات موردی کشورهای مختلف مقایسه شدند تا شباهت‌ها، تفاوت‌ها و عوامل موفقیت یا ناکامی مشخص گردد.

۴.۵ اعتبار و روایی پژوهش

برای اطمینان از اعتبار یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی منابع (Source Triangulation) استفاده شده است؛ یعنی داده‌ها از چند منبع مستقل گردآوری و با هم تطبیق داده شدند. همچنین، در انتخاب منابع، معیارهایی همچون تازگی منابع، میزان استناد (citation frequency) و اعتبار ناشر (academic credibility) رعایت گردید.

۴.۶ محدودیت‌های پژوهش

این مطالعه به دلیل ماهیت کیفی خود محدود به تحلیل داده‌های ثانویه بوده و فاقد داده‌های میدانی یا آماری دقیق از کشورهای خاص است. با این حال، جامعیت منابع و رویکرد تطبیقی، تصویری قابل اعتماد از روندها و الگوهای بازسازی اقتصادی پس از جنگ ارائه می‌دهد.

یافته‌ها و بحث

نتایج حاصل از بررسی مطالعات اخیر نشان می‌دهد که بازسازی اقتصادی در جوامع پساجنگ، فرآیندی چندبعدی و پیچیده است که موفقیت آن به هم‌زمانی سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات نهادی، ثبات سیاسی و اراده قدرت های جهانی وابسته است (جنسن، ۲۰۲۲). در این بخش، یافته‌های پژوهش در پنج محور اساسی تحلیل می‌گردد که هر یک نقشی کلیدی در شکل‌دهی به توسعه پایدار پس از جنگ دارند.

۵.۱ ثبات اقتصادی و سیاست‌های کلان مالی

یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های بازسازی اقتصادی، برقراری ثبات مالی و پولی است. مطالعات نشان داده‌اند که کشورهایی که توانسته‌اند تورم را کنترل کرده، میزان مفاد را متعادل سازند و سیستم مالی خود را بازسازی کنند، سریع‌تر به رشد اقتصادی رسیده‌اند (دوگینتس و کولودکو، ۲۰۲۳). به‌عنوان مثال، تجربه رواندا پس از نسل‌کشی نشان داد که سیاست‌های مالی منضبط و تمرکز بر بازسازی بخش کشاورزی، زمینه‌ساز رشد پایدار شد. همچنین، پژوهش بک، لی و بیگلیزر (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که بی‌ثباتی مالی پس از جنگ مانع ورود سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود.

۵.۲ نقش نهادها و حکمرانی شفاف در بازسازی

تحلیل منابع نشان داد که نهادهای اقتصادی کارآمد و شفافیت در مدیریت منابع، از مؤلفه‌های اصلی موفقیت در بازسازی محسوب می‌شوند. کشورهای دارای نهادهای ضعیف و فساد گسترده معمولاً با تأخیر یا شکست در اجرای برنامه‌های بازسازی روبه‌رو شده‌اند (سیمانگان، ۲۰۲۴). تجربه کشور های مقتدر اقتصادی نشان داده است که با داشتن آزادی و استقلایت، رهبریت سیاسی سلیم و اصلاحات ضد فساد و تمرکززدایی مالی می‌تواند مسیر

بازسازی اقتصادی را تقویت کند (دوگینتس و کولودکو، ۲۰۲۳).

۵.۳ سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بازسازی اقتصادی

سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، یکی از محرک‌های اصلی در اقتصادهای پساجنگ است. پژوهش بک، لی و بیگلیزر (۲۰۲۴) بیان می‌کنند که حضور سرمایه‌گذاران خارجی، علاوه بر ورود سرمایه، باعث انتقال دانش فنی، ایجاد اشتغال و ارتقای زیرساخت‌ها می‌شود. با این حال، جذب سرمایه‌گذاری در کشورهای پساجنگ نیازمند چارچوب قانونی روشن، ثبات امنیتی و تضمین مالکیت خصوصی، رعایت اصول اخلاقی، انصاف و عدالت است. در صورت نبود این شرایط، سرمایه‌گذاری خارجی حتی می‌تواند به نابرابری و فساد دامن بزند (ابوشاله و حاج اسماعیل، ۲۰۲۲).

۵.۴ توسعه انسانی و اجتماعی به‌عنوان پایه صلح پایدار

یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش، نقش توسعه انسانی در پایداری اقتصادی است. آموزش، بهداشت و اشتغال‌زایی، عوامل مهم بازسازی جوامع آسیب‌دیده از جنگ‌اند. مطالعات گوناواردانا، تنتریگودا و کومارا (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که برنامه‌های بازسازی که به آموزش نیروی کار و احیای ظرفیت‌های محلی توجه کرده‌اند، نسبت به طرح‌هایی که صرفاً زیرساخت فیزیکی را هدف قرار داده‌اند، نتایج پایدارتری داشته‌اند. علاوه بر این، سیمانگان (۲۰۲۴) مفهوم «صلح مثبت» را مطرح می‌کند که در آن توسعه انسانی و عدالت اجتماعی دو رکن اصلی بازسازی پایدار به‌شمار می‌روند.

۵.۵ توسعه پایدار و ملاحظات محیط‌زیستی در بازسازی

توسعه پساجنگ در صورتی پایدار است که اصول محیط‌زیستی رعایت گردد. در بسیاری از کشورها، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی پس از جنگ منجر به ناپایداری اقتصادی و اجتماعی شده است. پژوهش گوناواردانا و همکاران (۲۰۱۸) بر اهمیت مدیریت پایدار زمین و منابع طبیعی در بازسازی تأکید دارد. برنامه‌های بازسازی باید با ارزیابی اثرات زیست‌محیطی همراه باشند تا از تکرار آسیب‌های ساختاری و بازتولید نابرابری جلوگیری شود.

بحث کلی

برآیند یافته‌ها نشان می‌دهد که بازسازی اقتصادی پس از جنگ نه‌تنها نیازمند سرمایه و منابع مالی است، بلکه به کادر های متخصص و متعهد، آزادی و استقلالیت، عدالت اجتماعی، برادری و برابری، حاکمیت قانون و مشارکت مردمی نیز وابسته است. مودل‌های موفق بازسازی، نشان می‌دهند که سیاست‌های جامع، شفاف و مردم‌محور بیشترین تأثیر را در تثبیت اقتصاد و جلوگیری از بازگشت به منازعه دارند. همچنین، اراده مثبت قدرت های جهانی، همگرایی سیاست‌های اقتصادی با اهداف توسعه پایدار با نورم های جهانی، می‌تواند تضمین‌کننده رشد بلندمدت و صلح پایدار باشد. این امر مستلزم آن است که دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در برنامه‌های بازسازی، نگرش توسعه پایدار و عدالت اجتماعی را جایگزین رویکرد صرفاً فنی و کوتاه‌مدت کنند (سیمانگان، ۲۰۲۴؛ جنسن، ۲۰۲۲).

نتیجه‌گیری

بازسازی اقتصادی پس از جنگ، فرآیندی چندبُعدی و تدریجی است که تنها با تخصیص منابع مالی یا بازسازی زیرساخت‌ها تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند اصلاحات نهادی، عدالت اجتماعی، اعتماد عمومی، آزادی اقتصادی، استقلالیت ملی و سیاست‌های پایدار اقتصادی است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که موفقیت در بازسازی اقتصادی زمانی امکان‌پذیر است که سه بُعد اصلی توسعه، یعنی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، به‌صورت هماهنگ و یکپارچه دنبال شوند (سیمانگان، ۲۰۲۴). تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که ایجاد ثبات اقتصادی، مدیریت

شفاف منابع، تقویت سرمایه‌گذاری انسانی و وجود رهبریت سیاسی سلیم و مستقل، نقش تعیین‌کننده‌ای در احیای تولید، اشتغال و اعتماد عمومی داشته است (دوگینتس و کولودکو، ۲۰۲۳؛ جنسن، ۲۰۲۲). برعکس، کشورهایی که پس از پایان جنگ تنها به بازسازی فیزیکی پرداختند و اصلاحات نهادی، آزادی و استقلال تصمیم‌گیری ملی را نادیده گرفتند، معمولاً با بازگشت ناپایداری سیاسی و نابرابری اجتماعی مواجه شدند (بک و همکاران، ۲۰۲۴).

بر اساس مرور ادبیات، توسعه پایدار پس از جنگ نه تنها به معنای بازسازی اقتصادی است، بلکه بازسازی انسان و جامعه نیز به شمار می‌رود؛ آموزش، اشتغال جوانان، عدالت اجتماعی، آزادی و حاکمیت قانون، پایه‌های اصلی جلوگیری از بازتولید منازعه و تضمین صلح پایدار هستند (گوناواردانا و همکاران، ۲۰۱۸).



پیشنهادات

با توجه به یافته‌های این مطالعه، پیشنهادهای زیر می‌تواند برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بازسازی اقتصادی پس از جنگ مفید باشد:

• تقویت نهادهای حکمرانی و شفافیت مدیریتی: تقویت نهادهای کارآمد، پاسخ‌گو و مبارزه با فساد برای جلب اعتماد عمومی و جذب سرمایه حیاتی است.

• توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی: سرمایه‌گذاری در آموزش، مهارت‌آموزی، اشتغال جوانان و مشارکت فعال جامعه محلی، همراه با تربیه کادرهای متخصص، متعهد، خداپرست و با وجدان کاری، از ارکان اساسی بازسازی پایدار به‌شمار می‌رود.

• جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی با چارچوب قانونی روشن: تضمین امنیت، ثبات اقتصادی و حفظ حقوق مالکیت خصوصی برای ارتقای بهره‌وری و اعتماد سرمایه‌گذاران ضروری است.

• ادغام اصول توسعه پایدار در سیاست‌های بازسازی: مدیریت خردمندانه منابع طبیعی و رعایت ملاحظات زیست‌محیطی باید بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های ملی باشد تا از بازتولید نابرابری و منازعات جلوگیری گردد.

• رهبریت سیاسی سلیم و استقلال تصمیم‌گیری ملی: هدایت فرایند بازسازی نیازمند رهبری آگاه، مستقل و مبتنی بر منافع ملی است و باید حمایت گردد.



منابع و ماخذ

1. Aboushala, M., & Haj Ismail, S. (2022). Post-war rural resilience as a development strategy in theory and practice. TRC Journal of Humanitarian Action, 1)1).

2. Bak, D., Lee, H., & Biglaiser, G. (2024). The role of foreign direct investment in post-conflict economic recovery and peace-building. Foreign Policy Analysis, 1)21).

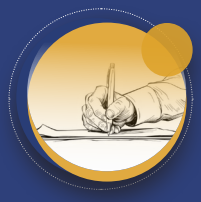
3. Duginets, G., & Kolodko, N. (2023). Economic recovery and development of countries after armed conflicts: Experience for Ukraine. Foreign Trade: Economics, Finance, Law, (130).

4.Gunawardana, H., Tantrigoda, D. A., & Kumara, U.A. (2018). Integrating sustainable land management for post-conflict economic recovery. Asian Development Policy Review, 3)6).

5. Jensen, L. (2022). Peacekeeping and economic recovery from conflict. Peace Economics, Peace Science and Public Policy, 2)28).

6. Simangan, D. (2024). Post-growth peacebuilding. Review of International Studies

تأثیر فقر و بیکاری بر سلامت روان جوانان



پوهیالی نورالله مجاهد

چکیده

افغانستان طی سال‌های گذشته با چالش‌های اقتصادی گسترده ی مانند کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش فقر رو به رو بوده که فقر و بیکاری در افغانستان نه تنها مشکلات اقتصادی ایجاد کرده بلکه این وضعیت فشار روانی زیادی بر نسل جوان وارد نموده است و مشکلاتی مانند اضطراب، افسردگی، ناامیدی و کاهش انگیزه، عزت نفس و انزوای اجتماعی را افزایش داده است، این مقاله با بررسی علمی، اقتصادی و اجتماعی، ارتباط میان فقر، بیکاری و سلامت روان جوانان افغانستان پرداخته و عوامل تشدیدکننده و راهکارهای ممکن را تحلیل می‌کند.

کلید واژگان: فقر ،بیکاری، سلامت روان ، جوان.

مقدمه

جمعیت افغانستان عمدتاً جوان است و بیش از ٪۶۳آن زیر ۲۵ سال سن دارند.(سازمان ملل متحد UN) نقش این نسل در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بسیار مهم است، کاهش سرمایه‌گذاری، ضعف زیرساخت‌ها و نبود امنیت شغلی در گذشته باعث شده بود بخش بزرگی از جوانان از فرصت‌های اقتصادی محروم شوند، گرچه با روی کار آمدن نظام امارت اسلامی با ایجاد سرمایه گذاری در پروژه های بزرگ ملی، زمینه کار را برای بسیاری از جوانان فراهم نموده که تا حدودی مشکلات موجود را مرفوع نموده است، فقر و بیکاری تنها مسایل اقتصادی نیست، بلکه پیامدهای عمیقی بر سلامت روانی جوانان برجا می‌گذارد که نیازمند زمان است تا این مشکلات به طور دایم حل گردد.

بیکاری: به وضعیتی گفته می‌شود که فرد فعال در سن کار، توانایی و تمایل به کار دارد، اما شغل مناسب پیدا نمی‌کند.

سلامت روان: به وضعیتی گفته می‌شود که در آن فرد توانایی درک خود و محیط، مدیریت هیجانات، برقراری روابط مؤثر و سازگار شدن با فشارها و چالش‌های زندگی را داشته باشد و از نظر روانی احساس رفاه و رضایت کند.

جوان :به فردی گفته می‌شود که بین کودکی و بزرگسالی قرار دارد و معمولاً از نظر جسمی، روانی و اجتماعی در مرحله رشد و آمادگی برای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و اقتصادی است.

مفهوم فقر: وضعیتی است که در آن فرد یا خانواده قادر به تأمین

نیازهـای اساسـی زندگـی ماننـد غـذا، مسـکن و لبـاس نیسـت.

در دیـن مقـدس اسلام فقـر بـه خـودیِ خـود هـدف یـا ارزش مطلـوب نیسـت، امـا در عیـنِ وجـود مشـکلات اقتصـادی، نحـوه برخـورد بـا فقـر و فقـرا اهمیـت دینـی، اخلاقـی و اجتماعی بسـیار بالایـی دارد ومسـلمان بایـد بـا در نظـر داشـت مـوارد ذیـل خـود را از افسردگـی ، مشـکلات روانـی ناشـی از فقربرهـا نـد بـه آن خـود را آمـاده سـازد.

۱- فقـر امتحـان الهـی اسـت، نـه نشـانه خـواری :اسلام فقـر و غنـا را وسـیله آزمـون می‌دانـد، نـه معیاربرتـری و کرامـت انسـان..:﴿وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾(انبیـاء: ۳۵) (وامتحانـا شمارا بـه خیـر وشر آزمایـش میکنیـم)یعنـی فقـر هماننـد ثـروت یـک آزمایـش اسـت نـه نشـانه غضـب الهـی.

۲- فقـر باعـث تقویـت صبر، تـوکل و اخلاص می‌شـود:در شرایـط سـخت اقتصـادی، مؤمـن بـه خـدا بیـشتر پنـاه می‌بـرد و روح عبودیـت تقویـت می‌شـود .

۳- فقـر زمینـه‌ی اجـر بـزرگ در آخـرت اسـت: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : « يَدْخُلُ فُقَرَاءُ الْمُسْلِمِينَ الْجَنَّةَ قَبْلَ أَغْنِيَائِهِمْ بِنِصْفِ يَوْمٍ، وَهُوَ خَمْسُمِائَةِ عَامٍ «.رواه ترمذی (ابي هريره رضی الله عنه روایـت مـي کنـد کـه پیـامبر ﷺ فرمودنـد: داخـل مـی شـوند مسـلمانان فقیـر بـه بهشـت پیـش از سرمایه داران مسـلمان نصـف روز، وآن عبـارت از پنجصـد سـال اسـت).علما گفته‌انـد: علـت آن کـم بـودن حسـاب و وابسـتگی کـمتر بـه دنیـا اسـت.

۴- فقـر مسـئولیت اجتماعـی را برجسـته می‌سـازد:اسلام فقـر را تنهـا مشـکل فـردی



نمی‌داند، بلکه مسئولیت جامعه اسلامی می‌شمارد.﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾(ذاریات: ۱۹) (ودراموال مسلمانان با تقوا حق واجب ومستحب است برای نیازمندان که سوال(گدای) میکنند ویا گدای نمی کنند).

۵- فقر نباید به ترک تلاش اقتصادی منجر شود:اسلام عزیز فقر را تحمل می‌کند ولی تشویق می نماید که کار حلال حتی اگر سخت باشد باعث عزت نفس و استقلال روانی می شود فقر وبی کاری می‌تواند ذلت، ناتوانی و کاهش اعتماد به نفس ایجاد کند که از عوامل مهم اختلالات روانی است، پیامبر ﷺ فرمودند: کسب روزی حلال برای هر مسلمان واجب است .

اما اسلام در عین حال که بیان فضایل صبر بر فقر وبیکاری را بیان میکند ، نسبت به خطرات آن هشدار می‌دهد. ودر حدیث آمده که پیامبر ﷺ فرمودند:«كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْراً»علما گفته‌اند: اگر فقر با جهل، ناامیدی و اعتراض به تقدیر همراه شود، خطرناک بوده که منجر به نا سلامتی روان، خود کشی ، فروش اولاد، وانواع مختلف اعمال خلاف میگردد .

۱. اثرات فقر و بیکاری بر سلامت روان برخی از جوانان

۱-۱. افسردگی: کمبود درآمد و احساس عدم کنترول بر زندگی، یکی از عوامل اصلی افسردگی در میان بسیاری از جوانان است. عده ای از جوانان گزارش می‌دهند که احساس «بی‌ارزشی» یا «بی‌هدف بودن» می‌کنند.

۱-۲. اضطراب و استرس مزمن: در روانشناسی اجتماعی، فقر عامل «استرس مزمن» است. عدم اطمینان نسبت به آینده، مشکلات اقتصادی خانواده، فشار اجتماعی وخصوصا طعن بسیاری از افراد جامعه افغانی مبنی بر نداشتن شغل برای تأمین مخارج زندگی با وجود داشتن تحصیلات عالی موجب بروز افسردگی، اضطراب، ایجاد استرس دائمی و پیری زود هنگام نظیر سفیدی موی وریزش موی وغیره که در بسیاری از جوانان به وضوح دیده می‌شود شده است .

۱-۳. کاهش اعتماد به نفس: کار علاوه بر درآمد، عنصر هویت و عزت نفس است، وقتی جوانان با وجود تلاش نمی توانند کار پیدا کنند، این بیکاری طولانی موجب کاهش



اعتماد به نفس، احساس بی ارزشی و بی هدف بودن میشود که از عوامل اصلی اختلالات روانی است.

۱-۴. مهاجرت ذهنی یا واقعی: بسیاری به فکر ترک کشور می‌افتند، اما چون توان مالی ندارند، به «مهاجرت ذهنی» روی می‌آورند؛ یعنی از جامعه جدا می‌شوند و خود را بیگانه احساس می‌کنند.

۱-۵. افزایش رفتارهای نظیر پرخاش کردن، اعتیاد، خشونت، رفتارهای ضد اجتماعی، این‌ها معمولاً از ناامیدی، فشار اقتصادی و نبود فرصت‌های سالم اجتماعی سرچشمه می‌گیرد.

۲. عوامل تشدیدکننده مشکلات روانی

۲-۱. نبود خدمات صحی روانی: افغانستان سیستم روان درمانی گسترده و مجهز ندارد و بسیاری از جوانان حتی از مشکلات روانی خود آگاهی ندارند .

۲-۲. فشار خانواده و جامعه:انتظارخانواده برای تأمین معیشت، ازدواج و حمایت از خانواده در نبود کار باعث افزایش فشار روانی برخی جوانان می‌شود.

۳. پیامدهای اجتماعی بیکاری و فقر بر جوانان

در موجودیت فقر ونبود کار برا ی جوانان پیامد های نظیر: کاهش مشارکت اجتماعی، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی، کاهش انگیزه برای تحصیل، گسترش کارهای غیرقانونی، مهاجرت‌های خطرناک (رفتن به مسیرهای قاچاق) به وجود می آید که این پیامدها نه تنها جوانان را، بلکه ساختار خانواده وجامعه را نیز تضعیف می‌کند.شایان ذکر است که در طی چند سال اخیر با حمایت فقرا وخانواده آنها از طرف نهاد های مسول امارتی در زمینه واجاد شغل برای بسیاری از جوانان جلو چنین پیامد ها گرفته شده است .

۵. راهکارها و پیشنهادات

۵-۱. ایجاد برنامه‌های مهارت‌آموزی: افزایش دوره‌های فنی‌حرفه‌ای، تکنالوژی، زراعت مدرن، تعمیرات موبایل، برق‌کاری، نجاری، حجاری ، صنایع دستی وغیره از طرف سر مایه گذاران ملی .

۵-۲. تقویت کارآفرینی خورد: حمایت از کسب وکارهای کوچک باقرضه‌های بدون بهره، آموزش مدیریت مالی، حمایت از تولیدات داخلی وغیره.



۵-۳. توجه به سلامت روان: ایجاد مراکز روان درمانی ، مشاوره در مدارس ، مکاتب و دانشگاه‌ها، آموزش خانواده‌ها درباره اهمیت سلامت روان، با استفاده از علمای دین، روانشناسان و مشاوران محلی.

۵-۴. استفاده از تکنالوژی برای ایجاد اشتغال :بسیاری از جوانان با استفاده از تلیفون هوشمند و اینترنت می‌توانند کارهای آنلاین انجام دهند، طراحی گرافیک، آموزش آنلاین، تجارت آنلاین، تولید محتوا وغیره.

۵-۵. برنامه‌های حمایتی برای خانواده‌های فقیر: حمایت نقدی، غذایی، و ایجاد شغل از طرف نهادهای خیر می‌تواند فشار روانی بسیاری از جوانان وخانواده ها راکاهش دهد.

۵.٦. تشویق سرمایه داران جامعه اسلامی به پرداخت صدقه و زکات برای حمایت از وخانواده های نیازمند، تشویق جوانان به کار و تلاش حلال از طریق آموزشهای دینی قسمیکه قبلا تذکر داده شد.

نتیجه‌گیری

فقر و بیکاری از بزرگ‌ترین چالش‌های نسل جوان بوده که از دید ایمان وتوکل به تقدیر الهی به آن دیده نشود مستقیماً سلامت روان بسیاری از جوانان را تهدید می‌کند. مشکلات روانی تنها جنبه فردی ندارد؛ بلکه بر آینده اجتماعی و اقتصادی کشور نیز اثرگذار است. برای مواجهه با این بحران، لازم است خانوادها ،علمای اسلامی ، روان شناسی و جامعه شناسی ، سیاست گذاران دولت ، نهادهای محلی و بین‌المللی، و خود جوانان به‌گونه مشترک در ایجاد فرصت‌های بشتر شغلی، حمایت‌های روانی و تقویت مهارت‌ها اقدام کنند، یعنی مقابله با این بحران نیازمند رویکرد جامع دینی، اقتصادی، اجتماعی و روانی است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. سنن ترمزی
۳. سازمان جهانی صحت –گزارش‌های سلامت روان
٤. مقالات علمی حوزه روانشناسی اجتماعی و فقر
۵. سازمان بین‌المللی کار



گام‌های ضروری برای توسعه اقتصادی در افغانستان



احمد فردوس بهگزین
آگاه مسایل اقتصادی

مقدمه

افغانستان به‌عنوان کشوری با منابع طبیعی غنی، موقعیت استراتژیک و نیروی کار جوان، ظرفیت بالایی برای رشد اقتصادی دارد. با این حال، سال‌ها جنگ، ناامنی، فساد اداری و کمبود زیرساخت‌های اساسی، توسعه اقتصادی این کشور را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. برای دستیابی به ثبات و پیشرفت پایدار، برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت کارآمد و همکاری بین‌المللی ضروری است. در این مقاله، گام‌های اساسی برای توسعه اقتصادی افغانستان جاداده شده است.

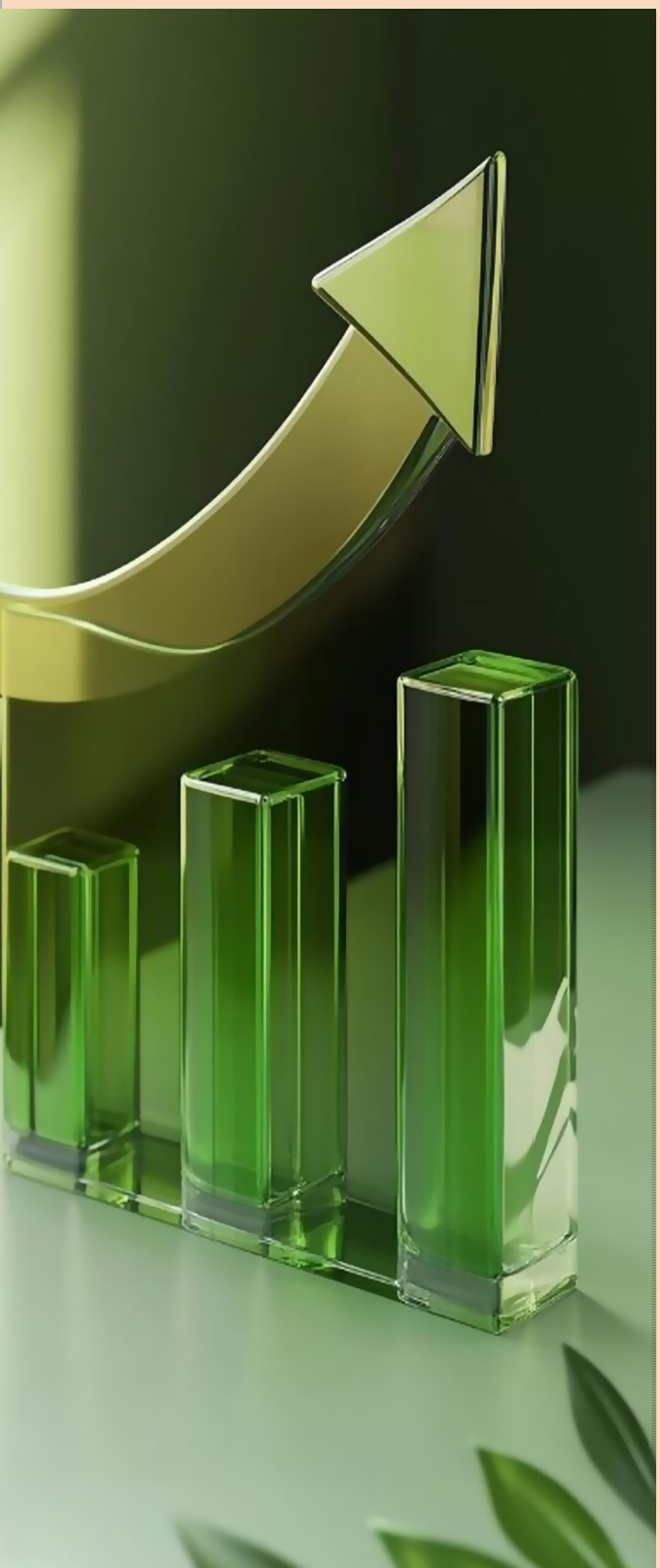
۱. توسعه زیرساخت‌های اساسی

توسعه زیرساخت‌های اساسی یکی از ارکان اصلی پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در هر کشوری محسوب می‌شود. در افغانستان، کمبود زیرساخت‌های مناسب در حوزه‌های حمل‌ونقل، انرژی، آب، ارتباطات و صحت، همواره به‌عنوان یکی از موانع بزرگ در مسیر توسعه پایدار شناخته شده است. این کشور با وجود داشتن منابع طبیعی غنی و موقعیت استراتژیک، به دلیل سال‌ها جنگ و ناامنی، نتوانسته است زیرساخت‌های مدرن و کارآمدی را ایجاد کند. در این بخش، به‌طور جامع و دقیق به بررسی وضعیت زیرساخت‌های افغانستان، چالش‌های موجود، راهکارهای عملی و برنامه‌های آینده برای بهبود این بخش پرداخته می‌شود.

• احداث جاده‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل

بهبود مسیرهای تجاری به کشورهای همسایه مانند پاکستان، ایران و کشورهای آسیای میانه.

به هر پیمانه که مسیر انتقالات تجاری مناسب باشد به همان اندازه میتوانیم در سرعت انتقالات اجناس تجاری نتیجه خوب بگیریم، زیرا در بخش لوجیستیک مهم ترین موضوع، به موقع رسیدن و رساندن اجناس به محل



درخواست است. زیرا میتواند این درخواست در بخش طبابت باشد که اگر به موقع نرسد جان انسان ها در خطر باشد. بناءً احداث جاده ها، خطوط آهن و دیگر مواصلات یک امر بسیار ضروری و مهم در عرصه توسعه تجاری برای کشور عزیزمان به حساب میرود. فراموش نکنیم که احداث این موارد همچنان میتواند در بخش اشتغال حایز اهمیت باشد زیرا برای آبادانی و ساز و ساخت به نیروی انسانی و کاری نیازمند هستیم و این امر باعث میشود تعداد کثیری از جوانان ما به کار گماشته شوند و ازین طریق برای خود و فامیل خود امرار معیشت را فراهم نمایند.

• توسعه انرژی و برق

بهره‌برداری از منابع آبی، بادی و خورشیدی برای تولید برق پایدار.

افغانستان با وجود داشتن امکانات بالای تولید انرژی از منابع آبی، خورشیدی و بادی، هنوز با کمبود شدید برق مواجه است. تنها حدود (۳۰٪) از جمعیت به برق دسترسی دارند و بخش عمده آن از طریق واردات از کشورهای همسایه مانند تاجیکستان و ازبکستان تأمین می‌شود. این وابستگی نه‌تنها هزینه‌های گزافی را به دولت تحمیل می‌کند، بلکه در مواقع تنش‌های سیاسی، باعث قطعی‌های گسترده می‌شود. برای حل این مشکل، افغانستان باید روی توسعه نیروگاه‌های آبی مانند سدهای کجکی و سلما سرمایه‌گذاری کند، چراکه رودخانه‌های پر آبی مانند هلمند و کابل توانایی تولید هزاران مگاوات برق را دارند. همچنین، با توجه به میانگین (۳۰۰) روز آفتابی در سال، توسعه انرژی خورشیدی در مناطق مرکزی و جنوبی می‌تواند یک راهکار سریع و کم مصرف باشد. علاوه بر این، مناطق کوهستانی شمال و غرب افغانستان برای احداث توربین‌های بادی مناسب هستند که می‌توانند به شبکه ملی برق متصل شوند. برای تحقق این اهداف، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی ضروری است. پروژه‌هایی مانند خط انتقال کاسا (۱۰۰۰) که قرار بود برق را از آسیای میانه به جنوب آسیا منتقل کند، می‌تواند در صورت تکمیل، به افغانستان کمک کند تا هم از حق ترانزیت سود ببرد و هم بخشی از برق را برای مصرف داخلی تأمین کند. همچنین، دولت باید با ارائه خدمات دولتی و معافیت‌های مالیاتی، بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاری در انرژی تجدیدپذیر تشویق کند. در بلندمدت، اگر افغانستان بتواند تنها (۵۰٪) از پتانسیل انرژی آبی و خورشیدی خود را فعال کند، نه‌تنها می‌تواند نیاز داخلی را برطرف سازد، بلکه می‌تواند به یک صادرکننده برق در منطقه تبدیل شود و درآمد پایدار ایجاد کند.

۲. تقویت بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری

اقتصاد افغانستان نیازمند حضور فعال بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. راهکارهای مؤثر عبارتند از:

تقویت بخش خصوصی و جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی یکی از پایه های اساسی پیشرفت اقتصادی کشور عزیز ما به شمار میرود. برای بدست آوردن این هدف باید مسئولان فضای کسب و کار را بهتر ساخته و همچنان معافیت های مالیاتی را برای سرمایه گذاران مد نظر بگیرند. علاوه بر آن، ایجاد مناطق مخصوص اقتصادی و تضمین امنیت سرمایه گذاری میتواند انگیزه لازم را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم کند. قابل یاد آوری است که حمایت از صنایع کوچک و متوسط از طریق وام های بدون سود و آموزش های فنی میتواند به رشد ایجاد کار و اشتغال زایی کمک کند. همچنان افغانستان می‌تواند با بهره‌گیری از موقعیت استراتژیک خود به عنوان پل ارتباطی بین آسیای میانه و جنوب آسیا، پروژه‌های مشترک با کشورهای همسایه را توسعه دهد. همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و سازمان‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند منابع مالی و فنی لازم برای پروژه‌های کلان را تأمین کند. در صورت اجرای این راهکارها، بخش خصوصی می‌تواند به موتور محرکه اقتصاد افغانستان تبدیل شود و زمینه را برای رشد پایدار فراهم کند.

۳. بهره‌برداری از منابع طبیعی

افغانستان دارای ذخایر غنی از معادن (مس، آهن، لیتیوم، طلا) و منابع انرژی است که می‌تواند محرک رشد اقتصادی باشد. اقدامات ضروری که باید صورت بگیرد ذیلاً به آنها پرداخته می شود: افغانستان با دارا بودن ذخایر غنی معدنی از جمله معادن مس عینک، حاجیگک (آهن)، ذخایر لیتیوم، طلا، نفت و گاز، یکی از کشورهای با امکانات بالای اقتصادی در منطقه محسوب می‌شود. بر اساس برآوردها، ارزش منابع معدنی افغانستان به بیش از (۳) تریلیون دالر می‌رسد که در صورت مدیریت صحیح می‌تواند تحول عظیمی در اقتصاد کشور ایجاد کند. با این حال، بهره‌برداری از این منابع با چالش‌های جدی از جمله ناامنی، فساد اداری، کمبود زیرساخت‌های حمل و نقل و فقدان تکنالوژی پیشرفته مواجه است. استخراج غیراصولی و قاچاق مواد معدنی به کشورهای همسایه نیز باعث شده تا سود حاصل از این منابع به جای توسعه ملی، به جیب گروه‌های غیرمسئول برود. برای حل این مشکلات، نیاز به تدوین استراتژی ملی معدن، جذب سرمایه‌گذاران معتبر بین‌المللی و ایجاد صنایع فرآوری برای جلوگیری از خام‌فروشی مواد معدنی است. برای بهره‌برداری مؤثر از منابع طبیعی، افغانستان نیازمند ایجاد چارچوب قانونی شفاف، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری و همکاری با شرکت‌های بین‌المللی دارای تکنالوژی پیشرفته است. پروژه‌هایی مانند معدن مس عینک و حاجیگک می‌توانند با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی و تحت نظارت نهادهای بین‌المللی به بهره‌برداری برسند. همچنین، احداث کارخانه‌های



فـرآوری در داخـل کشـور بـه جـای صـدور مـواد خـام، ارزش افـزوده قابـل توجهـی ایجـاد خواهـد کـرد. توسـعه زیرسـاخت‌های مرتبـط از جملـه راه‌آهـن و جاده‌هـا بـرای انتقـال مـواد معدنـی نیـز از ضروریـات اسـت. علاوه بـر ایـن، شـفافیت در قراردادهـا و توزیـع عادلانـه درآمدهـای حاصـل از معـادن بیـن مرکـز و ولایـات می‌توانـد بـه کاهـش فقـر و توسـعه متـوازن منطقـه‌ای کمـک کنـد. بـا مدیریـت صحیـح، منابـع طبیعـی افغانسـتان می‌توانـد بـه موتـور محرکـه اقتصـاد تبدیـل شـده و فرصت‌هـای شـغلی گسـترده‌ای ایجـاد نمایـد.

٤. بخش زراعت حدود (۲۵٪) از تولید ناخالص داخلی (GDP) افغانستان را تشکیل می‌دهد و اشتغال‌زایی بالایی دارد.

راه‌حل‌های کلیدی

- **مکانیـزه کـردن زراعـت:** توزیـع بذرهـای مقـاوم، ماشـین‌آلات پیشرفتـه و سیسـتم‌های آبیـاری مـدرن.
- **توسعه زراعت جایگزین:** جایگزینی کشت خشخاش با محصولات پرسود مانند زعفران، میوه و سبزیجات.
- **ایجـاد بازارهـای صادراتـی:** بازاریابـی محصـولات کشـاورزی بـه کشـورهای منطقـه و جهـان. کشـاورزی بـه عنـوان سـتون فقـرات اقتصـاد افغانسـتان، حـدود (۲۵٪) از تولیـد ناخالـص داخلـی را تشـکیل داده و منبـع معیشـت بیـش از (٦۰٪) جمعیـت کشـور اسـت. بـا ایـن وجـود، ایـن بخـش بـا چالش‌هـای متعـددی از جملـه کمبـود آب، روش‌هـای کشـت سـنتی، نبـود زیرسـاخت‌های ذخیره‌سـازی و فـرآوری محصـولات، و تغییـرات اقلیمـی مواجـه اسـت. تنهـا (۱۲٪) از زمین‌هـای قابـل کشـت آبیـاری شـده‌اند و بیـش از (۸۰٪) کشـاورزی در معـرض خطـر خشکسـالی قـرار دارنـد. توسـعه سیسـتم‌های آبیـاری مـدرن ماننـد آبیـاری قطـره‌ای، معرفـی بذرهـای مقـاوم بـه خشـکی، و مکانیزاسـیون کشـاورزی می‌توانـد بهـره‌وری را تـا ۳ برابـر افزایـش دهـد. همچنیـن، جایگزینـی کشـت خشـخاش بـا محصـولات بـا ارزش ماننـد زعفـران، میوه‌هـای خشـک و گیاهـان دارویـی ضمـن ایجـاد درآمـد پایـدار، بـه

کاهش وابستگی به اقتصاد مواد مخدر کمک می‌کند. برای تحقق امنیت غذایی، نیاز به ایجاد زنجیره ارزش کامل از مزرعه تا بازار است. این شامل توسعه مراکز جمع‌آوری محصولات، سردخانه‌ها، واحدهای بسته‌بندی و صنایع تبدیلی می‌شود. سرمایه‌گذاری در تحقیقات کشاورزی برای توسعه گونه‌های سازگار با اقلیم افغانستان و آموزش کشاورزان در روش‌های نوین ضروری است. همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای انتقال تکنالوژی و ایجاد بازارهای صادراتی برای محصولات کشاورزی افغانستان می‌تواند درآمدزایی را افزایش دهد. اجرای برنامه‌های ذخیره‌سازی استراتیژیک غلات و توسعه بیمه محصولات کشاورزی نیز می‌تواند امنیت غذایی را در برابر شوک‌های اقلیمی و اقتصادی تضمین کند. با این اقدامات، افغانستان می‌تواند نه تنها به خودکفایی غذایی دست یابد، بلکه به صادرکننده محصولات با ارزش کشاورزی تبدیل شود.

۵. سرمایه‌گذاری در آموزش و فناوری

نیروی انسانی تحصیل‌کرده و ماهر، کلید توسعه اقتصادی است. اقدامات لازم:

- **تحصیل رایگان و باکیفیت:** گسترش مدارس و دانشگاه‌های فنی‌وحرفه‌ای متناسب با نیاز بازار کار.
- **ارتقای مهارت‌های دیجیتال:** آموزش برنامه‌نویسی، IT و کارآفرینی به جوانان.
- تشویق نخبگان به بازگشت: ایجاد مشوق‌های اقتصادی و امنیتی برای متخصصان افغان در خارج از کشور.

نتیجه‌گیری

توسعه اقتصادی افغانستان نیازمند یک برنامه جامع، پایدار و مبتنی بر اولویت‌بندی دقیق است. ایجاد امنیت، بهبود زیرساخت‌ها، تقویت بخش خصوصی، بهره‌برداری از منابع طبیعی، توسعه کشاورزی، سرمایه‌گذاری در آموزش و همکاری‌های بین‌المللی، از جمله اقدامات کلیدی برای رسیدن به این هدف هستند. با اجرای این راهبردها، افغانستان می‌تواند به ثبات اقتصادی دست یابد و آینده‌ای پررونق برای شهروندان خود رقم بزند.



نړيوالي تبصري





د منځنۍ اسیا او افغانستان لپاره د اُورګاډي پټلۍ ته یوه کتنه

د ډیپلومات ـ The Diplomat په نوم جاپانۍ رسنۍ د ټرانسپورټېشن او مواصلاتو په اړه یوه اقتصادي شننه پورته کړې ده، چې ټولیزه منځپانګه یې د منځنۍ اسیا او افغانستان تر منځ د اورګاډو د پټلیو په اړه راڅرخي.

په مقاله کې د اورګاډو ټرونونه په تاریخوار ډول بیان شوې دي لکه؛ له افغانستان سره د «ترکمن ـ قزاق ـ اوزبک» اورګاډي پراختیا همدارنګه د تورغوندۍ په تړاو د «افغان ـ تُرکمن» اورګاډو د (۵) میلیونو ډالرو په ارزښت ټرون لاسلیک. بیا وروسته په هرات کې د افغانستان د اورګاډي پټلۍ مرستیال وزیر ښاغلي مولوي محمد اسحاق صاحبزاده او تُرکمنو له خوا سردار قُربانوف ترمنځ تفاهملیک ته اشاره کوي.

ورپسې د افغانستان د ټولګټو وزارت د یاد ټرون د خپراوي خبره هم کوي، چې وایي ترکمنستان به مخکې له مخکې پانګونه وکړي او تر بشپړتیا وروسته به یې د عایدو له لارې پیسې بیرته ور کړل شي. شننه تر تُرکمنو وروسته د قزاقو خوا ته پاملرنه کوي او په دوام کې یې کابل ته د قزاق د بهرنیو چارو وزیر مُراد نورتلیو او سفر یادوي، چې وایي د (۵۰۰) میلیونو ډالرو د پانګې خبره یې مطرح کړه. د قزاقستان د ټرانسپورټ مرستیال وزیر مکست کالیاکپاروف ویلي دي، چې په دې پروژه کې د تورغوندۍ او هرات ترمنځ د (۱۲۰) کیلومتره ریل پټلۍ جوړېدنه په کې شامله ده، چې ممکن په (۲) کاله کې بشپړه شي.

لیکواله تحلیل کوي، چې وایي په تورغوندۍ کې د قزاقو او تُرکمنو پانګونه د هغه څه په پرتله، چې اوزبکستان یې د «افغان ـ ټرانس» پټلۍ په اړه تصور کوي، کمه وه. تحلیل تر دې ټولو وروسته په کابل کې د افغانستان، پاکستان او اوزبکستان د بهرنیو چارو وزیرانو (۳) اړخیزو خبرو ته پام کوي، چې پر ټرانس ـ افغان باندې متمرکزې وي.

شنونکي د اُزبکي رسنیو په حواله زیاته کړې ده، چې اُوزبک تر «چین ـ قیزغیزستان ـ اوزبکستان ـ CKU» ریل پټلۍ وروسته د ټرانس ـ افغان اورګاډي پټلۍ «دوهمه لویه ستراتیجیکه پروژه» بولي.

په (۲۰۲۴) ز کې اوزبک چارواکي د بلخ «نایاب اباد» ته د (۷۵) کیلومیتره اُورګاډي د کرښې بیارغوني پرانیستلو ته تللي ول.

د اوزبکستان د ټرانسپورټ مرستیال وزیر جسوربېک چورېف ویلي دي، چې «ټرانس ـ افغان» د اوزبکستان له پاره یو لوی بازار پرانیزي، کوم چې د منځنۍ اسیا له پاره لوی فرصت دی او دا مسیر سمندري بندرونو ته تر ټولو لنډه لاره ده.

د «ټرانس - افغان» اورګاډي پټلۍ د امکان سنجونې د مطالعې لپاره ۳ - اړخیز ټرون لاسلیک شو

د «ټرانس ـ افغان» اورګاډي پټلۍ په اړه (۱۱) مشهورو نړیوالو رسنیو په ښلاښلو بڼو او منځپانګو سره ریپورټونه خپاره کړي دي. ریپورټونه لیکي، چې اسلامي امارت، اوزبکستان او پاکستان د «ټرانس ـ افغان» ریل پټلۍ پروژې له پاره د امکان سنجونې مطالعې ټرون لاسلیک کړ، چې موخه یې په منځنۍ او سویلي اسیا کې سوداګري او ټرانزیټ ته وده ور کول دي. نړیوالې رسنۍ کاږي، چې د (UAP) دا ټرون، چې د اوزبکو له ټرمز څخه پیل تر کابل ټرېدو وروسته پښور ته داخلېږي، په کابل کې د یادو دریو وزیرانو له خوا لاسلیک شو، کوم چې د سیمه ییز اتصال او اقتصادي ادغام د پرمختګ له پاره یو مهم پړاو دی. د اوزبکستان د بهرنیو چارو وزیر بختیار سعیدوف پر اېکس پاڼه لیکي: «دا دهلیز به سوداګري زیاته کړي، د افغانستان د اقتصادي بیارغونې ملاتړ به وکړي او د سویلي بندرونو له لارې به نړیوال بازار ته نوی لاسرسي پرانیزي.» په ریپورټونو کې راځي، چې دا ۳ اړخیز نوښت به د اورګاډي پټلۍ د جوړولو هغه تخنیکي او اقتصادي امکانات و ارزوي، چې له افغانستان څخه ټرېږي او بیا پښور ته ځي. د چین شینهووا اژانس بیا په دې اړه زیاتوي، چې دا (۵۷۳) کیلومیټره ریل پټلۍ وړاندیز، چې (۴.۵ ــ ٦) میلیارډه امریکایي ډالره لګښت پرې راځي، د منځنۍ اسیا او سویلي اسیا او نړیوالو بازارونو ترمنځ د سوداګریزو اړیکو د پیاوړتیا له پاره یوه ستراتیژیکه زېربنایي پروژه ده.

د «انادولو ــ AA» په نوم تُرکي خبري اژانس بیا د ټرانس ــ افغان اورګاډي اوږدوالی (۶۴۰) یادوي او په کابل کې د اسلامي امارت له مشرانو سره د پاک ــ اوزبک مشرانو د لیدنې یادونه کوي. پاکستانۍ رسنۍ ډان ــ Dawn په ریپورټ کې د پاکستان د بهرنیو چارو له وزیر اسحاق ډار سره د رئېس الوزراء او خلیفه صاحب سره لیدنه هم یادونه کوي، چې پر امنیتي، ټرانزیټي او ټرانسپورټي موضوع ګانو یې بحث کړی دی. کسپین پوسټ په خپل ریپورټ کې دا خبره ذکر کړې ده، چې یادو دریو ملکونو د پټلۍ مسیر په اسلام اباد کې په (۱۸./ جولای/ ۲۰۲۳)ز کې نهایي کړ. د فرغانه ــ Fergana په نوم رسنۍ بیا لیکي، چې لومړنی مصرف یې (۵) بیلیونه امریکایي ډالره ذکر شوی وو، وایي اوس و (۷) بیلیونو/ میلیارډو ته پورته شوی دی. د دریا ــ Daryo په نوم اُزبکۍ رسنۍ لیکلي دي، چې په یاد ټرانسپورټي دهلیز کې به له کاله (۲۰) میلیونه ټنه انتقالات کېږي، پروژه به (۵) کاله وخت و نیسي او تر ټولو لوړ لګښت به یې (۸.۲) بیلیونه امریکایي ډالره وي. د ټرانس- افغان اورګاډي په ټراو بیا ګلف نیوز -GULFNEWS د مولوي امیر خان متقي خبره رانقل کړې ده، چې پټلۍ ته یې د «باور پُل» خطاب کړی دی.

شوکت میرضیایېف: د چین قرغیزستان اوزبکستان پټلۍ به له ټرانس افغان دهلیز سره وصل شي



د ازرنیوز - AZERNEWS په نوم د اذربایجانۍ رسنۍ په ریپورټ کې راځي، چې د اوزبکستان اولسمشر شوکت میرضیایېف اعلان وکړ، چې د «چین ــ قیرغیزستان ــ اوزبکستان» ریل پټلۍ به بالآخره له «ټرانس ــ افغان» دهلیز سره ونښلي.

ښاغلي میرضیایېف دا څرګندونې د اذربایجان په خانکېدي کې د اقتصادي همکارۍ سازمان یا ایکو- ECO د (۱۷) سرمشریزي غونډې په درشل کې وکړې. وایي په دې نوښت سره به د سیمه ییزو اړیکو نوي امکانات او ټرانزیټي فرصتونه پرانیستل شي.

ورپسې زیاتوي، چې د «چین - قیرغیزستان - اوزبکستان» اورګاډي پټلۍ پروژې پیل یو داسي مهم ګام دی، چې په راتلونکي کې به دا لوی مسیر له «ټرانس ــ افغان» دهلیز سره وصل شي.

دا اذرۍ رسنۍ په وروستیو کې دا ټکي هم لیکي، چې وایي د دې دوو دهلیزونو ادغام به د لنډو او متنوع ټرانسپورټي لارو په جوړېدو سره د «ختیځ ــ لوېدیځ» سوداګرۍ وده وکړي، چین او منځنۍ اسیا به د افغانستان په مرسته سوېلي اسیا او منځنۍ ختیځ سره وصل کړي.

افغان او اوزبک سوداګرو د شل میلیونو ډالرو په ارزښت سوداګریز ټرونونه لاسلیک کړل





د کون اُوز ــ KUN. UZ په نوم یوې اوزبکۍ رسنۍ په ریپورټ کې راغلي دي، چې د افغانستان او اوزبکستان د خصوصي سکټورونو استازو په کابل کې د ګډې سوداګریزې غونډې په ترڅ کې له (۲۰) میلیونو ډالرو څخه زیاتو ارزښت لرونکو همکاریو ټرون لاسلیک کړ.

په متن کې راځي، د افغانستان د اسلامي امارت د صنعت او سوداګرۍ وزیر ښاغلي نورالدین عزیزي له ریپورټ سره د خپلو پلانونو د شریک کېدو خبره کړې ده او وایي، چې داسې پلانونه سته، کوم چې له اوزبکستان سره سوداګریز حجم (۳) میلیارډو ډالرو ته لوړ کړي.

ښاغلي عزیزي ویلي دي، چې د افغانستان او منځنۍ اسیا هیوادونو ترمنځ سوداګریزې او اقتصادي اړیکې، په ځانګړې ډول له اوزبکستان سره د دوه اړخیزو اړیکو په تاریخ کې بې ساري کچې ته رسېدلي دي.

په کابل کې اوزبک سفیر اُیبک عثمانوف د دوه اړخیزو سوداګریزو همکاریو د لا پراختیا پلانونه اعلان کړل، چې وایي په (۲۰۲۵)ز کې د کابل او تاشکند ترمنځ سوداګریز حجم (۳) برابره شوی دی.

عثمانوف زیاتوي، چې په راتلونکو کلونو کې سوداګریز حجم و (۲) بیلیونو/ میلیارډو ډالرو ته لوړوي.

یاده اوزبکۍ رسنۍ د وضاحت په موخه زیاتوي، چې د افغانستان د سوداګرۍ او پانګونې خونې رئیس سید کریم هاشمي له دواړو حکومتونو څخه وغوښتل، چې سوداګرو ته دې پراخ قونسلګریز ملاتړ مهیاء شي.

اوزبکستان او افغانستان د سوداگرۍ او زېربنايي همکاريو په اړه خورا ډېر بحث وکړ



د دريا ــ Daryo او کون اُز ــ KunUz په نوم دوو اوزبکي رسنيو ليکلي دي، چې د افغانستان اسلامي امارت د رياست الوزراء اقتصادي مرستيال ملا عبدالغني برادر اخوند د اوزبکستان له اولسمشر شوکت ميرضيايېف سره د اقتصادي همکاريو سازمان يا ايکو ــ ECO د غونډې په يوه څنډه کې وکتل. دواړو خواوو په مهمو سکټورونو کې د اقتصادي همکاريو پراخولو په اړه بحث وکړ او تمرکز يې د سوداگرۍ، ټرانسپورټ او لوژيستيک، انرژۍ او صنعتي پراختيا په برخه کې د ملګرتياوو پياوړتيا وه. ريپورټونه زياتوي، چې دواړو لوريو د وروستيو لاسته راوړنو هرکلی هم وکړ، د بېلګې په توګه يې په مې مياشت کې په کابل او مزار شريف کې د اوزبک سوداګريزو مرکزونو پرانيستنه او هم په جون کې د غوره سوداګرۍ ترون لاسليک کول ياد کړي دي.

وايي ضيايېف د کانونو، ټوکرانو/رختونو، درملو، ساختماني موادو او کرنيز پروسيس په برخه کې د همکارۍ په نيت پر فرصتونو باندې ټينګار کړی دی. د ريپورټ وروستۍ برخه د «ټرانس - افغان» اورګاډي پټلۍ يادونه هم کوي، چې وايي مشرانو يې د جوړېدو ژمنه بيا تازه کړه او په دې اوسپنيزه پټلۍ سره به منځنۍ او سوېلي اسيا د اقتصاد له بابته پياوړې شي.

د ترمِز سوداګریز زون اصلاحاتو په درشل کې له افغانستان څخه اوزبکستان ته سوداګریز سفرونه زیات شوي دي

د کون اُوز ــ KUN UZ په نوم اوزبکي رسنۍ اوزبکستان ته د افغان سوداګرو د سفرونو د ډېرېدا په اړه ریپورټ ور کوي، چې وایي اوزبکستان ته د افغانانو سوداګریز سفرونه د ترمِز سوداګریز زون د اصلاحاتو له بابته ډېر شوي دي.

ریپورټ د اوزبکي ملي احصائیې کمېټې په استناد لیکي، چې د (۲۰۲۵)ز په لومړیو (٦) میاشتو کې له (۲۲۳,٦۰۰) څخه ډېر بهرني اتباع د سوداګریزو موخو له پاره اوزبکستان ته تللي دي.

وایي د افغانستان سوداګرو مسافرو شمېر (۲۰۷,۵۰۰) ته رسېږي، چې تر ټولو لوړ شمېر دی او د ټولټال ٪(۹۲,۸) استازیتوب کوي.

ریپورټ په وروستیو کې زیاتوي، چې پروسېرکال (مې/۲۰۲٤)ز کې اوزبکي اولسمشر شوکت میرضیایېف د افغانستان او پاکستان اتباعو ته اجازه ورکړه، چې په ترمِز کې د نړیوال سوداګریز مرکز دننه پرچون ځایونه واخلي.

وایي بهرنیو اتباعو ته له ویزې پرته د ننوتلو اجازه ده، چې حتی تر (۱۵) ورځو پورې لا هم هلته پاتې کیدلای شي.

تُرکمنستان او افغانستان د تورغوندۍ بندر د پراختیا لپاره ټرون لاسلیک کړ

د اذربایجان ټرېنډ خبري اژانس ــ Trend په ریپورټ کې راغلي دي، چې تُرکمنستان او افغانستان د هرات په تورغوندۍ بندر کې د زېربنایي چارو د پراختیا په نیت د پانګونې پروژې یو ټرون لاسلیک کړ.

په پروژه کې د تُرکمنستان له خوا په لومړي قدم کې د (۵) میلیونو امریکایي ډالرو په ارزښت د ګودامونو جوړول او د تورغوندۍ ــ هرات اورګاډي پټلۍ په اوږدو کې د بار وړلو او بارولو نوي اسانتیاوې مهیاء کول شامل دي.

ریپورټ زیاتوي، که څه هم پانګونه له ترکمنستان څخه راځي؛ لاکن ساختماني او عملیاتي کارونه به د سیمه ییزو قوانینو په اساس په افغانستان کې ترسره کېږي. په وروستۍ برخه کې دا ټکي هم ور علاوه کوي، چې وایي له بندر څخه ترلاسه شوي عایدات به تُرکمن شریکانو ته د پانګونې په خاطر ور کول کېږي.



افغانستان اروپايي بازارونو ته د رسېدو له پاره له «منځني دهلېز» څخه د کار اخیستلو نیت کړی دئ



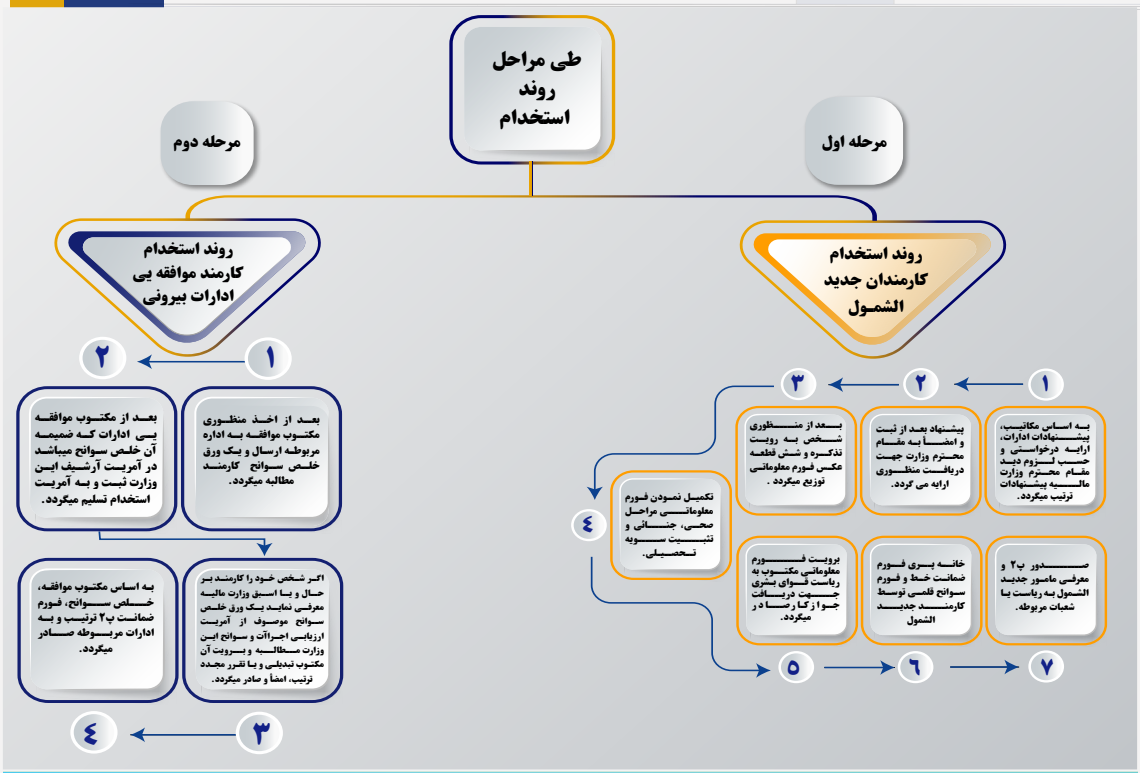
د ټرېنډ ــ Trend په نوم اذري خبري اژانس د اذري چارواکو په حواله رېپورټ ور کړی دی، چې وایي افغانستان غواړي د «منځني دهلېز» په نوم له ټرانسپورټي مسیر سره یوځای شي؛ ترڅو اروپا ته صادرات زیات کړي.

«منځنی دهلېز»، چې د «ټرانس ــ کسپین نړیوال ټرانسپورټي مسیر» په نوم هم مسمی دی، چین له منځنۍ اسیا، کسپین سمندرګي، اذربایجان، ګورجستان/ ګرجستان او ترکیې له لارې له اروپا سر وصلوي.

یاده رسنۍ لیکي، چې د اذربایجان د اورګاډي پټلۍ رئېس روشن روستموف په باکو بندر کې له ملا برادر اخوند سره په دې خاطر ولیدل، چې د «سوېلي اسیا - قفقاز ـ اروپا» لارې په اوږدو کې د بار وړلو د پراخولو په اړه مجلس وکړي.

اژانس لیکي، چې افغان مشرانو د باکو بندر له لارې د خپلو توکو د صادراتو د ګړندي کولو له پاره د ملاتړ غوښتنه وکړه، چې په پایله کې اذري چارواکو د تحویلۍ اسانتیا له پاره له خپل چمتووالي څخه ډاډ ورکړ.


انفوگرافیکونه


طی مراحل روند استخدام
مرحله اول
مرحله دوم
روند استخدام کارمندان جدید الشمول
روند استخدام کارمند موافقه یی ادارات بیرونی
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
به اساس مکاتیب، پیشنهادات ادارات، ارایه درخواستی و حسب لزوم دید مقام محترم وزارت مالیه پیشنهادات ترتیب میگردد.
پیشنهاد بعد از ثبت و امضا به مقام محترم وزارت جهت دریافت منظوری ارایه می گردد.
بعد از منظوری شخص به رویت تذکره و شش قطعه عکس فورم معلوماتی توزیع میگردد .
تکمیل نمودن فورم معلوماتی مراحل صحی، جسمانی و تثبیت سویه تحصیلی.
صدور پ۲ و معرفی نامور جدید الشمول به ریاست با شعبات مربوطه.
خانه پری فورم ضمانت خط و فورم سوانح قلمی توسط کارمند جدید الشمول
بروت فورم معلوماتی مکتوب به ریاست قوای بشری جهت دریافت جواز کار صادر میگردد.
بعد از اخذ منظوری مکتوب موافقه به اداره مربوطه ارسال و یک ورق خلص سوانح کارمند مطالبه میگردد.
بعد از مکتوب موافقه پی ادارات که ضمیمه آن خلص سوانح میباشد در آمریت آرشیف این وزارت ثبت و به آمریت استخدام تسلیم میگردد.
اگر شخص خود را کارمند بر حال و با اسبق وزارت مالیه معرفی نماید یک ورق خلص سوانح موصوف از آمریت ارزیابی اجراآت و سوانح این وزارت مطالبه و برویت آن مکتوب تبدیلی و با تقرر مجدده ترتیب، امضا و صادر میگردد.
به اساس مکتوب موافقه، خلص سوانح، فورم ضمانت پ۲ ترتیب و به ادارات مربوطه صادر میگردد.


بشپړ
د نوي ګمارنې لپاره د توزیع فورم شعبې لار ښوونې
۱ له اړونده ادارو څخه وړاندیز او یا مکتوب د ګمارنې لپاره د بشري سرچینو ریاست ته لیږل کیږي.
۲ وړاندیز د منظوري د اخیستلو لپاره د وزارت مقام ته لیږل کیږي.
۳ اصلي تذکره او د تذکرې شپږ رنګه کاپي ته ضرورت دی.
٤ د ګمارل کیدونکي شخص شپږ قطعي د اوس وخت عکسونو ته ضرورت دی.
۵ د ګمارل کیدونکي شخص د سوانحو فورمونه د کمپیوټر په واسطه د نومورې په شتون کې ډکیږي.
٦ د ګمارل کیدونکي شخص ته یو استعلام د توزیع فورم د شعبې لخوا ورکول کیږي یاد استعلام لاندې درې خایونو کې تائیدیږي.
الف. د جنایي جرم د لرلو یا نه لرلو په خاطر د کورنیو چارو وزارت (د عامه خدمتونوشعبې) ته وړل کیږي. یاد وزارت د میدان هوایي سړک ته خیمه موقعیت لري.
ب. تحصیلي برخه بې لاندې ادارو ته وړل کیږي.
(پوهنتون څخه فارغ) د تحصیلات عالي (لوړو زدکړو) محترم وزارت ته.
(له دوولسم یا څوارلسم څخه فارغ) د شهادتنامو او نتایجومحترم ریاست ته.
(له دیني علومو څخه فارغ) د دیني تخصصاتو او جامعاتولوی ریاست ته.
ج. د روغتیایي معایناتو لپاره مرکزي پولي کلینیک شفاخاني ته وړل کیږي چې یاد کلینیک سینما پامیر کې موقعیت لري.
۷ یاد استعلام د پورته ذکر شویو ادارو له تائید څخه وروسته بیا ځلي د توزیع فورم شعبې ته د کاري جواز د مکتوب ترتیبولو په خاطر سپارل کیږي، یاد مکتوب به د بشري قوي عمومي محترم ریاست ته وړل کیږي. ذکر شوی ریاست (د شاه دوشمشیره زیارت شاته موقعیت لري)
۸ د کاري جوازکارت له اخیستلو وروسته د مالیې وزارت په آرشیف ثبتیږي بیا توزیع فورم شعبې ته د (پ ــ۲) یا مقرري مکتوب د ترتیبولو لپاره سپارل کیږي.
۹ به پای کې (پ ــ۲) یاد مقرري مکتوب د اړونده بخشونو او د بشري سرچینو د رئیس له امضاء وروسته آرشیف ته د صادرولو (نمبر وهلو) په خاطر لیږل کیږي.


آمریت انکشاف اداره
مطالبه طرح تشکیل سال آینده از عموم ادارات
تحلیل و مقایسه طرح تشکیل سال قبلی و طرح جدید
درصورت نیاز ایجاد کمیته دفاع تشکیل سال بعد
ارایه طرح های تشکیلاتی ادارات به کمیته دفاع تشکیل داخلی
توحید، انسجام و بسته بندی طرح عمومی تشکیل وزارت مالیه و ارسال آن به اداره امور
تکثیر و ابلاغ تشکیل جدید به عموم ادارات مرکزی و ولایتی وزارت مالیه
ثبت تماماً ارقام تشکیلاتی به سیستم مرکز و HRMIS اداره امور
ترتیب، تکمیل وتوزیع لوایح وظایف جدید برای عموم بست های شامل تشکیل
HRMIS


آمریت ارتباط با کارکنان
بخش صحت ومصؤنیت
بخش ارتباط وهماهنگی
بخش رسیدگی به شکایات

درنو هېوادوالو!

مالیات لګښت نه؛ بلکې د نظام د بودیجې له پیاوړتیا سره ستاسو مرسته ده، چې هېواد د پردیو له اقتصادي، سیاسي، ټولنیز او فرهنګي تسلط څخه ژغوري او په بیا رغونه کې یې ونډه اخلي.

